

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه / ۲۷ بهمن ۱۴۰۱ / فوریه ۲۰۲۳

۷۱۷

بها: ۳٫۵ دلار

www.hafteh.ca



اولین گام به سوی همگرایی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی

نشست دانشگاه «جرج تاون» واشنگتن
به اعتراضات نیروی تازه می‌دهد؟

درس‌هایی که اپوزیسیون از «وکالت می‌دهم» گرفت؟



خدمات کامپیوتری
Advanced Computer
بامدیریت بابک یزدی

ویروس یابی
فروش
آموزش

تعمیر
نصب

(416) 226-6939
babakyazdi2@gmail.com
6052A Yonge St. North York ON, M2M 3V9

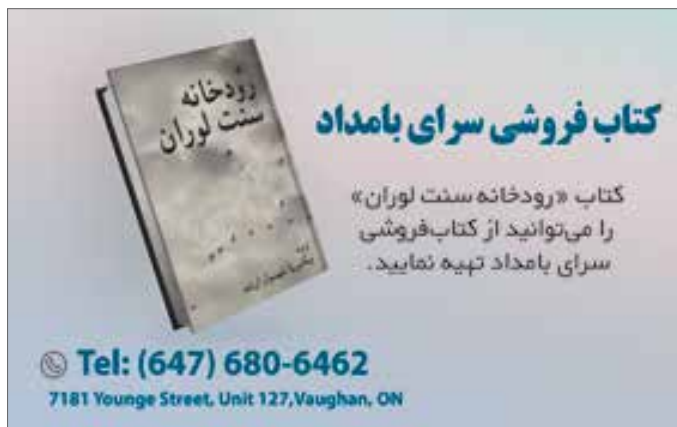
(416) 471-7138
advancedcomputer@icps.com
www.advancedcomputer.com



سرای نیاز
لورڈ اورڈر اینج

Niyazexchange.ca
+1 (416) 294 - 3003
6080 Yonge st. M2M 3W6

روبروی پلازای ایرانیان



کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی
سرای بامداد تهیه نمایید.

Tel: (647) 680-6462
7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON



کتاب فروشی پگاه

کتاب «جادوی عصاره گیاهان»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی
پگاه تهیه نمایید.

Tel: (416) 223-0850
5513 Yonge St, North York, ON M2N 5S3



Richmond Hill Medical Pharmacy
Mozhgan Mahmoodian, Ph.D.
Pharmacist/Owner
دکتر مرزگان محمودیان

Hours of operation:
Mon - Fri: 9:00 to 19:00
Saturday: 9:00 to 15:00

Tel: 905 - 237 - 7874
Fax: 905-237 - 7873

Richmond Hill Medical Clinic
Dr. Ashkan Gitipour, M.D., C.C.F.P.
دکتر اشکان گیتی‌پور

Tel: 905 - 237 - 8755
Fax: 905-237-8756

RichmondHillMedicalClinic.com
10234 Yonge St. Richmond Hill ON L4C 3B2

پزشک خانواده بیمار جدید می‌پذیرد



à vendre

9861 Boul. LaSalle, #6, Montréal (LaSalle),
H8R2N9

Centris No. 15847362
\$449,000



à vendre

1808, Rue de Beaulac,
Chambly

Centris No. 10936619
\$859,000

مهدی انصاری

مشاور املاک مسکونی

کارشناسی ارشد عمران (کنکور دیا)

514-588-0609

@LRG برترین بروکر سال ۲۰۲۲

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC





RE/MAX
3000
Tranquillité *بیمه منحصر به فرد*

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست





- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- پروسه رایگان برای خریداران

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری خود را به ما بسپارید
همراه با تیم حرفه‌ای



Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



- پیش فروش املاک در سراسر Quebec
- خرید و فروش املاک صنعتی و کشاورزی
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۷ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۷ سال سابقه در املاک

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

صرافی آرش

Arash Currency Exchange

راهی مطمئن برای انتقالات ارزی

- ارائه کلیه خدمات ارزی و حوالجات ارزی بین کشورهای خاورمیانه، اروپا و آمریکا
- خرید و فروش ارزهای دیجیتالی
- تحت نظارت سازمان MSB (مانی سرویس بیزینس)
- با بهترین نرخ و در کوتاهترین زمان
- فروش با کارتخوان



تخفیف ویژه برای کسانی که از طرف مجله هفته برجسته کنند.

9993 Yonge St
Richmond Hill, Ontario, Canada
+1-905-955-2599



شعر:
«مشق ناتمام» از علی اسدالهی
سروده‌ای برای فرهاد میثمی از سعید
کریمی

مونترال: مهدیس مختاری
گردهمایی بزرگ ۱۱ فوریه و دودستگی در
صفوف راهپیمایان

فرهنگ و هنر: گروه ترجمه هفته
نمایشگاه چهار هنرمند ایرانی در ریچموند
هیل: ما همه با هم هستیم

کانادا: گروه خبر هفته
کمپین سازمان «حامی کانادا» برای ساخت
مدرسه در منطقه زلزله‌زده خوی

نقد کتاب: مریم عربی
وطن را به نام معشوق می‌زنم
یادداشتی بر رمان «تادانو»، اثر محمدرضا سالاری

مونترال: گروه خبر هفته
فرید داوری، فعال فرهنگی مونترالی در
سوگ پدر هنرمندش نشست

معرفی دو کتاب: فرزانه صفایی
«تاریخ مشروطه ایران» و «فروغ فرخزاد،
زندگی نامه ادبی»

تورنتو: سعید میرزایی
دو تجمع اعتراضی ایرانیان در ریچموند هیل
و مرکز شهر تورنتو
تجمع کنندگان: سپاه پاسداران در فهرست
سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد

آرش محبی
أرسام ایرانی
گزارش: نشست ۱۰ فوریه در واشنگتن،
اولین گام همگرایی مخالفان دیکتاتور؟

یادداشت: نشست دانشگاه «جرج تاون»،
درسی که از «من و کالت می‌دهم» گرفته
شد؟

دیدگاه: روزگار ناموافق اپوزیسیون

Toronto office:
6012A Yonge St. North York, ON M2M 3V9
(416) 548-5671

Montreal office:
1980 Sherbrooke St. W. Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8
(514) 834-7254

www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN1918-4379HafteH

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مردخام

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمنبای واژه شمار ورود) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۱۷
پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱ / ۱۶ فوریه ۲۰۲۳
پها: ۳/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار
تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:
پنجشنبه ۵ ژانویه، پنجشنبه ۲۳ مارس
پنجشنبه ۶ ژوئیه، پنجشنبه ۱۲ اکتبر

۴۲ گزارش ویژه



گزارش ویژه: پگاه شریفی

حجاب از نگاه دو زن ایرانی-کانادا

به بهانه ۴۴مین سالگرد قدرت گیری اسلام گرایان در ایران

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



سیاست: پگاه شریفی

حسین امانت: آزادی را ساختم تا بگویم

ایران از دوران‌های سخت می‌گذرد

برج «آزادی» تهران در گذر تاریخ معاصر ایران

۶۲ آریانا



آریانا: نرگس هاشمی

تقویت مردسالاری پس از طالبان و افزایش

خشونت بر زنان

گزارشی از کابل

۲۴ مهاجرت



مقاله: معصومه علی محمدی

تسهیل استخدام خارجی‌ان برای کارفرمایان کبک

۵۶ سلامتی

جامعه: لاله رهبین

نگاهی به زمینه‌های زن‌ستیزی در ایران

(بخش ۱ از ۳)

جامعه: گروه ترجمه هفته

آیا کبک و مونترال برای مواجهه با یک

زلزله بزرگ آمادگی دارند؟ کارشناسان

تربیده‌های جدی دارند

سلامتی: گروه ترجمه هفته

کمک به مرگ خودخواسته برای بیماران

روانی به تعویق می‌افتد

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس پور

حلیم گیاهی

سخن ستارگان، برای تفنن

سرگرمی: خاطره تحویل‌داری یکتا

طنز و حکایت و سرگرمی

اخبار با همستان: مهدیس مختاری - سپیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی محمدی

ادبیات: فرزانه صفایی

سلامتی: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریانپور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، رضا داوودی

مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری-پور

سردبیر: خسرو شمیرانی

سردبیر آنلاین: آرشد محبی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته

کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی

عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

ایجاد دو دستگی، هدیه‌ای به دیکتاتور دو راهپیمایی در تورنتو و یک راهپیمایی تجزیه‌شده در مونترال

اختلاف‌ها را کنار بگذارند و اولویت‌ها را در نظر بگیرند.»

اگر در گروه اول هستی که شاهزاده شما را کلاً از معادلات خود حذف کرده است و شما را نه «راه حل بلکه بخشی از مشکل» می‌داند، پس با شعار سردادن به نفع شاهزاده و دودستگی ایجاد کردن اساساً چه خطی را دنبال می‌کنی؟

اما اگر در گروه دوم هستی و طرفدار شاهزاده رضا پهلوی، دستکم به سخن ایشان گوش بده. شما که فریاد شعارهایت در دفاع از ایشان گوش آسمان را کر می‌کند، یک لحظه هم سکوت کن و گوش بده به حرف همان فردی که طرفدارش هستی؛ احترام به مخالف و گوش دادن به حرف مخالفان پیشکش، به صحبت‌های شاهزاده گوش بده که طرفدارش هستی.

وقتی که به سخنان ایشان در رد نفرت و جدایی و دودستگی گوش نمی‌کنی و بر خر خود سواری و پیش می‌رانی آیا فردی که نظر دیگری به جز «تو» دارد محق نیست که از «تو» بترسد که فردا چه بر سر او خواهی آورد؟

اطمینان داشته باش که این رفتار و برخورد، بسیاری از مردم را از پیوستن به صفوف معترضان باز می‌دارد و این بهترین خدمت به دیکتاتور حاکم است.

فقط در دفاع از ملت و جوانان داخل کشور شعار می‌دهیم و حرکت می‌کنیم.

چرا مهم‌ترین ایرادی را که به مقامات رژیم دیکتاتوری وارد می‌دانیم (عدم توجه به منافع ملی و عدم احترام به آزادی شهروندان) در خودمان نمی‌بینیم و اصلاح نمی‌کنیم؟ مگر نه اینکه اگر حاکمان به جای خودمخوری، مردم و جامعه را می‌دیدند و به خواست آنها گردن می‌گذاشتند تا به حال صدمه‌بار آزادی و امنیت و رفاه نسبی مردم ایران تأمین شده بود؟

چرا نمی‌بینیم وقتی که خودخواهانه و خودمخوری‌بانه عمل می‌کنیم جمع‌های بزرگ ده‌ها هزار نفری پراکنده می‌شوند و «من» می‌مانم و هزاران پرچم بی‌سرباز؟

آقای شاهزاده رضا پهلوی در نشست دانشگاه جرج تاون می‌گوید: «تجربه ۴۴ ساله‌ام در مبارزه نشان داده که دو دسته مبارز وجود دارند. یک دسته آدم‌های کینه‌ای و نفرت‌ورز که خود بخشی از مشکل‌اند و روی سخن من با این گروه نیست، بلکه با کسانی است که می‌خواهند جزئی از راه‌حل باشند و به‌رغم اختلاف‌نظرها با هم کار کنند و این به معنی کار کردن برای آینده بهتر است. زمان آن رسیده که (گروه دوم)



چرا چنین می‌کنیم؟ این چیست که سبب می‌شود ما به خاطر علائق شخصی خود به منافع مشترک مردم‌مان بها ندهیم و حتی این منافع مشترک را در روز روشن زیر پا بگذاریم؟ این چیست در درون من و تو که از «ما» شدن بازمان می‌دارد و هر کدام را یک «من» «بزرگ» ناتوان نگه می‌دارد؟

آن سرزمین بلازده در آتش خودخواهی عده‌ای جاهل قدرت‌پرست می‌سوزد و تو و من در اینجا که آزادی عمل داریم حتی حاضر نیستیم در کنار هم و با احترام به هم راه برویم و نشان بدهیم که برای ما منافع مشترک ملت مهم است و به خاطر همین اهمیت است که از شعار به نفع این فرد و آن رهبر دست می‌کشیم و

هفته در تورنتو



خبرهای ایرانیان تورنتو را **داغ داغ** بخوانید

www.hafteh.ca

اخبار
گزارش‌ها



کمپین سازمان «حامی کانادا» برای ساخت مدرسه در منطقه زلزله زده خوی

هدف نهایی این کمپین، جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی اعلام شده است

موسسه حامی کانادا، یک سازمان غیرانتفاعی ثبت شده در کانادا است که ماموریتش را فراهم کردن دسترسی به آموزش و جمع آوری منابع مالی برای توسعه مناطق محروم، اعلام کرده است. این گروه اعلام کرده که به هیچ مذهب، گروه سیاسی یا فرقه‌ای وابستگی ندارد و کاملاً مستقل است.

این سازمان خیریه در کانادا، قبلاً هم با کمک مالی خیران، اقدام به ساخت مدارس در استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان، کرمان، فارس، البرز، خراسان شمالی و خراسان جنوبی کرده بود. برای اطلاع از سایر اهداف و ماموریت‌های این سازمان خیریه می‌توانید به سایت آنها به نشانی www.hamicanada.ca نیز مراجعه کنید.

منبع: وبسایت شبکه حامی کانادا

<https://hamicanada.kindful.com/?campaign=1237706>

همچنین از طریق ایمیل زیر هم می‌توانید اطلاعات پرداخت آنلاین را دریافت کنید: info@hamicanada.ca

در عین حال، می‌توانید چک کمک مالی خود به این کمپین را به آدرس زیر نیز ارسال کنید:

Hami Canada
896 - 6021 Yonge Street
Toronto, Ontario
Canada, M2M 3W2

در صورتی که پرسشی درباره این کمپین دارید، می‌توانید با مهشید مهاجر، مدیر موسسه حامی کانادا از طریق تلفن و ایمیل زیر در ارتباط باشید:

(647) 669-6765
info@hamicanada.ca

زلزله اخیر در شهرستان خوی، واقع در استان آذربایجان غربی، منازل و مدارس زیادی را بخصوص در مناطق روستایی به ویرانی کشاند. «حامی کانادا» به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی واقع در تورنتو، اقدام به راه‌اندازی یک کمپین جمع‌آوری کمک‌های مالی برای بازسازی یک مدرسه روستایی در منطقه فیروزق خوی، کرده است که در این گزارش می‌توانید از راه‌های مختلف مشارکت در این کمپین بشردوستانه، مطلع شوید.

هدف نهایی این کمپین بشردوستانه، جمع‌آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای ساخت این مدرسه روستایی، اعلام شده است. برای شرکت در این کمپین برای حمایت از کودکان این منطقه زلزله‌زده، می‌توانید از طریق لینک زیر، کمک‌های مالی خود را به شکل آنلاین پرداخت کنید:



دور از خانه، در جستجوی خانه: دانشجوی ایرانی از دشواری‌های ارتباط گرفتن با داخل ایران می‌گوید

نکرده بودیم و این آخرین راه حلی بود که به ذهنمان رسیده بود.

جدا از سانسور، شایان در حالی که در تلاش است تا زندگی‌اش را در ونکوور سروسامان دهد، گوشه چشمی هم به اخبار میهن دارد. این موضوع را خودش «دوگانه‌زیستی» توصیف می‌کند.

شایان می‌گوید که من در این جا زندگی مجازی دارم و در ایران هم زندگی مجازی دارم. شما باید ۱۰ ساعت وقت بگذارید تا مسائلی که در آن جا جریان دارد را پیگیری کنید.

شایان این روزها کمتر به شبکه‌های اجتماعی سرک می‌کشد و در عوض می‌کوشد که در راهپیمایی‌هایی که هر هفته در ونکوور برگزار می‌شود تا جایی که می‌تواند شرکت کند و از این طریق سهمی در جنبش اعتراضی ایران داشته باشد.

او در این راستا هم در بخش دانش‌های رایانه‌ای دانشگاه درباره‌ی وضعیت زندگی زنان ایرانی در جمهوری اسلامی سخنرانی‌هایی داشته و می‌گوید این حداقل کاری است که می‌توانم انجام دهم. ممکن است که کمکی به مردم داخل ایران نکند، ولی احساس بهتری به خودم می‌دهد و این که دارم کاری انجام می‌دهم.

منبع: وبسایت شبکه **ubyssey**

اثر می‌گذارد. شایان می‌گوید که حدود ۱۲ ساعت اختلاف زمانی داریم و وقتی می‌خواهیم آنها فعال‌اند و وقتی من فعالم آنها خواب‌اند. و فاصله هم طبعاً فاصله‌ی فیزیکی نیست و به گفته‌ی شایان چیزهای مشترک ریشه در گذشته دارند و شما دیگر با هم خاطره‌ی جدیدی نمی‌سازید و با یکدیگر در حال حاضر درگیر مسائل نیستید.

این مسائل با خیزش اخیر در ایران حتی تشدید هم شده است. جمهوری اسلامی به همراه سرکوب‌های گسترده، شبکه‌های اجتماعی را محدودتر از پیش کرده و بنابراین تماس ایرانیان خارج از کشور با عزیزانشان در درون کشور و بر عکس بسیار دشوارتر و دشوارتر شده است. شایان می‌گوید که واتس‌راپ مسدود شده، اینستاگرام هم فیلتر شده و ارتباط با دوستان و خانواده بسیار سخت گشته است.

او در آغاز کوشید تا راهی پیدا کند و بنابراین برای اعضای خانواده و برخی دوستانش وی‌پی‌ان خرید، ولی باز هم محدودیت‌ها بیشتر و بیشتر شد. شایان می‌گوید که زمانی بود که هیچ پیام‌رسانی کار نمی‌کرد و بنابراین ناچار شدم به خانواده‌ام ای‌میل بزنم. یک روز مامانم برایم ای‌میلی با موضوع سلام فرستاد و این برایم عجیب بود، چون ما هرگز از ای‌میل برای برقراری ارتباط استفاده

دانشگاه رفتن در خارج از کشور تجربه‌ای هیجان‌انگیز است: اقامت در کشوری جدید، غوطه‌ور شدن در فرهنگش و آشنا شدن با آدم‌های تازه که می‌توانند دوستان همیشگی شوند. در عین حال، آدمی‌نگاهی هم به خانه‌ی پشت سرش دارد، به ویژه اگر عزیزی در آن جا باشند که سختی را تجربه می‌کنند.

در ادامه با «شایان حسینی» آشنا می‌شویم که اقامتش در کانادا باعث شده تا تعریفش از خانه تغییر کند.

برای شایان که دانشجوی سال سوم کارشناسی ارشد در رشته‌ی دانش‌های رایانه‌ای است، پیوند با خانه به معنی پیوند با کسانی است که برایش مهم‌اند: خانواده، دوستان نزدیک و همکارانش در ایران.

زمانی که همه‌گیری پیش آمد، شایان برای ارتباط با خانواده در ایران به فناوری روی آورد. او می‌گوید که در بحبوحه‌ی همه‌گیری پا به کانادا گذاشتم. بنابراین فقط داشتن تماس از راه زوم، تماس‌های تصویری، در آن روزها عادی بود. شبکه‌های اجتماعی در حفظ ارتباط مفید بودند نشان را نشان داده‌اند. شایان می‌گوید که دیدن عزیزانش از نزدیک امکان‌پذیر نیست و بنابراین تنها راهی که دارد، راه آنلاین است.

علی‌رغم این، فاصله‌ها خواهی‌نخواهی بر روابط



فرید داوری، فعال فرهنگی مونترالی در سوگ پدر هنرمندش نشست

گردوغبار کارگاه بذر مرگ را در راه‌های تنفسی او نشانند و در آخرین سال‌های عمر چندین بار او را روانه بیمارستان کرد تا اینکه ساعت ۱۰ شب پنج‌شنبه، دوم فوریه ۲۰۲۳ در حالی که عزیزانش گرداگرد او بودند، در بیمارستان جویبش جنرال مونترال برای همیشه از زمین پرکشید. دوستانش می‌گویند معمولاً لبخندی آرام بر صورتش نقش بسته بود و وقتی که می‌خندید آهنگ خنده‌ای از ته دل فضا را پر می‌کرد. به گفته‌ی یکی از اعضای خانواده، پدر خوشبخت زیست و در میان جمع خانواده که عاشقانه دوستش داشت، با آرامشی بی‌نظیر بار سفر بست و رفت.

خانواده‌ی این هنرمند انسان‌دوست روز یکشنبه ۱۲ فوریه در «سالن حمزه» در لاول برنامه‌ای برای بزرگداشت خیرالله داوری برپا کرد که جمعی از دوستان و آشنایان در آن شرکت کردند. همکاران و مدیریت «هفته» درگذشت زنده‌یاد خیرالله داوری را به خانواده‌ی گرامی او بویژه به فرید داوری، این فعال فرهنگی دوست‌داشتنی شهروان تسلیم می‌گوید.

نعمات مادی زندگی اربابی آباوآجدادی گذشت و بعد از اتمام دبیرستان نیز راهی پایتخت و در آنجا کارمند دولت شد. او که باور داشت انسان باید با دست‌ان خودش کار کند، امنیت شغلی زندگی کارمندی را رها کرد و یک کارگاه دروینچره‌سازی راه انداخت. دیرتر مجسمه‌سازی بخش دیگری از زندگی او شد. کلکسیون‌های پرنده‌های چوبی بخشی از کارهای هنری اوست که طی سالیان شکل گرفته است.



فرید داوری، فعال فرهنگی و اجتماعی در مونترال هفته‌ی گذشته در سوگ پدر نشست. زنده‌یاد خیرالله داوری پنج‌شنبه ۲ فوریه ۲۰۲۳ در سن ۸۹ سالگی در نتیجه از کارافتادن ریه‌ها از دنیا رفت و علاوه بر خانواده، گروه بزرگی از دوستان و آشنایان را در غمی سنگین نشانند. در بیانیه‌ی درگذشت خیرالله داوری چنین آمده: «پدر، به دور از هر نمایشی، در سه دهه‌ی آخر عمرش، تمام انرژی و توانش را برای کمک، و یاری رساندن به دیگر هموعان، و انسان‌های نیازمند گذاشت، و سعی کرد انسان اثرگذار و مثبتی، حداقل در دنیای پیرامون خودش باشد. برای بابا، هیچ چیز مهم‌تر و رضایت بخش‌تر از کمک به کودکان یتیم نبود.»

خیرالله داوری به عنوان یک هنرمند و اهل ادب پای ثابت شب‌های شعر و سایر نشست‌های ادبی و فرهنگی در «خانه‌ی ما» در وست‌آیلند بود. به گفته‌ی اعضای خانواده، خیرالله داوری در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۲ در سربند اراک به دنیا آمد و از همان کودکی در مسیر متفاوتی گام گذاشت. خیرالله نوجوان به درخواست خودش به اراک رفت تا درس بخواند و در گام بعدی از



گردهمایی بزرگ ۱۱ فوریه و دودستگی در صفوف راهپیمایان

خود را به شکل متفاوتی ادامه دهند. این سبب به جدایی و دودسته شدن راهپیمایان شد.

گروهی که شعارهای هواداری از شاهزاده رضا پهلوی را سرمی‌داند در پیشاپیش قرار گرفتند اما بخش بزرگی از جمعیت با فاصله‌ای از گروه اول به راهپیمایی ادامه دادند. شعارهای گروه دوم در حمایت از جنبش «زن زندگی آزادی» و اعلام همبستگی با مردم ایران بود. بسیاری از حاضران در این رویداد ابراز نظر می‌کردند که «چهره‌های حاضر در نشست دانشگاه جرج‌تاون تأکید داشتند که امروز زمان تمرکز بر مباحث و شعار به نفع هیچ نظام جایگزینی نیست و اینگونه مباحث را می‌توان پس از پیروزی انقلاب زن، زندگی آزادی در ایران و با تکیه بر رای همه مردم پیش برد.»

اسلامی بود. شرکت‌کننده دیگری از تاثیر وحدت‌بخش نشست دیروز دانشگاه جرج‌تاون بر همگرایی ایران گفت و اشاره کرد این نشست بر حضور یکپارچه ایرانیان سراسر جهان در گردهمایی امروز تاثیر داشته است. یک شرکت‌کننده کانادایی نیز به هفته گفت که از حضور و حمایتش از ایرانیان و انقلاب زن، زندگی، آزادی خوشحال است.

علی‌رغم آنکه در نشست روز جمعه ۱۰ فوریه رضا پهلوی، حامد اسماعیلون، مسیح علی‌نژاد و نازنین بنیادی، شیرین عبادی، عبدالله مهندی و گلشیفته فراهانی در دانشگاه جرج‌تاون بر وحدت حداکثری و تمرکز بر مبارزه با جمهوری اسلامی تأکید شد اما در بخشی از راهپیمایی ۱۱ فوریه در مونترال شعارهایی سر داده شد که در نهایت بخشی از حاضران تصمیم گرفتند راهپیمایی اعتراضی

ایرانیان مونترال در یک همبستگی جهانی همگام با سایر شهرها در دنیا در روز ۱۱ فوریه برابر با ۲۲ بهمن راهپیمایی و مقابل کنسولگری آمریکا تجمع کردند. بسیاری از آن‌ها امروز را آغاز پایان جمهوری اسلامی عنوان کردند.

به گزارش خبرنگار هفته، ایرانیان مونترال در راستای همبستگی با مردم ایران هم راستا با فراخوان سراسری راهپیمایی که در شهرهای مختلف جهان برگزار شد با فریادهای آزادی خواهانه بر ضد جمهوری اسلامی، بعد از یک راهپیمایی کوتاه مقابل کنسولگری آمریکا در خیابان سنت کترین تجمع کردند.

در این رویداد با تعدادی از ایرانیان و کانادایی‌های حاضر در راهپیمایی گفت‌وگو کردیم. یکی از آن‌ها به خبرنگار هفته گفت که برنامه امروز به واقع آغاز پایان جمهوری



تجمع مخالفان رژیم ایران در ریچموند هیل



تجمع مخالفان رژیم ایران در برابر کنسولگری آمریکا

دو تجمع اعتراضی ایرانیان در ریچموند هیل و مرکز شهر تورنتو

تجمع کنندگان: سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد

درخواست جامعه ایرانیان کانادا، توجه کند. در ادامه نیز در گفت‌وگوهای اختصاصی با هفته، دکتر رضا مریدی، نماینده پیشین پارلمان اناریو و فعال سیاسی شناخته شده ایرانی کانادایی درباره پیام این تجمع اعتراضی به حکومت ایران و دولت‌های غربی سخن گفت و در ادامه نیز کاوه شهروز، حقوقدان ایرانی کانادایی، مباحث حقوقی برای قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را تشریح کرد.

همچنین گروه دیگری از ایرانیان در همین روز در برابر کنسولگری آمریکا در مرکز شهر تورنتو گرد آمدند. عکس‌های شاهزاده پهلوی در دست بخش بزرگی از راهپیمایان چشمگیر بود.

از ضرورت برخورد قاطع با وابستگان جمهوری اسلامی در کانادا گفتند و اینکه نباید جامعه جهانی با افراد وابسته به جمهوری اسلامی در خارج از کشور، مداخلات کند.

همچنین در این تجمع، خانم ملیسا لسمن، نماینده پارلمان فدرال و معاون حزب محافظه‌کار کانادا هم سخنرانی کرد و در این سخنرانی بر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی تاکید کرد. او گفت که همراه با مردم ایران و معترضان جمهوری اسلامی است.

پس از پایان سخنرانی خانم لسمن، تجمع کنندگان دوباره بر خواسته خود مبنی بر قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی تاکید کردند و این خواسته را مطرح کردند که جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا باید از خواب غفلت بیدار شود و به این

در روز ۱۱ فوریه، گروه «عاشقان ایران» تجمع اعتراضی در مقابل کتابخانه مرکزی ریچموند هیل اناریو برگزار کرد که در این تجمع، چند هزار نفر شرکت کردند. گروه عاشقان ایران، خود را گروهی مستقل معرفی کرده که هیچ وابستگی سیاسی ندارد.

به گزارش هفته، در این تجمع اعتراضی، تجمع کنندگان خواستار توقف مذاکره دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی و قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی شدند. همچنین در این تجمع، علیه رهبر جمهوری اسلامی، شعار سر داده شد. شعارهای دیگری نیز با مضمون حقوق بشر برای ایران و دموکراسی برای ایران نیز در این مراسم، به گوش می‌رسید. در ادامه نیز گروه سرود داوطلبانه کامیونیتی ایرانیان نیز در این برنامه به اجرا پرداختند. همچنین تجمع کنندگان در ادامه



درس‌ون

معلم خصوصی آنلاین

از \$10 کانادا

- قیمت مناسب
- دسترسی راحت
- معلم‌های باتجربه
- تنوع رشته‌های آموزشی
- منطبق با سیستم آموزشی کانادا

فارسی زبان هنر ریاضی موسیقی ورزش شطرنج علوم تاریخ برنامه‌نویسی

WWW.DARSOON.COM | +1(877)270-2277

سحر صمدایی

Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Cell: 514.625.2525

مشاور رسمی املاک مسکونی
مونترال

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency
550 - 1 Pl. du Commerce,
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1



ÉQUIPE AMYASSAAD

ÉQUIPE IMMOBILIERE AGÉE 3 QUARTIER REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی

10% PREMIER DES COURTIER AU CANADA
AVEC ROYAL LEPAGE
در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

مانیا نیازی
امی اسد

AMY ASSAAD
INFO@AMYASSAAD.CA
514 884 8000

MANYA NIAZI
MANYA@AMYASSAAD.CA
514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1485 AV. 381KUR, MONTRÉAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

سنتون

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com
514 967 5743

اولین گام به سوی همگرایی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی

نشست دانشگاه «جرج تاون» واشنگتن
درسی که از «وکالت می‌دهم» گرفته شد؟



حاشیه‌های نشست

- رضا پهلوی و حامد اسماعیلیون برخوردهای گرمی با یکدیگر داشتند که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. خصوصاً اینکه بعد از کارزار «وکالت می‌دهم»، عده‌ای سعی داشتند این پیام را انتشار دهند که بین اپوزیسیون اختلاف شدیدی افتاده است.
- نازنین بنیادی در طی نشست چندین بار با چشم‌های اشکی دیده شد.
- سخنرانان چندین بار به کیان پیرفلک و خدای رنگین‌کمانش اشاره کردند.
- حامد اسماعیلیون درباره آزادی فرهاد میثمی از زندان گفت و رقم‌زدن یک انقلاب خشونت‌پرهیز.
- به‌کاربردن واژه «اتوبوس مجانی» از سوی رضا پهلوی، سروصدای زیادی از سوی موافقان و مخالفان در فضای مجازی و خصوصاً توئیتر راه انداخت.

پرونده
هفته

آرش محبی، آرسام ارانی



گزارش «هفته» از نشست «آینده جنبش دموکراسی ایران» در دانشگاه جورج تاون واشنگتن هشت چهره سرشناس اپوزیسیون خواستار کنار گذاشتن اختلاف‌ها شدند

هفته پیش و در آستانه چهل و چهارساله شدن جمهوری اسلامی و در ادامه خیزش بزرگ مردم ایران، نشست «آینده جنبش دموکراسی ایران» با حضور هشت چهره سرشناس ایرانی اپوزیسیون در مؤسسه زنان، صلح، و امنیت دانشگاه جورج تاون در شهر واشینگتن آمریکا برگزار شد.

رضا پهلوی، فرزند شاه پیشین ایران، حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی، مسیح علی‌نژاد روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، نازنین بنیادی، فعال حقوق بشر و بازیگر حضور فیزیکی داشتند و علی کریمی، ستاره پیشین تیم ملی فوتبال، عبدالله مهندی، دبیرکل حزب کومله کردستان ایران، شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل، و گلشیفته فراهانی بازیگر با ارسال ویدئوهایی به فضای این نشست پیوستند.

گزارشی از مهم‌ترین موارد طرح شده در متن و حاشیه این رویداد را می‌خوانید.

جنبش‌های دانشجویی، دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸، جنایت‌های اخیر و بسیاری از کسانی که شکنجه و اعدام شدند، رسیدگی شود تا حقیقت عریان شود و زخم‌های سرزمین ما التیام پیدا کند.

مسئله دادخواهی از نظر من بسیار مهم است. همچنین جنبش دموکراسی‌خواهی ایران که از ۱۱۵ سال پیش شکل گرفته است و خواستن عدالت خانه تا امروز، دلایل و انگیزه‌هایی بوده است که من خودم را بخشی از این جمع بدانم.

دیدگاهی هم وجود دارد که هم‌نسلان من، پدر و مادرهای معترضان جوان امروز مطرح می‌کنند و نگران آنارشی، تجزیه و استبداد هستند. ما باید

اصلی می‌بینم. آزادی، دادرسی عادلانه، عدالت اجتماعی و عدالت محیط زیستی. هرکسی بخشی از این انقلاب را نمایندگی می‌کند. زنان، دانشجویان، از کردستان تا آذربایجان، از بلوچستان تا مازندران، همه به دنبال حقوق برابر هستند. اقلیت‌های جنسیتی، کارگران، معلمان، هنرمندان، نویسندگان، ورزشکاران، دادخواهان و... همه بخشی از این انقلاب هستند.

دادخواهان انتظار دارند که بعد از پایان جمهوری اسلامی، کمیته‌های حقیقت‌یابی تشکیل شود تا به تک‌تک جنایت جمهوری اسلامی، اعم از سینما رکس، کشتارهای دهه ۶۰، جنبش سبز،



حامد اسماعیلیون: نگران آنارشی، تجزیه و استبداد نباشید
من انقلاب زن، زندگی، آزادی را بر چهار خواسته

مشغول تدوین منشور برای اتحاد میان گروه‌های مختلف اپوزیسیون هستیم تا چون چتری مطالبات اکثریت ایرانیان را در بر بگیرد. این منشور که امیدوار هستیم تا پایان ماه فوریه تهیه شود. بر اساس اعلامیه حقوق بشر و رفع تبعیض‌ها با حفظ یکپارچگی ایران و تأکید بر تنوع و تمرکززدایی از قدرت تهیه می‌شود تا هر ایرانی خود را در آن ببیند و با انقلاب زن زندگی آزادی همراه شود.

جهان از وضعیت ویران‌کننده حقوق بشر در ایران آگاه است و می‌داند که با یک داعش مستقر روبرو است، اما نمی‌داند که بعد از جمهوری اسلامی با چه آینده‌ی روبرو خواهد بود و باید با چه کسانی گفت‌وگو کند. حالا افتخار می‌کنیم که این همبستگی را نشان دادیم.

سفرهای بعدی ما باید در کنار هم و در قالب اپوزیسیون متحد باشد. ما حکومت سکولار دموکرات می‌خواهیم. جامعه جهانی باید بدانند برنامه ما برای احترام گذاشتن به تکثری که در ایران وجود دارد، چیست؛ بنابراین بعد از انتشار منشور مشترک، گام مشترک بعدی ما دیدار با رهبران غربی است تا صدای ما را بشنوند و خودشان را برای یک ایران بدون جمهوری اسلامی و بدون داعش، آماده کنند.

در ملاقات‌هایمان با سران کشورهای دموکراتیک تأکید کرده‌ام رهبران واقعی مثل نسرین ستوده، نرگس محمدی، اسماعیل بخشی، حسین رونقی، مجید توکلی و فهرست بسیار بلندی از زندانیان هستند که بهتر از این آخوندهای عقب‌افتاده، می‌توانند کشور را اداره کنند.



عبدالله مهتدی: تنها دشمن مشترک همه، جمهوری اسلامی است

روز مرگ مهسا کردستان سکوت نکرد، حجاب اجباری را آتش زد و الهام‌بخش انقلاب برای آزادی

که به دموکراسی برسیم و در این راه نیاز به کمک و یاری جامعه‌ی جهانی داریم.

جهان باید بفهمد که ما متخصصان زیادی در حوزه‌های مختلف داریم که نه تنها می‌توانند مسیر گذار به سوی آینده را مشخص کنند؛ بلکه مسیر بازسازی کشور را در آینده تعیین می‌کند.



شیرین عبادی: دیکتاتور به پایان سلام کن!

این قطار که با مرگ مهسا امینی شروع شد، سر ایستادن ندارد و ایستگاه آخر آن سقوط رژیم جمهوری اسلامی است.

حکومت ایران «بی‌لیاقت و ستمکار، خونخوار و جنایت‌کار» است و چون ما همه یکدست نبوده‌ایم این حکومت دوام داشته است. همه شکل این حکومت از اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به آزمایش گذاشته شده و عمر مردم تلف شده است و وقت آن است که بگوییم دیکتاتور به پایان سلام کن.

الان وقت دعوا بر سر این نیست که حکومت سلطنت بهتر است یا جمهوری بلکه «حفظ یکپارچگی سرزمین ایران با احترام به تکثر مذهبی و قومی خواست همه» است و اختلاف‌ها را باید بر سر صندوق رأی گذاشت.



مسیح علی‌نژاد: گام اول انتشار منشور مشترک، گام دوم دیدار با رهبران غربی

این نگرانی‌ها را برطرف کنیم. از دید من این نگرانی‌ها وجود ندارد، در صورتی که هزینه این انقلاب را با کمک هم به کمترین سطح کاهش بدهیم. جنبش‌های خشونت‌پرهیز از همین دسته هستند.

کسانی که مرتکب جنایت نشده‌اند، باید بتوانند به مردم بازگردند. البته چنین فرایندی و رفراندوم به سازوکار حقوقی نیاز دارد و در این خصوص باید حقوق‌دانان و فعالان حقوق بشری، چنین سازوکاری را فراهم کنند.

تمام راهنمایی‌ها و حتی تشکیل شدن این جمع با کمک فعالان داخل ایران بوده است. راهنمایی‌ها و حتی متن از داخل ایران می‌آید و ما فقط آن را به بحث گذاشته‌ایم.



رضا پهلوی: آدم‌های کینه‌ای بخشی از مشکل‌اند

تجربه ۴۴ ساله‌ام در مبارزه نشان داده که دو دسته مبارز وجود دارند. یک دسته آدم‌های کینه‌ای و نفرت‌ورز که خود بخشی از مشکل‌اند و روی سخن من با این گروه نیست، بلکه با کسانی است که می‌خواهند جزئی از راه‌حل باشند و به‌رغم اختلاف‌نظرها با هم کار کنند و این به معنی کارکردن برای آینده بهتر است. زمان آن رسیده که (گروه دوم) اختلاف‌ها را کنار بگذارند و اولویت‌ها را در نظر بگیرند؛ به فکر آزادی و سربلندی هم‌وطنان باشند و تلاش کنند. به امید آن روزی که ایران آزاد شود، تک‌تک شهروندان از هر گرایش قومی و جنسی بدانند که در برابر قانون و برای بازسازی ایران با هم برابر هستند.

برای موفقیت دموکراسی و بقای بلندمدتش، داشتن نهادهای لازم، کافی نیست و فرهنگی از چندگانگی و بردباری باید ایجاد شود. ایرانیان راه تعیین سرنوشتشان را پیدا خواهند کرد ولی شاید آن فرهنگ پذیرش و بردباری لازم نهادینه نباشد و اگر این فرهنگ ایجاد شود ما موفق خواهیم شد

انتقال پیام جنبش به رهبران جهانی و یافتن روش‌هایی در رسیدن به دموکراسی و سکولاریسم و منزوی کردن بیشتر رژیم و قطع درآمد جمهوری اسلامی شد.

رژیم بر سر قدرت مانده به‌خاطر اختلاف‌هایی که ایجاد کرده و باید نشان دهیم که چنین چیزی واقعیت ندارد.

تحریم‌ها مهم هستند به شرطی که اجرا شوند و نه فقط تصویب. امیدوارم در دو سوی اقیانوس آرام اتحادی شکل بگیرد و تمام دولت‌های اروپایی و آمریکا و کانادا در هماهنگی با هم و متکی به صدایی که از داخل ایران می‌آید به راهبردی برای دموکراسی و سکولاریسم در ایران برسند.

این گردهمایی فقط یک نقطه شروع است پیش از آن که یک منشور یا یک نقشه راه مشترک برای رسیدن به یک دموکراسی سکولار تدوین شود و نظامی بر اساس حمایت حداکثر مردم شکل بگیرد. چیزی که ۴۴ سال از همه مردم ایران دریغ شده است.



➤ **علی کریمی، فوتبالیست محبوب ایرانیان، از چهره‌های اصلی کمپین «من وکالت می‌دهم» بود و از نشست «جرج تاون» هم حمایت کرد.**

• درباره بیانیه میرحسین موسوی چه فکر می‌کنید؟

رضا پهلوی: هرچقدر بیشتر زمینه ریزش از حکومت فراهم شود، راه فروپاشی جمهوری اسلامی فراهم‌تر می‌شود. همه کسانی که به این نتیجه برسند که اصلاحات راه خروج از این بن‌بست نیست مسلماً استقبال خواهیم کرد و بهتر و سریع‌تر ما را به مرحله فروپاشی نظام خواهد رساند.

پایبندیم، انتخاب نوع حکومت را در زمان خودش به مردم واگذار خواهیم کرد. البته آن روز نظرات ما یکسان نخواهد بود، ولی همین به معنی آزادی و دموکراسی است.



نازنین بنیادی: کنار گذاشتن اختلاف‌ها راه رسیدن به دموکراسی سکولار

در لحظه‌ای تاریخی برای ایران هستیم و مفتخریم که در این جا هستیم تا با کنار گذاشتن اختلاف‌ها به دموکراسی سکولار برسیم.

«رنگین کمان» کیان پیرفلک، پسر ۹ ساله‌ای که در خودرو در ایده کشته شد، نمادی از تکرر این انقلاب است که همه را در برمی‌گیرد. رنگین کمان نماینده چندگانگی است تا منشوری را برای دموکراسی سکولار بنویسیم به امید این که جنبش کنونی ایران فراگیرتر از چیزی که هست بشود و به تغییر بنیادی در ایران بینجامد. رژیم‌های خودکامه متحدترند تا دموکراسی خواهان،

در سراسر ایران شد.

جمهوری اسلامی برای دهه‌ها روایت دروغینی از مردم کردستان ساخته و پرداخته بود و با زدن انواع انگ‌ها جوانان بی‌گناه ما را اعدام می‌کرد؛ اما فقط طی چند هفته در انقلاب زن زندگی آزادی قلعه دروغ رژیم فرو ریخت و کردستان نماد همبستگی و چشم‌وچراغ همه ایران شد.

همه ما خواهان برابری، رفع تبعیض‌ها و عدم تکرار هر نوع ستمی در فردای ایران هستیم و با پذیرش تنوع و تکرر و احترام به هویت‌های گوناگون در ایران دموکراتیک فردا، امروز در کنار هم می‌ایستیم. تنها دشمن مشترک ما و نیرویی که کمر به نابودی همه با بسته، جمهوری اسلامی است.

این انقلاب، انقلاب همبستگی است. برای پیروزی باید همبسته و همدل بمانیم و نوک پیکان‌ها در سراسر ایران تنها و تنها جمهوری اسلامی را نشانه بگیرد.



پیام ویدئویی گلشیفته فراهانی: ایجاد اختلاف بین اپوزیسیون، خیانت است

امروز فصل مشترک و هدف همه گروه‌های مخالف با هر عقیده و مرامی، سرنگونی و گذار از جمهوری اسلامی است. هر فرد یا گروهی اگر طرحی کم‌هزینه برای گذار از جمهوری اسلامی دارد، می‌تواند مطرح کند؛ در غیر این صورت مطرح کردن شکل و نوع حکومت برای فردای ایران، نوعی خیانت به جان‌باختگان و زندانیان در بند است.

همه ما امروز وظیفه داریم حول محور سقوط جمهوری اسلامی عمل کنیم و این موضوع، اتحاد و انسجام همه ما را تضمین می‌کند. مطرح کردن نظرات شخصی برای شکل حکومت آینده ایران، قطعاً ما را به سمت پراکندگی و واگرایی سوق می‌دهد. اگر همه ما به مردم‌سالاری و دموکراسی

نشست «جرج تاون» و درس‌های «وکالت می‌دهم» برای اپوزیسیون

ظرفی باشد که مخالفان با حفظ استقلال و اختیار خودشان در آن مخلوط می‌شوند. ترکیبی که از آن‌ها شکل می‌گیرد از نوع درهم شدن لوبیا و عدس نیست که جدا کردنش آسان باشد بلکه کمی مخلوط‌تر است اما در نهایت این نیروها می‌توانند پس از رسیدن به ایستگاه براندازی از هم جدا شوند و اهداف و ایده‌ها خودشان را پیگیری کنند.

سوم: کالا محوری بی کفایت است

در سیاست هم مانند تجارت، تفاوت‌های عمیقی بین کالامحوری و بازارگرایی وجود دارد. پیروان کالامحوری با شیفتگی به دستگاه فکری و قماش خودشان، آن‌ها را در قالب، حزب، نامزد و برنامه انتخاباتی بسته‌بندی و عرضه می‌کنند بی‌آنکه اهمیت بدهند این محصولات تا چه حد نیازهای جامعه و سایر بازیگران و ذی‌نفعان را برطرف می‌کند و با پذیرش روبرو می‌شود. آن‌ها با این فرض که دیگران حتماً ایده‌شان را می‌پذیرند، بر تبلیغات و فروش آن متمرکز می‌شوند که معمولاً هم در آن‌ها رویکرد تهاجمی دارند.

این قبیل سیاسیون چه حزب و گروه باشند و چه سیاستمدار، نمی‌توانند بپذیرند یا ببینند آنچه آن‌ها درست و مطلوب می‌دانند لزوماً برای دیگران چنین حکمی ندارد و همین باعث دریافت غلط از واقعیت‌های موجود می‌شود.

بر همین پایه «وکالت می‌دهم» رویکردی کالامحور داشت و در ظاهر می‌خواست نیاز به همگرایی اپوزیسیون را برطرف کند اما در عمل از جای دیگر سر درآورد. مجریان و حامیان آن می‌گفتند جامعه ایران نگران شکاف میان مخالفان است یا کشورهای غربی به دنبال شنیدن صدای واحد از اپوزیسیون هستند اما توضیح نمی‌دادند چرا حتی با درست پنداشتن این گزاره‌ها، مخالفان باید برای کالای آن‌ها دست به جیب شوند و به دنبال جایگزین‌های بهتری نروند که همگرایی را به صرفه‌تر یعنی با تکثر بیشتر و فردمحوری کمتر و نگاه به آینده دورتر برطرف می‌کنند.

چهارم: بازارگرایی چاره‌ساز است

در برطرف کردن شکاف‌ها و نگرانی‌هایی که اشاره شد کارنامه ناموفقی داشت و حتی به بعضی از آن‌ها دامن زد.

دوم: یکدست کردن مخالفان ناشدنی است

طراحان «وکالت می‌دهم» احتمالاً تصور می‌کردند می‌توانند با تکرار پیام‌هایی مانند خطر تجزیه و ضرورت پاسداری از تمامیت ارضی و کنار گذاشتن شعارهایی مانند زن، زندگی، آزادی و طرح ائتلاف در قالب وکالت دادن به یک شخص نه شورای رهبری یا چیزی شبیه آن، از مخالفان پیکری واحد بسازند.

البته از پیش هم روشن بود این پیکرتراشی از اپوزیسیون به علت واقعیت‌های موجود به جایی نمی‌رسد از جمله اینکه اگرچه مقصد نیروهای این جبهه تا براندازی یکی است اما نقاط شروع، مسیر حرکت و چشم‌انداز پسا جمهوری اسلامی آن‌ها متفاوت است. همین تفاوت‌های عمیق، گذاختن مخالفان و تشکیل آلیاژ یکدست از آن‌ها را ناشدنی می‌کند.

از جهت تنوع موجود، ائتلاف می‌تواند بیشتر شبیه

کارزار «وکالت می‌دهم» طرفداران رضا پهلوی در میانه خیزش «زن، زندگی، آزادی» به گفت‌وگوها و کشمکش‌های جدی میان نیروهای اپوزیسیون دامن زد. برخی نگران پیامدهای منفی و حاشیه‌های این کارزار بر همگرایی و ناامید شدن جامعه ایران از نیروهای خارج از کشور هستند. از سوی دیگر می‌توان نیمه پرلیوان را هم دید و امیدوار بود اپوزیسیون در این آسیاب تنها ریش سفیده نکرده باشد و با درس گرفتن از آن -از جمله چند درسی که در این نوشتار به آن‌ها شده- گام‌های آتی را با آگاهی و ظرافت بیشتری بردارد.

یکم: ائتلاف باید نگرانی‌ها را کم کند

از حرف زدن درباره همگرایی میان نیروهای مخالف جمهوری اسلامی تا تبدیل آن به یک طرح عملی، شکافی از تاریخ ایدئولوژی‌ها و چشم‌اندازهای متفاوت وجود دارد که تنها با یادآوری خون‌های ریخته شده التماس به گروه‌ها و چهره‌ها و... پر نمی‌شود. گروه‌ها و چهره‌هایی که باید دور میز ائتلاف بنشینند، خاطره‌های تاریخی ناخوشایندی از هم دارند که حتی تخیل آینده‌ی مشترک را برایشان دشوار می‌کند.

ائتلاف برای پرکردن این شکاف‌ها به طرحی نیاز دارد که در عین تأمین همگرایی، با نگاهی به گذشته، حداقلی از نگرانی‌ها درباره آینده را هم برطرف کند.

از طرفی برخی عملگرایانه معتقدند گفت‌وگو درباره پرسش‌های چالش برانگیز مثلاً درباره نظام سیاسی جایگزین را باید به فردای پس از جمهوری اسلامی موکول کرد تا ائتلاف بر پایه حداقلی از توافقات و هرچه زودتر شکل بگیرد. حتی اگر این نظر درست باشد، نمی‌توان پنهان کرد شکل، محتوا و رهبری ائتلاف می‌تواند از طرف جامعه به‌عنوان پاسخ‌های ضمنی به این پرسش‌ها در نظر گرفته شود و گروه‌ها و چهره‌ها حق دارند درباره این موضوع نگرانی‌های خودشان را داشته باشند.

«وکالت می‌دهم» از جهت تأکید می‌کند که بر نظام سیاسی خاصی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی داشت و همچنین گفتمانی که به طور تلویحی درباره برخی گروه‌ها و چهره‌ها در پیش گرفت،

• **مسیح علی‌نژاد:** مثل بقیه حاضران شجاعت این را ندارم که مستقیم از بیانیه میرحسین موسوی حمایت کنم؛ چون با انتقاد خانواده‌های داغدار مواجه خواهد شد. شاید میرحسین موسوی باید به دلیل مسئولیتی که در دهه شصت داشته است، نسبت به وقایع آن دوران پاسخگو باشد، ولی گام آخرش برای عبور از جمهوری اسلامی، موجب خشنودی است همان‌طور که اپوزیسیون در خارج از کشور به جمهوری اسلامی تبر می‌زنند، افرادی هم که در گذشته با حکومت جمهوری اسلامی در ارتباط بودند، باید مثل موربانه، از درون آن را سست کنند.

آزادی»، نام‌گذاری ناشیانه و پیام‌های سرشار از تجزیه‌هراسی که یادآور تبلیغات منفی حکومت درباره خیزش بود، با انتقاد و مخالفت نیروهای روبه‌رو شد که جایگزینی پدرسالاری مرکزگرا و سکولار به جای نوع مذهبی آن را چاره دشواری‌های امروز ایران نمی‌دانند. به هر حال این خیزش برپایه مخالفت بنیادین با پدرسالاری و مرکزگرایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته و وفادارانش با هیچ پهنه‌ای - حتی شتاب بخشیدن به سقوط جمهوری اسلامی - زیر بار شکل و محتوای ائتلافی نمی‌روند که این خط قرمز را نادیده بگیرند.

هفتم: غیر مذاکره، بازنده-بازنده است

مسیر ائتلاف به اندازه خود آن مهم است؛ هم از جهت تاثیر بر نتیجه و هم از جهت ارزیابی کیفیت و ادعای نیروهایی که قرار است دگرگونی بزرگی را در جامعه ایران مدیریت و رهبری کنند.

اگر قرار است ائتلاف فراگیری شکل بگیرد، مسیری جز مذاکره وجود ندارد. برای مذاکره هم باید یک منطقه توافق وجود داشته باشد یعنی پیامدهای قابل قبول برای طرف‌های مختلف به طور همزمان و مشترک. این منطقه هم به طور آشکار وجود دارد و مخالفان آگاه هستند که تشکیل ائتلاف به شکل اصولی و مناسب می‌تواند چه سرعتی به ماشین مخالفان به سمت ایستگاه براندازی دهد. گروه‌ها در پشت میز مذاکره می‌توانند از همه تاکتیک‌های مدرن و کلاسیک چانه‌زنی بهره ببرند؛ پارکشی کنند، قیافه بگیرند، صبور باشند و... اما در نهایت باید به تصمیم مشترک پایبند باشند تا کشتی اپوزیسیون با بیشترین باد موافق به سمت یک مقصد حرکت کند.

پیش گرفتن مسیری غیرمذاکره و تبدیل فضای گفت‌وگو به میدان جنگ تبلیغاتی شبانه‌روزی، آن طور که در «وکالت می‌دهم» پیش‌آمد، یک بازی بازنده-بازنده برای همه است و تاثیری منفی بر جایگاه اپوزیسیون در ذهن مردم و حتی آینده جنبش زن، زندگی آزادی می‌گذارد.

هشتم: اثر بومرنگی حقایق

آخرین نکته درباره اهمیت واقعیت‌هایی است که در این نوشتار به آن‌ها اشاره شد. «وکالت می‌دهم» نشان داد هر کدام از این واقعیت‌ها حکم بومرنگ دارند؛ هرچه دورتر پرتاب شوند با سرعت و قدرت بیشتری بازمی‌گردند و خسارت بیشتری ایجاد می‌کنند.

مضمون خیزش «زن، زندگی، آزادی» باشد؛ آن‌ها را مشتریان همگرایی ببیند و متاعی درخور خواسته‌هایشان عرضه کند.

۲- درک درستی از حرکت‌های حکومت به‌عنوان زیانکار اصلی تشکیل ائتلاف داشته باشد که «وکالت می‌دهم» در این بخش ضعف جدی داشت. در این کارزار کسانی که تمام قد مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند اما زیر بار وکالت نرفتند، با سنگین‌ترین تخریب‌ها پذیرایی شدند. سایبری‌های حکومت هم که آب را گل‌آلود می‌دیدند، به نحو احسن شروع به ماهی گرفتن کردند. به شکل شیفتی، یک روز سرباز خط مقدم تندترین یورش حامیان «وکالت می‌دهم» به مخالفان بودند و روز بعد همین نقش را برای جریان مقابل بازی کردند.

پنجم: ائتلاف به مثابه کارگزار سیاسی خیزش

ائتلاف وقتی بدنه ورزیده اجتماعی خواهد داشت که راه ورود چهره‌های جوان، زنانه و امروزی خیزش «زن، زندگی، آزادی» به آن باز باشد.

با این فهم، ائتلاف برای رسیدن به کارسازترین شکل خودش باید کارگزار سیاسی خیزش باشد که پیام آن را به جامعه جهانی و کشورهای تاثیرگذار برساند و مسیر پیشروی آن را هموار کند.

وسوسه و البته مسیر شکست این است که قدیمی‌ترها بخواهند مانند «وکالت می‌دهم» از مسیر مخالف بروند و به جای اینکه نقش یک کارگزار امین خیزش را بازی کنند، با القاهای زبانی، حذف و جایگزینی گفتمان و شعارها، خیزش را به بحث‌های قومی، جنسیتی و یک ائتلاف پیر و مردانه تنزل دهند.

ششم: بن‌بست مرکزگرایی پدرسالار

قتل ژینا امینی کرد، برآمدن شعار «زن، زندگی آزادی» از سقز، کشتار بلوچ‌ها و پایداری آن‌ها، کشتن کیان پیرفلک ۹ساله و بخش‌های مهم دیگری از خط داستانی خیزش در جایی شکل گرفته که سال‌ها با آدرس حاشیه در برابر مرکز شناخته شده است. این مرکز، تنها حکومت نیست و جنبه جغرافیایی ندارد؛ بافتاری از گفتمان‌ها و نیروهاست که از تجزیه می‌هراسند و می‌ترسانند، رگه‌هایی از رفتار پدرسالارانه دارند و حاشیه را فرزند سرکشی می‌دانند که باید رفتارش زیر نظر بزرگ خانواده باشد.

کمپین «وکالت می‌دهم» با حذف «زن، زندگی

• آیا انقلاب خاموش شده است؟

حامد اسماعیلیون: همه می‌دانیم که انقلاب فراز و نشیب دارد و در یک ماه و یک شب به نتیجه نخواهد رسید. انقلاب در مدت محدودی به نتیجه نخواهد رسید؛ ولی باید پذیرفت که از یک جایی نمی‌شود به گذشته برگشت. این موج (انقلاب) با شدت بیشتر بازخواهد گشت و ساده‌لوحانه است فکر کنیم که مردم از انقلاب گذشتند.

مسیح علی‌نژاد: انقلاب شکل‌های مختلف دارد و اینکه مردم در خیابان نیستند به معنای تمام‌شدن آن نیست.

بازارگرایی در سیاست با این پیش‌فرض آغاز می‌شود که یک بازیگر تغییر جامعه، به دنبال سایر بازیگران و ذی‌نفعان می‌رود و کالایی به آن‌ها عرضه می‌کند که با واقعیت‌ها، نیازها و خواسته‌هایشان بخواند. در این رویکرد، راه گفت‌وگو درباره اختلاف‌ها همیشه باز است تا در نهایت مبادله‌ای اتفاق بیفتد، که مقدرترین دستاورد ممکن را برای همه طرف‌ها داشته باشد.

روایت بازارگرایی درباره ائتلاف این است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند همه چیز را به تنهایی و بدون داشتن حداقلی از رضایت دیگران جلوتر ببرد یا آن‌ها را به زور سوار ماشینی کند که خودش مقصد و مسیر آن را انتخاب کرده است. این یعنی بازیگران یکدیگر را در نهایت به‌عنوان بخش‌های موثر، حذف‌ناپذیر و دارای آزادی عمل پذیرند.

در این نوع مواجهه با سیاست، انطباق طرح ائتلاف با نیازها و چارچوب‌های دیگر بازیگران شرط بنیادی است که «وکالت می‌دهم» با آن فاصله داشت. شعار و مضمون «زن، زندگی، آزادی» که نخ تسبیح گرد هم آمدن گروه‌ها است و کدهای روشنی درباره وضعیت امروز جامعه ایران دارد، از آن حذف شده بود. منتقدان و مخالفان که جوهره حرفشان ناسازگار بودن این طرح با خواسته‌های سایر گروه‌ها و واقعیت‌ها بود، تجزیه‌طلب و عامل جمهوری اسلامی خوانده شدند. در نهایت هم کار به جایی رسید که این کارزار تقریباً به نقض غرض خودش دچار شد و بیشتر به واگرایی دامن زد. با توجه به این تجربه، هر طرح جایگزینی با نگاه بازارگرا باید دست کم دو نکته را از قلم نیندازد:

۱- پاسخگوی تنوع موجود در مخالفان و

روزگار ناموافق اپوزیسیون

ایران» به عنوان سند «گذار به یک نظام متکثر در پی یک انتخابات آزاد» هستند.

به جز این دو مسئله نکته دیگری وجود نداشت و بیش از آنکه فضا مبتنی بر واقعیات باشد، حاضران در فضایی احساسی با شور سخنرانی می‌کردند. این موضوع هم موضوعی تازه نبود و معمولاً مسئله اصلی نشست جرج تاون و نشست‌های مشابه، «تلاش برای دسترسی به ائتلاف» است و نوعی نگاه «فیتیشیستی» در آن وجود دارد؛ تو گویی مشکل اصلی «ائتلاف» است و اگر مسئله ائتلاف حل شود، همه مشکلات حل خواهد شد، در حالی که مشکل اصلی، پاسخ به این سوال است که «اپوزیسیون جمهوری اسلامی در واقعیت چه وزنی در میان مردم ایران دارند؟» و مهمتر اینکه آنها تا اندازه حاضر به دادن هزینه هستند؟

واقعیت این است آنقدر که مقامات جمهوری اسلامی به اثرگذاری اپوزیسیون بها می‌دهند، در میان مردم چنین تصویری وجود ندارد. این جمله به معنای «عدم فعالیت اپوزیسیون» نیست بلکه در نقد آن وجه اپوزیسیون است که باید در «پیوند با مردم ایران» باشد اما متأسفانه گسست بزرگی که میان مردم ایران و اپوزیسیون خارج‌نشین وجود دارد، باعث شده فضایی شکل بگیرد که مردم داخل ایران اعتماد چندانی به نیروهای سیاسی خارج کشور نداشته باشند.

در پایان اینکه: بر خلاف انقلاب سال ۵۷ که عمده نیروهای اپوزیسیون از کنفدراسیون دانشجویان گرفته تا نیروهای حزبی و خود آیت‌الله خمینی همگی در خارج کشور اثرگذار بودند، در اعتراضات اخیر عمدتاً نگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به کسانی که از خارج ایران، مردم را تشویق به حضور در اعتراضات و تجمعات خیابانی می‌کنند، وجود ندارد. بنابراین کمترین خواسته‌ای که می‌شد از نشست جرج تاون داشت، این بود که دست‌کم روی این نقاط ضعف دست بگذارند و درباره آن صحبت کنند، اما نه تنها چنین نشد، بلکه شادی و خوشحالی حاضران به نحوی بود که گویا هفته آینده قرار است جشن پیروزی انقلاب برگزار شود!

نشست جرج تاون را پوشش دادند. مهمترین رسانه «رویترز» بود که از آن به عنوان نشست چهره‌های مخالف خارج از کشور ایران و بحث درباره «راه‌های اتحاد اپوزیسیون پراکنده» در سالگرد انقلاب ۱۹۷۹ در ایران یاد کرد. رسانه دیگر یاهونیوز بود که نوشت: «اپوزیسیون مهاجر مدت‌هاست به دلیل درگیری‌های درونی بین جناح‌های مختلف خود، خوش‌نام نیست.»

به جز این دو گزارش تقریباً هیچ خبری در میان رسانه‌های معتبر جهان نبود. این یعنی به لحاظ فاکتور نخست (پوشش و گستردگی خبر) نشست جرج تاون نتوانسته بود جرقه خاصی برای مخاطبان سوژه ایجاد کند. در ایران هم نشست جرج تاون بازتاب خاصی نیافت و به جز یکی دو رسانه اصولگرا، خبری حتی از نقد نشست نبود!

از جنبه‌ای دیگر اگر سخنان حاضران را مرور کنیم، هیچ نکته بدیعی در همایش وجود نداشت و تقریباً تکرار تمام سخنانی بود که تا کنون مطرح شده بود. تمام حاضران از لزوم «اتحاد اپوزیسیون» در شرایط کنونی گفتند و اینکه همگی در حال کار روی «منشور همبستگی و سازماندهی برای

این هفته «دانشکده روابط بین‌الملل و انجمن فرهنگ ایرانی دانشگاه جورج تاون» در برنامه‌ای با اجرای کریم سجادی پور پژوهشگر «بنیاد کارنگی»، میزبان طیف گسترده‌ای از اپوزیسیون خارج‌نشین بود تا برنامه «ائتلاف علیه جمهوری اسلامی» را پیش ببرند. رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و نازنین بنیادی به صورت حضوری مهمان نشست بودند و شیرین عبادی، عبدالله مهتدی، علی کریمی و گلشیفته فراهانی هم به صورت آنلاین سخنرانی کردند. این جمع هشت‌نفره به لحاظ مقبولیت عمومی در ایران، مهمترین گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی به شمار می‌روند که مدت کوتاهی گرد هم آمده‌اند و در همین مدت کوتاه نیز چندین پروژه مشترک را پیش برده‌اند.

پیش از این نیز با ابتکار علی کریمی، اکثر اعضای همین جمع توییت مشترکی با مضمون «سال ۲۰۲۳، سال همبستگی ایرانیان و تحقق آزادی و عدالت در ایران» منتشر کرده بود که بازتاب زیادی داشت. جالب آنکه در بولتن محرمانه‌ای که توسط گروه بلک‌ریوارد افشا شد، خبری وجود داشت که گفته بود احتمال رونمایی از ائتلاف چند گروه اپوزیسیونی بسیار بالاست. این اتفاق در دی‌ماه ۱۴۰۱ با ائتلاف همین گروه هشت شکل گرفت و برنامه‌های مشترک آنها نیز یکی دو ماهی است ادامه دارد. نشست جرج تاون هم آخرین نشست این گروه بود.

در بیشتر رسانه‌های فارسی‌زبان، نشست دانشکده جرج تاون به عنوان یکی از مهمترین اقدامات اپوزیسیون بازتاب یافت. پلاتفرم‌های سلطنت‌خواهان در شبکه‌های اجتماعی، این تصور را پیش بردند که با برگزاری این نشست، کار جمهوری اسلامی رو به اتمام است. اما این تصور در دنیای حقیقی به‌گونه‌ای دیگر است. شاید بهتر آن باشد که برای تحلیل اثرگذاری این نشست از دو فاکتور استفاده کرد؛ اول میزان پوشش رسانه‌ای و دوم سخنانی که مطرح شد. در میان رسانه‌های معتبر جهان تنها دو رسانه

• چرا نمایندگان اقلیت‌ها در نشست نبودند؟

رضا پهلوی: این اتوبوس مجانی است، نیازی نیست بلیت بخرید. برای شرکت در این جا نیازی به دعوت نیست و در برای همه باز است و حتی قشر خاکستری ممکن است یک ماه یا یک سال دیگر بیاید. تنها شرط مشارکت قبول اصول مشترک است. چون بدون آن نمی‌توانیم کار کنیم.



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

<http://www.sunlife.ca/faribaalizadeh>

438-345-5066

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

معصومه علیمحمدی
مشاور رسمی
مهاجرت

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration

عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICCC CCIC
Canadian Immigration Consultants and Consulting Professionals
Collège International des Consultants en Immigration et en Citoyenneté

عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فیلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511# , Montreal, Qc. H3B 1H9

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca
(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210
shahrianrealtor@gmail.com



مهاجرت

- تسهیلِ استخدامِ خارجیان
برای کارفرمایان کبک
- این زوج ایرانی در کانادا چگونه موفق شدند؟
با فعالیت‌های داوطلبانه و شبکه‌سازی

مهاجرت، هنر

- زخم جایی است که نور از محل آن وارد می‌شود

مهاجرت

تسهیل استخدام خارجیان برای کارفرمایان کبک



دائمی باشد که در همان شغل و منطقه جغرافیایی کار می‌کنند.

- یک طرح انتقال برای همه درخواست‌های LMIA با دستمزد بالا از طرف کارفرما مورد نیاز است. با این حال، در کبک، تحت فرآیند تسهیل شده درخواست، یک طرح انتقال تنها برای درخواست دوم یا درخواست‌های بعدی برای LMIA در همان شغل و کارفرما، مورد نیاز است.

پروژه جدید آزمایشی کبک TFWP
پروژه جدید آزمایشی کبک TFWP به کارفرمایان استان اجازه می‌دهد تا بتوانند برای نخستین بار نسبت به استخدام کارگران خارجی در رده‌های پایین‌تر شغلی نیز اقدام کنند.
این برنامه آزمایشی از ۶ دسامبر ۲۰۲۱ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴، مشاغل مختلف رده‌های TEER ۴ و ۵ نیز همانند مابقی مشاغل مورد نیاز استان از شرایط تبلیغات و استخدام معاف نموده ادست.



تماس با نویسنده:
معصومه علی محمدی،
مشاور رسمی مهاجرت.
با او می‌توانید از طریق
ایمیل
info@icpimmigration.com
وبسایت
www.icpimmigration.com
در
تماس باشید.
این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی
آی.سی.پی ICP Immigration حمایت
شده است.

خارجی، بهترین تلاش را برای جذب شهروندان کانادایی و مقیم دائم به کار گیرند.

علاوه بر این کارفرمایان کبکی ملزم به ارائه موارد زیر هستند:

- کارگر خارجی باید کلیه الزامات تحصیلی و تجربه شغلی را بر اساس طبقه‌بندی مشاغل ملی (NOC) و توانایی و تخصص لازم برای انجام تعریف مسئولیت‌های تخصصی لازم را برآورد نماید. در واقع باید توانایی‌های لازم با پیشنهاد کار را اثبات کند.
- دستمزد ساعتی کارگر خارجی، می‌بایست مطابق با حقوق یک کارگر کانادایی و یا مقیمان

در واقع بر اساس این ارزیابی دولت باید به این نتیجه برسد که استخدام تبعه خارجی تأثیر مثبت یا خنثی بر بازار کار کانادا خواهد داشت. به طور کلی، باید روشن باشد که هیچ کانادایی برای این کار به نفع اتباع خارجی حذف نخواهد شد و تبعه خارجی نیز حقوق و مزایایی دریافت خواهند کرد که مطابق با استانداردهای هر دو دولت استانی باشد.

به واسطه نیاز مبرم کبک برای تامین نیروی کار در این استان بر اساس توافق دولت‌های فدرال و کبک، کارفرمایان این استان قادر به استفاده از امتیاز تسهیل صدور LMIA برای استخدام نیروی کار خارجی هستند.

برنامه تسهیل استخدام ارزیابی تأثیر بازار کار (LMIA) به کارفرمایان کبک کمک می‌کند تا به طور موثر کمبود نیروی کار در استان را برطرف کنند.

در حالت عادی هنگامی که یک کارفرمای کانادایی بخواهد یک تبعه خارجی را استخدام کند، معمولاً باید از طریق ارزیابی تأثیر بازار کار (LMIA) از دولت کانادا تأییدیه دریافت کند. هدف از الزام دریافت LMIA این است که اطمینان حاصل شود که استخدام یک تبعه خارجی تأثیر منفی بر استخدام شهروندان و یا مقیمان در کانادا نخواهد داشت.

در واقع بر اساس این ارزیابی دولت باید به این نتیجه برسد که استخدام تبعه خارجی تأثیر مثبت یا خنثی بر بازار کار کانادا خواهد داشت. به طور کلی، باید روشن باشد که هیچ کانادایی برای این کار به نفع اتباع خارجی حذف نخواهد شد و تبعه خارجی نیز حقوق و مزایایی دریافت خواهند کرد که مطابق با استانداردهای هر دو دولت فدرالی و استانی باشد.

در کبک، روند تسهیل استخدام کارفرمایان را از درخواست LMIA معاف نمی‌کند ولی روند درخواست را ساده می‌کند به‌عنوان مثال این کارفرمایان نیازی به ارائه شواهدی مبنی بر تلاش‌های استخدامی برای موقعیت شغلی که به دنبال پر کردن آن هستند نخواهند داشت. این در حالی است که باید قبل از استخدام یک کارگر



اعظم نیکزاد: شما اگر بتوانید ارزش‌ها، مفروضات، باورها و انتظارات خودتان را (در درجه اول) مدیریت کنید از عهده مدیریت دیگران هم بر می‌آیید



وحید آیان: فعالیت‌های داوطلبانه مهارت‌های رهبری من را تقویت کرد، دانش من را در مورد کشور جدیدم گسترش داد

این زوج ایرانی در کانادا چگونه موفق شدند؟ با فعالیت‌های داوطلبانه و شبکه‌سازی

کارم باز کنم. من همچنان در همین موقعیت‌ها خودم را قرار می‌دهم و طبق همین استراتژی (کار داوطلبانه و شبکه‌سازی) پیش می‌روم. توصیه‌ام هم به هر مهاجری این است که از این دو تکنیک کلیدی برای موفقیت در کانادا استفاده کند.

همسرم اعظم هم در این مسیر همیشه همراهی‌ام کرد. او قبل از آمدن به کانادا در محیط‌های مختلف -مکزیک، ایران و ایتالیا- کار و تحصیل کرده بود و اولین دکترای خود را در رشته باغبانی علمی گرفته بود. او دومین دکترای خود را در زمینه اصلاح نباتات در دانشگاه آلبرتا دنبال کرده و پس از گرفتن هفت بورسیه تحصیلی مبتنی بر شایستگی و (انتشار) چهار مقاله، سوابق و تجربه عملی در صنعت قارچ، او اکنون مدیر فنی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های قارچ ارگانیک در آمریکای شمالی است. شرکت در یک برنامه MBA و کار با تیم‌های داخلی و خارجی در سراسر جهان به او کمک کرد تا یک راهنما الهام بخش (در این زمینه) شود.

اعظم بر اهمیت «خود-رهبری» برای هر مهاجری که به دنبال نقش‌های رهبری است، تاکید می‌کند و می‌گوید: «خود رهبری در مورد مدیریت ارزش‌ها، مفروضات، باورها و انتظارات خودمان است و شما اگر بتوانید خودتان را (در درجه اول) مدیریت کنید از عهده مدیریت دیگران هم بر می‌آیید.»

منبع: وبسایت [canadianimmigrant](http://canadianimmigrant.com)

اینکه در اینجا ارتباطاتی نداشتم، می‌دانستم که باید با ملاقات با افراد جدید و سرشوق آور، این امکان را برای خودم ایجاد کنم. برای همین تصمیم گرفتم در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت کنم و به سازمان‌های مرتبط با حرفه‌ام بپیوندم.

اولین گروه حرفه‌ای هم که به آن‌ها متصل شدم، انجمن مهندسی عمران کانادا بخش ادمونتون (CSCE) بود. رئیس آن‌ها مرا به جلسه هیئت مدیره ماهانه خود دعوت کرد، هیئت اجرایی فضایی دوستانه و گرم داشت و آغوشش به روی اعضای جدید باز بود. من همچنین در کتابخانه عمومی ادمونتون (EPL)، برنامه‌های محلی ورزش سه‌گانه (شنا، دوچرخه سواری و دویدن) و رویدادهای ورزشی عضو شدم و داوطلبانه با یک گروه حامی توسعه و صلح بودم. فعالیت‌های داوطلبانه به من کمک کرد تا علاوه بر آشنایی با محیط کار کانادایی، با افراد مختلف ارتباط برقرار کنم و یک شبکه قوی ایجاد کنم. مشارکت من با این سازمان‌ها این فرصت را به من داد تا از آن‌ها یاد بگیرم، بخشی از تیم آن‌ها باشم و شبکه خود را گسترش دهم.

علاوه بر اینها فعالیت‌های داوطلبانه مهارت‌های رهبری من را تقویت کرد، دانش من را در مورد کشور جدیدم گسترش داد و من را با پشتیبانی مربی وصل کرد. زمان گذاشتن در هر یک از این فعالیت‌ها به من کمک کرد تا رزومه خودم را بسازم و راه را برای

موفقیت برای تازه‌واردها به یک کشور دیگر بسیاری از وقت‌ها دور از دسترس به نظر می‌رسد و یا وابسته به عنصر شانس که شامل همه نمی‌شود اما واقعیت اینگونه نیست و بسیاری توانسته‌اند با قرار گرفتن در یک مسیر درست، سختی‌های پذیرفته شدن در یک کشور جدید را آسان‌تر و رسیدن به نتیجه را ساده‌تر کنند. یکی از این افراد وحید آیان است که در سال ۲۰۱۳ همراه همسرش اعظم نیکزاد به تورنتو می‌آیند. وحید درباره تجربه وارد شدن خودش و همسرش به جامعه کانادایی برای سایت [canadianimmigrant](http://canadianimmigrant.com) نوشته است که می‌خوانید.

من و همسرم برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ به تورنتو آمدیم. من مدرک کارشناسی ارشدم را در رشته علوم به پایان رسانده بودم و چندین سال در ایران کار کرده بودم. علاوه بر این دکترای خودم را در رشته مهندسی حمل‌ونقل از انگلستان گرفته بودم. اولین اقامت ما در کانادا کوتاه بود؛ چون هنوز کارهای ناتمامی داشتیم که باید به آن‌ها رسیدگی می‌کردیم. در فوریه ۲۰۱۵ بود که به ادمونتون برگشتیم. خیابان‌های شهر پوشیده از برف بود و ما ادمونتون را انتخاب کرده بودیم چون بعضی از افراد خانواده‌مان -عمو/دایی همسر- آنجا زندگی می‌کردند. من از همان روزهای اول، به ارزش شبکه‌سازی و کار داوطلبانه در جوامع کانادایی پی بردم و با توجه به

ناهید کاظمی، تصویرساز ایرانی - کانادایی: زخم جایی است که نور از محل آن وارد می‌شود



آن زمان با این اجبار مبارزه‌ها کردم. به یاد دارم که در یکی از کارهایم شخصیت‌ها زن بودند و من آنها را به صورت کرم طراحی کردم. در واقع کاراکترها را کرم انتخاب کردم تا به بحث حجاب و مشکلات احتمالی فرم بدن خانم‌ها نپردازم، اما ناشر گفت که کرم‌ها هم باید حجاب و آستین داشته باشند! سانسور فقط محدود به حجاب نبود. خیلی مسائل ممنوعه دیگر هم بود که مطمئنم امروز هم وجود دارند.

بعد از مهاجرتم به کانادا بالاخره آن آزادی را که در پیمایش بودم یافتم. اما در شش ماه نخست نمی‌توانستم بدون خودسانسوری کار کنم. دریافت تمام تصاویری که در ایران از افراد کشیده‌ام حسی ندارند. محدودیت‌ها از بین رفته بودند، اما اثر طولانی‌مدت نامرئی آن خطوط قرمز، همچنان ذهن من را محدود می‌کردند. انگار خلایقتم را از دست داده بودم.

برای شناختن دنیای جدید اطرافم وقت گذاشتم. سعی کردم در جامعه ادغام شوم و شروع کردم به کشیدن مردم در پارک‌ها، سواحل و هر جا که می‌توانستم بدن‌ها را در آزادی ببینم. باورم نمی‌شد که اجازه داشته باشم مردم را با حیوانات خانگی‌شان بکشم، مخصوصاً سگ‌هایشان را که در جمهوری اسلامی ممنوع‌اند. من در برخی از گروه‌های طراحی، به ویژه دوره‌های طراحی عربیان، در دانشگاه‌های هنر شرکت کردم. این به راستی روند درمانی برایم بود که به من کمک کرد هویت هنری و سبک طراحی‌ام را پیدا کنم. شاید این زخم‌های گذشته است که کاری که اینک انجام می‌دهم را چنین برایم مهم کرده است. زخم جایی است که از آن نور به تو وارد می‌شود و این پاسخ شمس به پرسش مولانا در این باره است.»

منبع: وبسایت شبکه سی‌بی‌سی

شغل‌ها در ایران، به ویژه شغل‌های مرتبط با رسانه، تحت کنترل شدیدند تا به ایدئولوژی رژیم اسلامی پایبند باشند. سانسور سیستمی چندلایه و گسترده است که همه را از نویسندگان، مترجمان و ناشران گرفته تا تصویرگران، فیلمسازان و هنرمندان کنترل می‌کند. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که هر اثری بازتاب‌دهنده‌ی ایدئولوژی‌ای باشد که رژیم قصد ترویجش را دارد و هر تصویر و محتوایی جز این درجا سرکوب و در نطفه خفه می‌شود. این نظام آن قدر قوی است که هنرمندان چاره‌ای جز پذیرش و تن دادن به سانسور ندارند، وگرنه بسته به خط قرمزی که رد کرده‌اید باید پی عواقبش را هم به تن بمالید - مجازات‌هایی که از ممنوع‌الکاری گرفته تا تبعید و زندان را در بر می‌گیرد.

ماهیت کار تصویرگران به گونه‌ای است که سانسورگران به راحتی می‌توانند اجازه انتشار تصویر را ندهند و هنرمند را مجبور کنند تا بارها و بارها تصویرسازی کند تا شاید به یکی از آنها اجازه‌ی چاپ دهند. بنابراین، اغلب تصویرگران بیشتر زمانشان را درگیر مبارزه با سانسور و در عین حال اتلاف دائم وقت و انرژی‌شان می‌کنند. از آن جا که آنها به مرور زمان با محدودیت‌ها آشنا می‌شوند اندک‌اندک به سازشی با این مقوله می‌رسند و دست به خودسانسوری می‌زنند. خودسانسوری زخمی است که بر خود و هویت هنری‌تان وارد می‌کنید.

در حوزه‌ی کاری من، در میان تمام مسائل ممنوعه، بدن زن حساس‌ترین خط قرمز بود و هست. حجاب یکی از اصلی‌ترین مفاهیمی است که نظام اسلامی آن را ترویج می‌کند. سال‌هاست که حجاب بر زنان ایرانی و هر عکسی که قرار است معرف آن‌ها باشد، تحمیل شده، حتی بر دختران کوچک در تصویرسازی‌ها و نیز شخصیت‌های کارتونی زن. من

ناهید کاظمی هنرمندی چندوجهی، نویسنده - تصویرگر و ساکن مونترال است.

به گزارش هفته، او به درخواست سی‌بی‌سی که از برندگان جایزه ادبی Governor General's 2022 خواسته تا مطلبی با موضوع «درمان» بنویسد به «قفس نامرئی» پرداخته و داستان پرنده‌ای را تعریف کرده که سال‌ها در قفس اسیر بوده و برای زنده ماندن ناچار بوده که پذیرای زخم‌هایی شود. سپس روزی فرارسیده که در قفس باز شده و پرنده به آزادی رسیده، ولی با آن همه زخم، با همه‌ی آرزویی که دارد، توان پرواز کردن ندارد. چون او باید نخست زخم‌هایش را درمان کند و سپس برای اوج گرفتن پرواز کند.

این تجربه‌ی هر نویسنده، تصویرگر و فرد خلاق است که برای زنده ماندن باید زیر سایه استبداد با محدودیت‌های فراوان کار کند و دست به خودسانسوری بزند. محدودیت‌های شدید و خودسانسوری به خلاقیت، ذهن و حتی روح هنرمند آسیب می‌زند.

کاظمی نوشته است: «تصور کنید پرنده‌ای پرچنب‌جوش را که سرشار از شوق به پرواز است، ولی مدت زمان زیادی است که در قفس اسیر شده. برای زنده ماندن سال‌ها ناچار شده که با زخم‌های جسم و روحش کنار بیاید. این پرنده روزی را منتظر است که در قفس باز شود و آزادی را در آغوش گیرد. او هر روز رویای این لحظه را می‌بیند و تصور می‌کند که چگونه در آسمان اوج خواهد گرفت. اما وقتی آن دم فرامی‌رسد و در قفس باز می‌شود، او به سختی پر می‌کشد، چون زخم‌هایش باید التیام یابند.

این حکایت من و همه‌ی افراد خلاق است که برای زنده ماندن ناچار بودند که به فعالیتشان زیر سانسور گسترده ادامه دهند. کم‌وبیش همه‌ی



Dr. Sharif

کلینیک دندانپزشکی خورشید بrossard

Dr. Dhaliwal

با سال‌ها تجربه در امور زیبایی و ترمیم دندان



هر روز به روزی

“لبخند زیبای خود را با ما تجربه کنید”

- | | |
|------------------------------------|-------------------------|
| ونیر کامپوزیت و زیبایی | Facet, Dental veneer |
| ایمپلنت، ارتودنسی | Implant |
| درمان ریشه دندان، ترمیمی | Root canal treatment |
| اطفال، جراحی دندان عقل | Tooth Extraction |
| پروتز ثابت و متحرک، بیماری‌های لثه | Dental crown and Bridge |
| ... | Periodontal Disease |
| | Teeth whitening |
| | Invisalign |



(450) 926 2622

- 📍 7801-2 Taschereau Blvd, Brossard QC, J4Y1A3
- 📧 info@cliniquedentairesoleil-brossard.com
- 🌐 www.cliniquedentairesoleil-brossard.com



Address!

دکتر شریف



عبداله صفوی

مشاور رسمی امنیت مالی در کبک

بیمه عمر، از کار افتادگی، مسافرتی و بیماری های خاص



- چقدر برای بازنشستگی نیاز دارید؟
- چرا فقط ۳۹٪ از کانادایی ها به برنامه بازنشستگی خود اعتماد دارند؟
- برنامه ریزی برای دوران طلایی بازنشستگی را از امروز شروع کنید
- با بکارگیری جدیدترین نرم افزارهای تایید شده
- کاملاً رایگان (بدون هرگونه تعهد)



فقط با یک تماس نوبت خود را رزرو کنید!

Financial Security Advisor
Investment Representative

✉ Abdollah.safavi@canadalife.com
www.safavifinancial.com



Mobile: 514-467-8491

Office: 514-931-4242 ext. 2567

مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه

طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

📍 bimeh.ca
📧 bimeh.ca
📞 514-296-7306
✉ bimeh.ca@gmail.com

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



ادبیات؛ داستان

• روح ماه جولای

ادبیات؛ شعر

• «مشق ناتمام» سروده علی اسدالهی

• گوشت را بر استخوان‌ها بجوی پیش از آن که نباشد

ادبیات؛ نقد کتاب

• وطن را به نام معشوق می‌زنم

ادبیات؛ معرفی کتاب

• تاریخ مشروطه ایران

• فروغ فرخزاد زندگی‌نامه‌ی ادبی همراه با نامه‌های چاپ نشده

ادبیات
فرهنگ
هنر

نویسنده: ای. اس. بیات A. S. Byatt
مترجم: مریم حسینی

روح ماه جولای (قسمت دوم)



نقد داستان:

داستان «روح ماه جولای» در یک تابستان بسیار گرم در لندن اتفاق می‌افتد، با این وجود داستانی شاد و مناسب تعطیلات نیست، بلکه داستانی دردناک، درباره یک فقدان وحشتناک و فلج عاطفی ناشی از آن است که در برابر پس‌زمینه‌ای زیبا و بهشتی - باغی بزرگ - اتفاق می‌افتد: «جای دلنشینی بود: یک باغ بسیار عظیم مخفی و محصور به دیوار که در انتهایش درختان میوه کهنسال روئیده بود؛ با درختچه‌های وحشی نامرتب و موج‌گون، بسترهای قوس‌دار رزهای قدیمی و چمن انبوه و متراکم که در جنوب لندن واقع شده بود.» مردی که اتاق زیر شیروانی را اجاره می‌کند هیچ ارتباطی با زن صاحب خانه ندارد و سعی می‌کند مقاله‌ای درباره اشعار هاردی بنویسد. او که در سوگ از دست دادن معشوقه‌اش است، هر روز در باغ می‌نشیند و ذهنش تلاش می‌کند که آرامش و خلاقیت خود را باز یابد تا این که به زودی یک همراه پیدا می‌کند: پسری ده‌ساله با چشمان آبی درخشان و لبخندی جذاب و قابل اعتماد، از درخت سیب تاب می‌خورد یا در علف‌ها کنار او دراز می‌کشد. در ادامه داستان مشخص می‌شود که تنها فرزند خانم صاحب خانه دو سال قبل در یک بعدازظهر داغ ماه جولای توسط ماشینی زیر گرفته شده است. (پسر نویسنده، ای. اس. بیات هم به این همین ترتیب درگذشت و اندوه او در سراسر داستان حس می‌شود). نه مرد و نه زن، هیچ‌یک به ارواح اعتقاد ندارند و تصور می‌کنند که جریان‌ات احساسی یکدیگر را دریافت نموده باشند. آیا آن‌ها می‌توانند از این طریق به آرامش متقابل دست پیدا کنند؟

<https://bookanista.com/a-s-byatt-july...>

<https://apersonalanthology.com/2018/0...>

<https://www.theguardian.com/books/199...>

به نظر نمی‌رسید پسری که روی درخت نشسته بود به دنبال توپ آمده باشد. لابه لای چند شاخه‌ی نزدیک‌ترین درخت به دروازه نشسته بود، پاهایش را تکان می‌داد و با یک گره در انتهای طنابی متصل به شاخه‌ای که روی آن نشسته بود بازی می‌کرد. جین آبی و کفش‌های راحتی به پا داشت و تی‌شرتی به رنگ بسیار شاد با راه‌های رنگی پوشیده بود که با نظم مناسب چیده شده بودند و به چشم مردی که روی چمن نشسته بود، بسیار خوشایند آمدند. موهای بلند بلوندی داشت که روی چشمانش ریخته بود به طوری که صورتش مشخص نبود.

«هی، با تو هستم! مجبور نیستی آن بالا بنشین. آنجا امن نیست.»

پسرک به بالا نگاه کرد، تبسمی کرد و مثل میمون از روی دیوار جست زد و ناپدید شد. لبخندش دلنشین، صادقانه و دوستانه بود نه گستاخانه.

روز بعد، باز هم همانجا بود. به ساقه خمیده درختی

با موهای بلند لخت، با سرهای تراشیده، کلاه‌های آفتابی نقطه نقطه‌ای یا کلاه‌های کتان ارتشی با پوشش حصیری. آنقدر راحت پایین می‌پریدند که گویی به این کار عادت دارند، بعضی صندل به پاداشتنند، بعضی دیگر کفش‌های راحتی، چند تایی با پاهای برهنه، ساق پاهای آفتاب سوخته کثیف، دامن‌های کتان، شلوارهای جین، شورت‌های فوتیال. گاهی در حالی که روی دیوار نشسته بودند او را می‌دیدند و اشاره می‌کردند که توپ را به آن‌ها بدهد؛ یکی دو نفر اجازه گرفته بودند که بیایند تو. چند باری توپ را برای آن‌ها پرتاب کرده بود ولی باعث شده بود چند سیب و هلو کال کوچک کنده شود و به زمین بیفتد. درون دیوار در زیر شاخه‌های درختان زبان گنجشک تزئینی، دروازه‌ای بود که او یک بار سعی کرده بود آن را باز کند، خیلی وقت گذاشته بود که بتواند پیچ و مهره‌های زنگ زده را باز کند ولی فهمیده بود که قفل نو و محکم است و کلیدی در آن نیست.

در طول چند هفته کمی بیشتر با هم آشنا شدند، حداقل در حد قرض دادن چای یا استفاده مشترک از قوطی‌های آن. هوا گرم‌تر شده بود. او یک صندلی تاشو کهنه با روکش کتانی پاره و رنگ و رو رفته در انباری پیدا کرده بود، آن را تمیز کرده و روی چمن کوتاه شده گذاشته بود، روی آن می‌نشست و کمی می‌نوشت، کمی می‌خواند و گاهی بلند می‌شد و یک دسته چمن انباشته شده را با دست صاف می‌کرد. در مورد بچه‌ها اشتباه کرده بود که فکر کرده بود مزاحمش نمی‌شوند: دم به دم انواع بچه‌ها با شکل‌های متفاوت وارد می‌شدند و به دنبال اندازه‌های مختلف توپ می‌گشتند که یا در نزدیکی پای او می‌افتاد یا روی گلبوته‌ها کوبیده می‌شد یا در میان گیاهان ناپدید می‌گشت، توپ‌های فوتبال سیاه و سپید، توپ‌های ساحلی با دایره‌های مرکزی به رنگ‌های متنوع، توپ‌های تنیس زرد رنگ. بچه‌ها از روی دیوار می‌پریدند: با صورت‌های سیاه، با صورت‌های قهوه‌ای،

تکیه زده، دست به سینه ایستاده بود. همان پیراهن و شلوار جین را به تن داشت. مرد او را نگاه کرد و انتظار داشت مثل روز گذشته فرار کند، ولی او همانجا بی حرکت ایستاد، رو به پایین لبخندی زد و بعد رو به بالا به آسمان خیره شد. مرد کمی کتاب خواند، سر بلند کرد، دید که پسرک هنوز آنجاست و گفت: «چیزی گم کرده‌ای؟»

پسرک جوابی نداد. بعد از لحظه‌ای، کمی از درخت پایین آمد، از شاخه‌ای آویزان شد، با گذاشتن هر دست روی دست دیگر از روی شاخه تاب خورد و رد شد، خود را روی زمین پرت کرد، بازویش را به علامت سلام بلند کرد و از همان مسیر همیشگی بالا رفت و روی دیوار نشست.

دو روز بعد بر لبه چمن بیرون سایه به شکم خوابیده بود، این بار تیش‌رتی سفید به تن داشت که روی آن کشتی‌های آبی و امواج آب طرح شده بود، پاها و ساق‌های برهنه‌اش را در آفتاب دراز کرده بود. او داشت ساقه علفی را می‌جوید و نگاهش را طوری به زمین دوخته بود که گویی به دنبال حشرات می‌گشت. مرد به او سلام کرد و پسرک سرش را بلند کرد، با چشمان آبی تیره‌ای که زیر مژه‌هایی بلند قرار گرفته بود به چشمان مرد نگاه کرد، با همان گرمی کامل و گشاده رویی تبسم کرد و نگاهش را دوباره به زمین دوخت.

پسرک آنقدر بی‌آزار و با ملاحظه به نظر می‌رسید که مرد دوست نداشت حضور او را در باغ به صاحبخانه اطلاع دهد. ولی وقتی یک روز پسرک را دید که از آشپزخانه بیرون آمد و وقتی او را صدا کرد، جواب نداد و فقط به او لبخند ملایمی زد و به طرف دیوار دوید، فکر کرد لازم است با صاحبخانه در این مورد صحبت کند. بنابراین از خانم صاحبخانه پرسید آیا اشکالی ندارد که بچه‌ها وارد باغ شوند. صاحبخانه گفت نه، بچه‌ها حق دارند دنبال توپ خود بگردند و این هم اقتضای کودکی آن‌هاست. او سماجت کرد و گفت که بعضی از آن‌ها آنجا می‌نشینند و حتی یکی از آن‌ها را دیده که از خانه بیرون می‌آمده، پسرک بی‌آزار به نظر می‌رسیده، ولی نمی‌توان مطمئن بود. بنابراین او تصمیم گرفته این موضوع را اطلاع دهد.

خانم صاحبخانه گفت شاید یکی از دوستان پسرش بوده باشد. با مهربانی به او نگاه کرد و توضیح داد که تابستان دو سال قبل در ماه جولای پسرش همراه چند نفر از بچه‌ها از محله بیرون رفته و در جاده کشته شده بود. این‌ها را کمابیش بی‌درنگ و با لحن خشک توضیح داد، انگار که فکر می‌کند دادن اطلاعات کافی نیاز به سوال و جواب بیشتر را از بین می‌برد. مستاجر گفت که متأسف است، خیلی متأسف است، احساس کرد شایسته سرزنش است، کار احمقانه‌ای کرده

چون چیزی در مورد پسر او نمی‌دانسته و موجب شده او واقعه‌ای دردناک را به خاطر آورد و واقعا شرمند است.

خانم صاحبخانه پرسید: «پسرک چه شکلی بود؟ همان که در خانه بود... با دوستان او صحبت نمی‌کنم. برایم دردناک است. شاید تیمی بوده یا مارتین. شاید چیزی گم کرده بودند یا چیزی می‌خواستند...»

مستاجر پسرک را توصیف کرد: «بلوند است، می‌شود حدس زد که حدوداً ۱۰ ساله باشد، سن و سالش زیاد به بچه‌های معمولی نمی‌خورد، چشمان آبی عمیقی دارد، با اندامی ظریف، با یک تی‌شرت راه راه به رنگ رنگین کمان و جین آبی -البته بیشتر با این لباس‌ها دیده می‌شود نه همیشه- و بله! کفش‌های فوتبال به رنگ سیاه و سبز. و گاهی تی‌شرت دیگری می‌پوشد که طرح کشتی و خطوط موج دار دارد. و لبخندی بی‌نهایت دلنشین به لب دارد. لبخندی واقعا گرم. پسری زیباست.»

به سکوت خانم صاحبخانه عادت داشت. اما این بار سکوت او خیلی طول کشید. خانم صاحبخانه فقط به باغ خیره شده بود. پس از مدتی با همان لحن صریح خود گفت: «تنها چیزی که می‌خواهم، تنها چیزی که در این جهان می‌خواهم این است که آن پسر را ببینم.»

خانم صاحبخانه به باغ خیره شد و مستاجر هم همراه او به باغ خیره شد تا این که چمن سبک و آرام به رقص در آمد و لبه بوته زار پیچ و تاب خورد. برای لحظه‌ای کوتاه تنش ندیدن پسرک را با خانم صاحبخانه قسمت کرد. بعد خانم صاحبخانه آهی کشید و نشست، آراسته و منظم مانند همیشه، بعد کنار پای او از هوش رفت.

بعد از آن خانم صاحبخانه شروع به پر حرفی کرد، انگار با خودش حرف می‌زد. پس از آن که او غش کرد، مستاجر حرکتش نداد فقط صبورانه کنارش ماند تا وقتی حال او بهتر شد و نشست. بعد برایش کمی آب آورد و می‌خواست برود که او شروع به صحبت کرد.

«من منطقی‌تر از آن هستم که یک روح ببینم... من کسی نیستم که بتواند چیزی را که برای دیدن است، ببیند، من به زندگی پس از مرگ اعتقاد ندارم، نمی‌دانم چطور کسی می‌تواند این چیزها را باور کند، من همیشه از این فکر راضی بوده‌ام که همه چیز به آخر می‌رسد، به یک توقف. اما این خود من بودم؛ فکر نمی‌کردم او -او نه- فکر می‌کردم روح چیزی است که مردم دوست دارند ببینند، یا می‌توانند که ببینند... و هنگامی که او مرد، مهم‌ترین آرزویم -احمقانه است، مهم‌ترین آرزویم این بود که آنقدر دیوانه شوم که به جای این که بنشینم و هر روز انتظار بکشم تا از مدرسه برگردد و با سرو صدا جعبه نامه‌ها را بگردد،

بتوانم در توهم خود ببینم که او آمده است یا صدای او را بشنوم. چون نمی‌توانم کاری کنم که جسمم و ذهنم دست از انتظار بکشند، هر روز، هر روز، نمی‌توانم فراموش کنم. و اتاق خوابش، گاهی شب‌ها به اتاق خواب او می‌روم، فکر می‌کنم می‌توانم برای یک لحظه هم شده فراموش کنم که او آنجا نخوابیده است، فکر می‌کنم حاضرم همه چیز- واقعا همه چیز را بدهم تا بتوانم یک لحظه مثل قبل او را ببینم. در حالی که لباس خواب به تن دارد و موهایش... موهایش... موهای ژولیده‌اش و لبخندش... شما گفتید... لبخندش... آن لبخند.»

«وقتی این اتفاق افتاد نوئل را خبر کردند. نوئل آمد و مرا با فریاد صدا زد، مثل همان روز، به خاطر همین آن روز جیغ کشیدم- چون مثل آن موقع بود- بعد گفتند او مرده است و من به سردی با خود فکر کردم: مرده است! و این همینطور ادامه پیدا می‌کند و می‌رود و می‌رود تا آخر زمان، مثل فعل حال استمراری، این جور مواقع آدم به مضحک‌ترین چیزها فکر می‌کند، من هم به یاد دستور زبان افتادم، به یاد فعل بودن، وقتی که به مردن ختم می‌شود... بعد به باغ رفتم و نصفه و نیمه دیدم، با چشم ذهن خود، یک جور شبیح چهره او را دیدم، فقط چشم‌هایش و موهایش را، که به طرف من می‌آمد- مثل هر روز که منتظرش می‌ماندم تا به خانه برگردد، همانطور که شادمانانه به پسرش فکر می‌کنی- وقتی که پیش تو نیست- و من... من با خود فکر کردم: نه، او را نخواهم دید، چون او مرده است، و من خوابش را نخواهم دید چون او مرده، من منطقی خواهم بود و فعال و به زندگی ادامه خواهم داد چون ناچارم و نوئل هم بود...»

«اما می‌دانید، من اشتباه می‌کردم. آنقدر حساس شده بودم و آنقدر از این که نمی‌توانم چیزی بخواهم وحشت‌زده بودم که نمی‌توانستم با نوئل صحبت کنم. من، من نوئل را وادار کردم همه عکس‌ها را ببرم، از بین ببرم- من... خواب ندیدم، شما نمی‌توانید خواب ببینید... خواب نخواهید دید، من هرگز مزاری ندیدم، گلی ندیدم، هیچ نقطه‌ای وجود ندارد. آنقدر حساس شده بودم. فقط جسم من قادر نیست از انتظار دست بکشد و تنها چیزی که می‌خواهد -می‌خواهد آن پسر را ببیند. آن پسر - همان که شما دیده‌اید.»

مستاجر نگفت شاید او پسر دیگری را دیده باشد، مثلاً پسری که بعدها آن تی‌شرت و شلوار جین را به او داده‌اند. باوجودی که این فکر از سرش گذشت -که شاید چیزی که دیده است تاثیر آرزوی وحشتناک او برای دیدن یک پسر بوده است در حالی که پسری وجود نداشته- ولی این فکر را با او در میان نگذاشت. هیچ چیز در وجود آن پسر وحشتناک به نظر نمی‌رسید: هیچ هاله‌ای از درد در او دیده نمی‌شد: این

یک رابطه روحی مشترک به وجود آوردند به نحوی که او قادر نبود خود را از آن رها سازد. آن چه پس از این گفته می‌شود، همان چیزی نیست که او به دختر آمریکایی گفت، با این وجود شاید مشخص باشد که بخش حذف شده در کدام قسمت‌ها با آن چه او واقعا اعتقاد داشت که اتفاق افتاده منطبق است. حس می‌کرد که در ابتدا نمی‌توانست تجزیه و تحلیل کند که صحبت از پسرک مناسب نیست- نه برای این که شاید نتوان آن را باور کرد؛ به اینجا نرسید، بلکه می‌ترسید حادثه‌ای وحشتناک رخ دهد.

«کل طول صبح آن روز با پیراهن فوتبال روی چمن نشست.»

«با پیراهن چلسی؟»

«با پیراهن چلسی»

دوست آمریکاییش بی‌نهایت مشتاق بود که بداند: «چه می‌کرد؟ خوشحال به نظر می‌رسید؟ حرفی هم زد؟»

او گفت: «او حرف نمی‌زند. زیاد حرکت نکرد. خیلی آرام به نظر می‌رسید. مدتی طولانی آنجا ماند.»

دختر جواب داد: «وحشتناک است. چرند است. پسری وجود نداشته است.»

مرد گفت: «اما من او را دیدم.»

دختر پرسید: «چرا شما؟»

مرد گفت: «نمی‌دانم» مکث کرد: «او را دوست دارم.» «او دوست داشتنی‌ترین پسر دنیاست... بود.» ادامه دارد.

توضیح: جهت شنیدن این داستان با صدای مترجم، خانم مریم حسینی، به لینک مربوطه روی سایت هفته مراجعه کنید .

کند، اما این کار را نکرد: به نظر می‌رسید این حرکت عملی نباشد. اما پسر، مثل یک جور همدستی کردن خوشایند، به بالا نگاه کرد و لبخند زد، گویی اکنون یکدیگر را به خوبی می‌شناختند. مرد سعی کرد با او صحبت کند: «از این که باز ترا می‌بینم خوشحالم.» پسرک سرش را تکان داد و بدون این که چیزی بگوید نشان داد که منظورش را دریافته است. این آغاز مکالمه آن‌ها بود یا آن چه مرد فکر می‌کرد که یک مکالمه باشد. قصد نداشت برود و زن را بیاورد. دریافت که به طور غریبی از همنشینی با پسرک لذت می‌برد. از سکوت و سکون دلچسب او و او تمام طول صبح را آنجا نشسته بود، گاهی روی چمن می‌خوابید، گاهی متفکرانه به خانه خیره می‌شد- آرام و راحت بود. مرد کارهای بسیاری در این مدت انجام داد- سه صفحه مقاله معقول برای شعر هاردی: «لباس گرم آبی اصل» نوشت- و هر از گاهی به آن بالا نگاهی می‌انداخت تا مطمئن شود پسرک هنوز همان جاست و خوشحال است.

آن شب رفت تا موضوع را به خانم صاحبخانه گزارش دهد- به هر حال قول داده بود. آشکار بود که خانم صاحبخانه منتظر بوده است و امیدوار- آرامش غیر طبیعی او جای خود را به قدم‌های مضطرب داده بود و چشم‌هایش تیره و نگاهش عمیق‌تر بود. در این نقطه احساس کرد لازم است بعضی قسمت‌های داستان را حذف کند و آن را برای دوست آمریکاییش که با او همدردی می‌کرد، تعریف نکند، البته گویی نگویی قبلا این کار را شروع کرده بود. او فقط به کودکی اشاره کرده بود که شبیه فرزند از دست رفته خانم صاحبخانه بود، حال مثل هنرپیشه‌ای در یک فیلم، دیگر هیچ صحبتی از پسرک به میان نمی‌آورد. به این ترتیب، داستانی که زن آمریکایی شنید این گونه بود که چگونه او، این مرد، به تدریج با اندوه تنهایی زن درگیر می‌شد و چگونه دو گمشده آن‌ها بینشان

حافظه ماندگار او بوده است، پسری دوست داشتنی، مودب، خوددار با اهداف خودش. در واقع حتی خود خانم صاحبخانه هم تقریباً ناگهان احتمال داد که آن چه مستاجر دیده همان چیزی بوده است که او آرزوی دیدنش را داشته، مثل یک جور تداخل امواج رادیویی، مثل وقتی که اتفاقی پیغام‌های پلیس را از رادیو می‌شنوید یا وقتی که از روی کلیدی که مربوط به آی تی وی است، موج بی‌بی‌سی را دریافت می‌کنید. خانم صاحبخانه خیلی سریع فکر می‌کرد تا این که تقریباً ناگهان گفت که شاید احساس از دست دادن در مستاجر، حس از دست دادن آن، همان چیزی که خانم صاحبخانه را برآن داشته بود که فکر کند می‌تواند حضور مستاجر را در آن خانه تحمل کند، آن‌ها را به هم نزدیک کرده بود- و صاحبخانه جرات کرد این را بگوید- آنقدر نزدیک که امواج افکارشان بتواند با هم تلاقی کند، و شاید همین مستاجر را مستعد دیدن آن پسر کرده بود... مستاجر گفته بود: «منظورتان این است که یک نوع خلا احساسی در میان ماست که باید پر شود؟» خانم صاحبخانه گفته بود: «چیزی نظیر این» و اضافه کرده بود: «ولی من به روح اعتقاد ندارم.»

با خود فکر کرد: اما آن نمی‌تواند روح باشد چون جای دیگری است، با کسی دیگر، و همان کارهای کوچکی را که روزی با شاد دلی برای او انجام می‌داده، حال برای کس دیگری انجام می‌دهد، کمی غذاهای خوش طعم، کمی کارهای تحقیقاتی، ناگهان یک گل‌دان گل جدید، یک پیراهن نو خوش رنگ، متفاوت با سلیقه محافظه‌کارانه او اما برانده‌اش. از لحاظی او آن‌ها را نحو بدتری از دست داده بود چون آن‌ها خود داوطلبانه غایب شده بود، غیبتی که نمی‌شد عاشقش بود چرا که عشق برای آن‌ها به آخر رسیده بود.

خانم صاحبخانه شروع به صحبت کرده بود: «فکر نمی‌کنم بتوانید، حال فکر می‌کنم صحبت کردن تداخل پیام‌ها را مختل می‌کند، اگر این طور باشد- شما اینطور فکر نمی‌کنید؟ اما- اگر او دوباره بیاید...» و این جا بود که برای نخستین بار چشمانش پر از اشک شد: «گر- باید قول بدهید اگر آمد به من بگویید... باید قول بدهید.»

خیلی راحت به او قول داده بود، چرا که مطمئن بود حق با اوست و پسرک دیگر باز نمی‌گشت. اما روز بعد پسرک روی چمن‌ها بود، نزدیک‌تر از همیشه، روی چمن کنار صندلی تاشو نشسته بود، بازوانش را روی زانوهای گرم و قهوه‌ای خم شده‌اش تکیه داده بود، موهای روشن و ضخیمش در زیر نور خورشید می‌درخشید. این بار لباس فوتبال به تن داشت با علامت چلسی. مرد که روی صندلی تا شو نشسته بود، می‌توانست دست خود را دراز کند و او را لمس

درباره نویسنده

خانم ای. اس. بایات رمان‌نویس و شاعر انگلیسی در سال ۱۹۳۶ در شفیلد، انگلستان به دنیا آمد. او در دانشکده‌های یورک و نیوهام دانشگاه کمبریج به تحصیل پرداخت و از سال ۱۹۷۲ به‌عنوان استاد دانشگاه به تدریس ادبیات انگلیسی و آمریکایی مشغول شد. در سال ۲۰۰۸ روزنامه تایمز نام او را در فهرست ۵۰ نویسنده برتر انگلیسی از سال ۱۹۴۵ وارد کرد. از این نویسنده رمان‌های: بازی (۱۹۶۷)، دوشیزه در باغ (۱۹۷۸)، زندگی ساکن (۱۹۸۵)، مالکیت (۱۹۹۰)، برج بابل (۱۹۹۶)، قصه شرح‌حال‌نویس (۲۰۰۰)، زنی که سوت می‌زند (۲۰۰۲)، و قصه بچه‌ها (۲۰۰۹) به چاپ رسیده است. داستان «روح ماه جولای» از مجموعه داستان‌های کوتاه «شکر و دیگر داستان‌ها» انتخاب شده است که در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسیده است.

سعید کریمی، تورتو

علی اسدالهی



گوشت را بر استخوان‌ها بجوی پیش از آن که نباشد «دیلن تامس»

سعید کریمی، تورتو
برای فرهاد میثمی

ایستاده‌ای نحیف و رنجور و زرد
و
پروای مردنت نیست...
«کمی زندگی هنوز خرج نشده
شاید که خاموش کند،
شعله دروغ‌های کهن را بر زمین»
با لبخندی که گویی از هزاران سال پیش
نظاره می‌کنی با به گودی نشسته چشم‌ها
نوشته تاریخ آزادی را بر پوست تنت،
در حصار بیرون زده دنده‌ها
و
آتش میزنی با نبض سرخ خویش
زیر پوست سیاه شب
تا شعله کشد غرور در نگاه تو
بر شهرهای تاریک انباشته بر افق
فلق و شفق در دیدگان تو نهفته‌اند
و
تو از ما به آفتاب نزدیک‌تری...
قسم دادی شب را به روز،
مرگ را به هستی
اما!
بمان با ما!
تا فردا تا رنگین کمان
بمان با ما!
تا بهار...

زمستان ۲۰۲۳

«مشق ناتمام»

سروده علی اسدالهی

مشق ناتمام

نام یکی رمز شد و از پی‌اش
نام پی نام، به یاد آمده‌ست

کاوه‌ی خون‌خواه برآرد خروش
هم‌نفسش، پیر و جوان را نگر

سینه نهاده‌ست در آماج تیر
یارِ جلودارِ ستم‌ناپذیر
زلفِ کمندش بکشد روی خاک
پوزه‌ی ضحاک، یلِ مارگیر

مژده بینداز، فریدون رسید
فرّ درفش کاویان را نگر
قرعه‌ی ایران زده اختر به فال
پا به گریز است، غم بدسگال:

خسته‌تن و خرد و خراب و خمیر
کوفته‌یال و کمر و گوش‌مال
شادی پیروزی شادی بنوش
قهقهه‌ی رطل گران را نگر
یاد دلیران وطن زنده دار
ساغر از آن خاطره آکنده دار
پای بکوبان و به خون در سماع
دیده‌ی داغ‌دیده بارنده دار

نام سمر کرد به آزادگی
سرو روانِ جان‌فشان را نگر

توضیح: جهت شنیدن این شعر
با صدای خانم مریم حسینی، به
لینک مربوطه روی سایت هفته
مراجعه کنید.

لشکر خود نعره‌کشان می‌کشیم
رقص کنان، ترانه‌خوان می‌کشیم
تش به طلسم ساحران می‌زنیم
خاک سیه بر سرشان می‌کشیم

روز بزرگ مردمان را ببین
مهرک‌ی رزم‌زنان را نگر

خون جوانان وطن لاله شد
خاتمه‌ی محنت چل‌ساله شد
آه شرربار، قفس را شکست
دیو سیه سوخت و جزغاله شد

ببر دمان را، شده سردار جنگ
چیرگی شیرِ ژیان را نگر

کوی به کوی است، سری بر زمین
مشت بر آورده برادر به کین
گیس بلندش بُرد خواهرش
جامه‌دران، خون‌جگر، آتش‌جبین

دایه رسیده‌ست زمان نبرد
صف‌زدن پیل‌تان را نگر

چشم سراوان ز مریوان به خون
تربت قم، قالی کرمان به خون
نُوب عرب، سُتره‌ی لر، شال گیل
سَرُونِ لک، جامه‌ی ترکان به خون

مَفَرَشِ سرخ است، سراسر وطن
پهنه‌ی این لاله‌بستان را نگر

نوبت کین‌جویی و داد آمده‌ست
گاه مکافات و عناد آمده‌ست



نمایشگاه چهار هنرمند ایرانی در ریچموند هیل: ما همه با هم هستیم

چراغ‌های چای قرار دارد. ۷۰ فانوس در هوا شناورند و هر یک از آنها زندگی یکی از جانب‌اختگان زیر ۱۸ سال جنبش اخیر ایران را روایت می‌کند.

گفتنی است که نسل زد ایران، متولدین میان سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰، به رغم سرکوب‌های گسترده و مرگبار جمهوری اسلامی، در خط مقدم اعتراضات بوده‌اند.

تمجیدی می‌گوید که می‌خواهیم این واقعیت را نشان دهیم که آنها افرادی پرجنب‌وجوش بودند که هر یک رؤیایا و امیدهایی برای زندگی و آینده خود داشتند و می‌خواستند آنها را عملی کنند.

فهرستی از نام‌های کودکان و نوجوانان ایرانی در کنار این اثر هنری، جهت تجلیل از جان‌باختگان، قرار داده شده است.

تمجیدی با اشاره به اینکه آنها می‌خواهند «پیوستگی» موضوع حقوق شهروندی در سراسر جهان را نشان دهند، می‌گوید که اگر همسایه‌تان آزاد نباشد، شما نیز آزاد نیستند.

انت ایوسینا، کتابدار کتابخانه‌ی عمومی ریچموند هیل، هم در این باره می‌گوید زمانی که این هنرمندان برای برپایی نمایشگاه به او مراجعه کردند برایش روشن بود که چنین نمایشگاهی در جامعه طنین‌انداز خواهد شد.

او می‌گوید که کتابخانه فضای امنی است جهت ارتباط، تا آدم‌ها تجربیاتش را با هم در میان نهند. هر چیزی که در جهان رخ می‌دهد، اثرش به ما هم می‌رسد و بنابراین ما هم می‌خواهیم که بخشی از چنین اتفاقی باشیم.

منبع: وبسایت yorkregion

او می‌افزاید که این دانشجویان در واقع یک فضای نیمه‌خصوصی را به محل مقاومت بدل کردند.

این هنرمند با بازآفرینی پیام‌های روی آینه‌ها، می‌خواهد به دانشجویان هنر که جانشان را برای مبارزه با سرکوب به خطر انداختند ادای احترام کند و از بینندگان نیز بخواهد که به مبارزه برای آزادی بپیوندند.

کار دوم این نمایشگاه نیز یک اثر هنری دیجیتال است که زنی را در ژستی متفکرانه در سه زاویه گوناگون نشان می‌دهد و با اشعار و واقعیت‌های تاریخی درباره‌ی جنبش حقوق زنان، درهم آمیخته است.

صراحی‌طلب می‌گوید که این فقط بازتاب‌دهنده‌ی صدای زنان از ایران است. زنان ایرانی باید همان حق و حقوقی را داشته باشند که زنان در کانادا یا در دیگر جاها دارند.

صراحی‌طلب که نه سال پیش با همسرش از ایران به کانادا آمده است، می‌گوید که هنوز ترس همیشگی از زندگی تحت لوای رژیم اسلامی را به یاد دارم. با شکل‌گیری جنبش اعتراضی اخیر ایران در پی قتل مهسا امینی، صراحی‌طلب در حرکتی شرکت کرد که طی آن او و هشت زن دیگر گیسوهای خود را در برابر ساختمان مجلس استانی در تورنتو بردند.

او می‌گوید که من این امتیاز را در این جا داشتم که کسی به این خاطر به سرم شلیک نکند. من می‌خواستم که مردم کانادا همبستگی‌مان را با ملت ایران در اینجا ببینند.

در کنار قطعه‌ی دیجیتال، نمایشگر رنگارنگی از فانوس‌های دستی ساخته شده از کاغذ، چسب و

حدود ۱۰ هزار کیلومتر دورتر از ایران، چهار هنرمند ایرانی در ریچموند هیل، در حمایت از جنبش اخیر ایران، گرد هم آمده‌اند تا مبارزه‌ی ایرانیان در راستای ایفای حقوقشان را از راه هنر به نمایش بگذارند.

نمایشگاه منحصر به فرد این هنرمندان تا ۱۸ مارس با موضوع «سه‌گانه‌ی یک انقلاب: زن زندگی آزادی» در بخش مرکزی کتابخانه‌ی عمومی ریچموند هیل در زمستان امسال برپا خواهد بود.

این نمایشگاه را هنرمندان آیتک صراحی‌طلب، آزاده پیرعظیمیان، سارا تمجیدی و شهرزاد زادمجید، از بخش‌های مختلف تورنتوی بزرگ، برگزار کرده‌اند.

تمجیدی در این باره گفته است که برای همه‌ی ما بسیار مهم بود که کارمان در فضایی به نمایش گذاشته شود که در آن کسانی که از رویدادهای ایران متأثرند، بهترین استقبال را از آن داشته باشند. حدوداً چهار ماه آماده‌سازی نمایشگاه «زن زندگی آزادی» زمان برده است.

صراحی‌طلب هم که روی پایان‌نامه‌اش در دانشگاه یورک در زمینه‌ی هنر و حقوق بشر کار می‌کند، می‌گوید که «ما همه با هم هستیم» یکی از پیام‌های این مبارزه است.

نخستین اثر هنری این نمایشگاه، دیواری از آینه‌های چهارگوش، در اندازه‌های گوناگون، با نوشته‌هایی قرمز به فارسی، انگلیسی و فرانسوی است که روی آن نوشته شده: «این چهره کسی است که می‌توان طغیان کند!»

پیرعظیمیان، آموزگار هنر در تورنتو، می‌گوید که این کار از کارهای شابلون روی آینه در دستشویی الهام گرفته که دانشجویان ناشناس دانشگاه هنر تهران آن را خلق کرده‌اند.



وطن را به نام معشوق می‌زنم یادداشتی بر رمان «تادانو» از محمدرضا سالاری

و جامعه‌شناختی داستان را زیر سایه زیباشناسی خود قرار داده‌است. اشارات تاریخی گاه به وضوح و گاه غیرمستقیم (کیف سامسونت مهندس و کوله‌ی راوی) از پادر واقعیت داشتن داستان گواهی می‌دهند. گاه چنان واقعیت و خیال درهم آمیخته می‌شوند که خواننده چهارچوب منطق خود را نیز می‌بازد. اما نویسنده با یک تلنگر او را در صحنه‌ی بعد به واقعیت برگردانده و هشیار بر سر کتاب می‌نشانند. چراکه قرار نیست خواننده نیز چون راوی سودازده شود و نویسنده برای او حدی از اشمئزاز در نظر گرفته است نه سودازدگی. اشمئزازی که از عریانی واقعیت نصیب خواننده می‌شود. هرچند خواننده می‌داند موضوعات مورد اشاره واقعی است و شخصیت نیز یک شخصیت واقعی در عین حال قصه‌ی فراواقعی او را که بر ساخته‌ی ذهن وحشت‌زده‌ی اوست باور می‌کند.

شخصیت‌های رئال داستان هم خودشان از تباطد درست خود را با واقعیت بیرونی از دست داده و هم داستان را از سطح واقعیت فراتر برده و گاه در مرز خیال و واقعیت قدم زده پا به ذهنیات فراطبیعی نیز می‌گذارند. این سطح از آگاهی و حتی نوع آگاهی راوی از جهان واقع بر نوع دیالوگ‌های او با دیگران تأثیر می‌گذارد و قاعده را بر این می‌گذارد که حالا که تو خالی می‌بافی چرا من برای تو خالی نبافم. این هویت کنونی شخصیت‌هاست. هرچه بیشتر از خود بیگانه و از دیگری دور و واافتاده و خموده در خویش.

راوی ناقص با دو عضو مصنوعی و سودازده از الزامات فرمی داستان هستند که هر یک می‌توانند بار مضمون و وجه فراواقعی داستان را بر دوش بکشند. از دیگر الزامات فرمی داستان که با محتوا نیز یکسان است ازدحام افراد، ماجراها و حوادثی است که بر خواننده سوار شده است. پراکندگی روایت با خرده‌روایت‌های حوادث تاریخی و تعدد شخصیت و ماجرا عامل ضربه‌زننده به انسجام روایت‌اند اما خواننده‌ی حرفه‌ای در پایان کار و در کلیت داستان به انسجام معنایی‌ای

این راه ناامید شده در پی هویتی دیگر در جایی دیگر است. دیگر به هیچ موقعیت بیرونی برای این آزمون اطمینان ندارد مگر عالم درون خویش. این امر در ذهن تا جایی پیش می‌رود که فرد دیگر نسبت به شرایط بیرونی بی‌تفاوت می‌شود، همان شرایطی که روزی قصد تغییرشان را داشت. حواس خود را جای دیگری معطوف ساخته و از شرایط ناهنجار دور و برش قصه‌پردازی و خیال‌بافی می‌کند. دیگران را نیز در این شگفتی شریک و همیامی کند تا با رنج این بی‌تفاوتی کنار آمده تا جایی که خود نیز در خلسه‌ی خیالاتش غرق و مسحور لذت شود. به نوعی این امور خیالی را امر واقع بیندارد و اگر هم هنوز به خیالی بودنشان باور داشته باشد شیفته‌ی مسحور ساختن دیگران می‌شود. در داستان تادانو هریک از شخصیت‌ها می‌کوشند ماجرای شگفت بیافرینند و با آب و تاب آن را به یکی مثل خود (دیگری) عرضه بدارند. هر چند گاه با وجود نشانه‌هایی از واقعیت (وجود عینی گل گوشت‌خوار در اتاق نگهبانی) نویسنده سعی کرده اتصال شخصیت و ماجراهای شگفت برخاسته از ذهن متوهم راوی و نگهبان را به واقعیات ملموس حفظ کند. استعارات بسیار داستان رمزهایی هستند که این امور خیالی را به واقعیات روز جامعه پیوند می‌دهند.

آنچه که توانسته داستانی رئال با شخصیت‌های واقعی و سودازده را به مرزهای سوررئال و فراواقعی نزدیک گرداند استفاده از عناصر خیالی و عناصر شگفت و همراهی و درهم‌آمیزی آن‌ها با واقعیت (نه در مفهوم رئالیسم جادویی) است. علاوه بر این موارد دیگری چون شکستن زمان، لحن عاشق‌پیشه‌ی شاعرانه، عناصر استعاری و نمادین در زبان، توصیفات زیبا و گاه نو، کارکردهای مختلف از اساطیری چون ضحاک و مارهایش و درختان اساطیری و اسطوره‌ی پسرکشی و نهایتاً اشارات برون‌متنی و موتیف‌های متعدد همگی از ویژگی‌های تادانو هستند. استفاده از این عناصر در سرتاسر اثر تا حدی است که وجوه راون‌شناختی

داستان تادانو دنیای عینی و ذهنی مرد جوانی با یک دست و پای مصنوعی است. او که تا پایان داستان اسم مشخصی ندارد در جستجوی اولین عشق خود در دانشگاهی قبول شده و از شهر خود راهی تهران می‌شود. پدر که همیشه همراه و یار او بوده به او اطمینان می‌دهد می‌تواند معشوقش را پیدا کند. راوی عاشق حال خبرنگار روزنامه‌ای می‌شود تا بدین طریق بتواند مجوز ورود به حوادث و پرونده‌های آن‌ها را داشته باشد. این جوان چشم‌انتظار روزهای خود را به مطالعه‌ی پرونده‌های قتل و کشتار و اعدام زنان سپری می‌کند تا جایی که وحشت این حجم کشتار زنان او را از جهان واقعی دور و دورتر می‌گرداند. جهان عینی راوی چنان وسیع می‌شود که پهنه‌ی گسترده‌ای از انسان‌های این مرز و بوم را دربرمی‌گیرد. جهان واقعی او نه فقط جهان بیرونی که جهان درونی و ذهنی‌ای است که از معشوق بی‌نام خود اسطوره‌ای مدرن ساخته و وطن را به نام او می‌زند. او داستان خود را با جمله‌ای از «ایران شریفی» اولین زن اعدامی کشور شروع می‌کند. اولین زن اعدامی ایران که نامش از قضا ایران است برای راوی دغدغه‌ای سنگین می‌شود و او را در پی پرونده‌های دیگر زنان محکوم ایران به نگاهی خاص به زن و جامعه می‌رساند.

تادانو دیگر یک برند کارخانه‌ی جرثقیل‌سازی نیست. موجودی است تغییر هویت داده. او شخصیتی است که بار حوادث داستان را بر دوش می‌کشد. زیر این بار پوسیده می‌شود زنگ می‌زند اما چون شاهدی زنده همچنان تا پایان خواهد ماند.

تادانو عرصه‌ی انسان‌های منفک از جامعه و خزیده به درون است که آرزوهای برباد رفته و غرور رودست‌خورده‌ی خود را با نیروی تخیل ذهن التیام داده تا بر فشار و رنج آن چیره شوند. وقتی انسان دیگر به توانایی خود برای تغییر بیرونی باور نداشته باشد در عالم درون به دنبال راهکاری برای سرکوب احساس درد این ناتوانی و شکست می‌گردد. او که از خود در

بوده که نویسنده نیاز نداشته آدم‌هایش را پرداخت کند. تنها هدف او انباشت اخبار کشتار در یک مملکت بوده‌است. نویسنده قصد داشته بمباران حوادث را نه تنها بر شخصیت که بر ذهن خواننده هم بار کند. تعداد زیاد این حوادث که بیشتر هم واقعی هستند و با ذهن پریشان راوی و جوه دیگری نیز از آن‌ها نشان داده شده از الزامات فرم داستان است و وجه امتیاز فرمی داستان.

به‌راحتی لب به سخن گشودن و حرف زدن برخی شخصیت‌ها با آدم‌های غریبه در نگاه اول به باورپذیر نبودن آن مواجهه‌ها و نقص شخصیت‌پردازی منجر می‌شود ولی در کل کار نشان از شخصیت‌هایی است که همگی به برقراری ارتباط نیاز دارند. شرایط ارتباط سالم و اعتماد از جامعه گرفته شده‌است. این انسان‌هایی که دچار تنهایی خودخواسته نیستند سعی می‌کنند طرف مقابل را با کلمات خود شگفت‌زده و جذب کنند هرچند خود می‌دانند کسی این هویت پوشالی‌شان را باور نخواهد کرد. شلوغی و عدم انسجام ظاهری ناشی از این دیالوگ‌ها در کلیت داستان منسجم بوده و سازنده‌ی تعریفی متفاوت از انسان است در جامعه‌ای که نویسنده بر ساخته‌است.

وجوه اروتیک داستان با نمادپردازی به مام وطن و استعاره از ایران وجهی زیبایی‌شناسانه یافته و سعی شده در عین پرداختن به نیازهای اصیل تنانه وجه عاطفی آن‌ها نادیده گرفته نشود. نویسنده با رعایت تمام این وجوه گاه چنان رنگ و بوی تعفن به آن می‌دهد که اشمئزاز خواننده را برمی‌انگیزد. این چیزی نیست جز ایده‌ی اصلی نویسنده که قرار است آن را نشان بدهد. داستان تادانو با ایده‌ی قطعی نمایش فروپاشی جامعه نوشته شده و تصویری پاناروما از جامعه‌ی وحشت‌زده‌است. نویسنده هنوز امیدوار است و جامعه را شاید تا این اندازه فروپاشیده و ناتوان ببیند ولی پایان راه را نشان داده‌است. راهی که حکومت‌های توتالیتر و رادیکال مردم و اجتماعشان را به سوی آن خواهند برد. جایی که «تادانوها» هویت خود را باخته‌اند جای شگفتی نیست انسان از هویت خویش تنزل یابد و تنها به حیات فلاکت‌بار خود ادامه دهد. نویسنده در پایان نیز دست از سر مخاطب بر نمی‌دارد و تمام این آگاهی خویش را به مادرش منتسب می‌کند. مادری که شماره‌ی مهندس را به او داده تا خود و ما به عینه ببینیم چاه از کجا آب می‌خورد. نویسنده گره آگاهی و نجات را نیز در دست زنان دانسته‌است.

تادانو را چه داستانی نمادین و استعاری بدانیم یا سوررئال، این داستان فرم‌گرا نمونه‌ی دیگری از «گل‌های شر» بودلری است که بار دیگر از ادبیات برخاسته تا سمبولیسم دیگری از زیبایی را به رخ بکشد

سودازده‌ی خویش را آگاهانه و ناآگاهانه ولی خرسند به دوش می‌کشند.

اینجا سرزمین خیالی‌بافی است. هیچ چیز شفاف نمی‌تواند و نباید بیان شود. این است که فکرها سودا می‌زنند و می‌بافند و گاه در جواب سوداهای بافته‌ی یکدیگر یک سودای شگفت دیگر به هم تحویل می‌دهند. اینگونه است که دیالوگ بین انسان‌های جامعه که باید به ارتقای سطح آگاهی و شناخت و اعتلای اجتماع بیانجامد، نیز دیالوگ‌هایی مآخولیایی و غیرواقعی می‌گردند و هرچند استعاره‌ای از شرایط باشند ولی هیچگاه شخصیت‌ها نخواهند توانست پوسته‌ی انفعال خود را بشکنند. جنبش‌ها همه در نطفه عقیم شده‌اند، تادانوها دیگر کسی را نخواهند داشت تا بالا ببرند بلکه باید قلاب بر ماه ببندازند. اینجا سرزمین خفتگان است. کافی است بالادستی‌ها بیدار و در سلامت باشند که هستند.

ترس و عدم اعتماد، توهم و سودازدگی، هریک هرچه بیشتر آدم‌های داستان را از هویت خویش بیگانه و از دیگری جدا و تنها می‌کند. اینگونه است که هیچ تشکلی شکل نخواهد گرفت. انسان‌ها در تنهایی خویش به درد خویش قصه می‌بافند و قصه به یکدیگر تحویل می‌دهند همانطور که پدر و پدربزرگ راوی و خود او هم از زنان سرزمین‌شان قصه بافتند. زن و زن‌بودگی که همواره خط فرمز مردان این سرزمین القا شده‌است اسباب نظارت و قضاوت می‌گردد. زن نه تنها خود مورد قضاوت قرار گرفته که موضع مردان نیز در قبال او موضع دآوری دیگران گردیده‌است. آنچه لازمه‌ی حیات و اسباب مهر و عشق است از اسباب شر معرفی گردیده و امیال شفاف و انسانی به درون خزیده و لجن‌مال شده‌است. این است که نویسنده سرنوشت ایران وطنش را جدا از سرنوشت محتوم زنانش نمی‌داند. اگر قرار باشد ایران بار دیگر بر گرده‌ی دماوند برخیزد باید زنانش اعتبار انسانی خود را بازیابند و به مردان خویش بازتابانند. این است راهی که نویسنده در داستان نشان مان داده‌است.

استفاده‌ی بسیار از وجوه شعری و استعارات و اشارت بینامتنی و برون‌متنی، گاه اشارت مستقیم و برخی جملات شعارزده هرچند می‌توانند نشانی از جامعه‌ی داستان باشند گاه از حوصله‌ی خواننده بیرون است. همچنان که خواننده با ماجراها و شخصیت‌هایی که گاه در حد تیپ باقی می‌مانند و افکار مآخولیایی آنان پیش می‌رود گاه به زیادی و قابل حذف بودن برخی از این ماجراها و شخصیت‌ها فکر می‌کند. کافی است کمی حوصله به خرج دهد. چنانچه داستان را تمام کند با حجم سنگینی از فشار مواجه خواهد شد که تازه درمی‌یابد ناشی از ازدحام اخبار گوناگون حوادثی

دست خواهد یافت که فرم بخشی از آن معنا بوده است. انتخاب فرم زبانی پریشان با لحن و افکاری شعرگونه و گاه مآخولیایی هم برای راوی هم برخی شخصیت‌ها مثل نگهبان روزنامه و نگهبان خوابگاه و خانم سردبیر و آنا نیز بخشی دیگر از این هماهنگی فرم و محتواست.

راوی ناقص‌العضو برخاسته از جامعه‌ای است که حق یک بدن سالم نیز از او دریغ شده‌است و چه بسا به‌زودی با وجود چنین گل‌های فریبنده‌ی گوشت‌خوار دیگر مغز متفکری هم در جهان این داستان نماند. همه‌ی متفکران خوراک این گل‌های زیبا که استعاره‌ای مدرن از مارهای ضحاک‌اند خواهند شد. نویسنده نیز بارها به اشکال مختلف به این مارها در داستان گریز زده‌است. تنها چیزی که می‌ماند نیروی کار و مردم عادی است که آنان نیز باید فلج و زمین گیر (خانه‌نشین) شوند. باوراندن امر چاقی نوعی رفتار معکوس تجلی‌یافته است از دختران و پسران امروزی جامعه که در پی بساخت ظاهری زیبا (دختران جذاب و پسران قوی‌هیكل) دست به هر کاری می‌زنند. نویسنده این جامعه‌ی سراسر کنترل‌شده که قفل و کلید فقط در دست عمال آن است و افکار جوانانش چنین شستشو شده را نیز از برنامه‌های حکومت می‌داند. حکومتی که بر دولت و تمام روابط مردم با یکدیگر سایه افکنده‌است. همه در پی کشف اسرار یکدیگرند یکی برای روزنامه و دیگری برای بقای حکومت. هرچه هست رازهای عینی از زندگی دیگران به‌خصوص شاعران و نویسندگان و هنرمندان است که تبدیل به بازار گرم معاملات اقتصادی مردم هم شده‌است (مسموم شدن اقتصاد) و هریک به اسم جنبشی بروز می‌کنند. غافل از اینکه این جنبش‌ها اگر از ابتدا از اذهان ناب انسانی سرشته باشند ولی دیری نمی‌پاید که عاملانی از بالا (مهندس) حرکت آن‌ها را نامرئی و بی‌صدا هدایت می‌کنند. مهندس فردی فراتر از زمان و مکان و با آگاهی‌ای در حد خدا که از همه چیز اطلاع دارد و اجازه دارد سرش را در هر سوراخی بکند. اینان خود بازار فروش اجناس و اعضای بزرگان را راه می‌اندازند و از این بازار نه تنها پول به جیب می‌زنند که سود هم می‌برند. سود در هدایت اذهان و حرکات و جنبش‌ها در بقای بالادستی‌هایی است که آن‌ها در جوارشان توانسته‌اند اختیارات داشته باشند.

استفاده از راوی متوهم که زمان را گم کرده و آدم‌هایی که هرکدام از دیگری متوهم‌تر و منفک‌تر به آغوش خیالی‌بافی خود فرو رفته‌اند و از زمان چیزی جز زمین (ایران) نمی‌دانند از الزامات بساخت چنین جامعه‌ای است. نه تنها راوی که دیگر شخصیت‌ها هریک عضو مصنوعی، تتوی فرورفته در پوست و خون یا افکار

فروغ فرخزاد

زندگی نامه‌ی ادبی همراه با
نامه‌های چاپ نشده

نام کتاب: فروغ فرخزاد

زندگی نامه‌ی ادبی همراه با نامه‌های چاپ نشده

نویسنده: فرزانه میلانی

سال چاپ: سپتامبر ۲۰۱۶

ناشر: پرشین سیر کل

تعداد صفحات: ۵۵۰

درباره نویسنده

فرزانه میلانی مدرس، منتقد ادبی، و مترجم ساکن آمریکاست. او استاد ادبیات فارسی و مطالعات زنان در دانشگاه ویرجینیا و رئیس دانشکده مطالعات خاورمیانه و آسیای جنوبی و مدیر پیشین بخش مطالعات زنان در این دانشگاه است. چهار دهه است که او به پژوهش و نگارش کتاب و مقاله و ترجمه درباره نویسندگان زن ایرانی مشغول است. رساله دکترای او درباره «فروغ فرخزاد: نگرش فمینیستی» در سال ۱۳۵۸ به پایان رسید.

درباره کتاب

به روایت نویسنده کتاب: کتابی که در دست دارید تفسیر من از یک زندگی پر بار ولی پیچیده، خوانش من از آثاری بدیع ولی درهم‌تنیده، و درک من از گفت و شنودهای متعددی است که انجام داده‌ام. این روایت من از زندگی و اشعار این شاعر توانا باغ همیشه‌بهار من است، و با همه احترام و ارادتی که برای شخص او دارم، کوشیده‌ام از قضاوت بپرهیزم. کتاب دارای ۶ فصل، نامه‌ها و عکس‌های فروغ فرخزاد است.

گزیده کتاب

«بر خلاف بسیاری که معتقد بودند و هستند که شاپور درک درستی از هنر زنش نداشت و عاملی بازدارنده بود، نامه‌های فرخزاد به او، چه قبل از طلاق چه پس از آن، ملامت از قدرشناسی از حمایت و پشتیبانی اوست. درست است که در بعضی از نامه‌ها از او گله‌مند است و انتقادات اساسی دارد، ولی در کل از حمایت و پشتیبانی او سپاسگزار است. در نامه‌های از شاپور ممنون است که می‌خواهد قالی زیر پایش را بفروشد تا کمکی به هزینه سفر همسر طلاق‌گرفته‌اش به ایتالیا شود. گاهی می‌نویسد: نمی‌دانم بعضی چیزها را چطور برای تو بنویسم. من همه چیز را مدیون تو هستم و تو را تنها تکیه‌گاهم می‌دانم. تابه‌حال برای تو جز مزاحمت هیچ سود دیگری نداشته‌ام.»

برای تهیه کتاب به کتابفروشی آنلاین پرستوک و سرای بامداد در تورنتو مراجعه کنید.

@ parastook. Book

@bamdad_book_stor

تماس با نویسنده بخش معرفی کتاب

برای پیشنهادها و یا پرسش‌های مرتبط به اینستاگرام خانم فرزانه صفایی مراجعه کنید.

@tsafaeeafa



تاریخ مشروطه ایران



نام کتاب: تاریخ مشروطه ایران

نویسنده: احمد کسروی

چاپ: ۱۳۸۸

ناشر: انتشارات هرمس

تعداد صفحات: ۱۱۰۷

درباره نویسنده

سید احمد حکم آبادی (۸ مهر ۱۲۶۹ / ۲۰ اسفند ۱۳۲۴) که بعدها نام خانوادگی کسروی را برگزید، تاریخ‌نگار، زبان‌شناس، پژوهشگر، حقوق‌دان و اندیشمند ایرانی بود. کسروی استاد ملی‌گرای رشته‌ی حقوق در دانشگاه تهران و وکیل دعاوی در تهران بود. احمد کسروی در حوزه‌های مختلفی چون تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات، علوم دینی، روزنامه‌نگاری، وکالت، قضاوت و سیاست فعالیت داشت. وی بنیان‌گذار جنبشی سیاسی اجتماعی با هدف ساختن یک «هویت ایرانی سکولار» در جامعه‌ی ایران، موسوم به جنبش «پاک دینی» بود که در دوره‌ای از حکومت پهلوی شکل گرفت.

درباره کتاب

این اثر تاریخی برجسته‌ترین سند نوشته درباره رویداد نهضت مشروطیت و اسناد و مدارک آن است. این کتاب از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی بعدها وقتی انتشار دیگر نوشته‌های کسروی ممنوع و اندیشه‌اش باطل شمرده شد، همچنان جایگاه خود را به‌عنوان سندی دقیق در بین پژوهش‌های تاریخی حفظ کرد. «ایوان سیگل» آن را به انگلیسی برگرداند و در تمام دنیا منتشر ساخت. روایت این کتاب به ماجراهای میان سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ هجری شمسی، یعنی حدود شکست استبداد صغیر و فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان تبریزی می‌پردازد.

گزیده کتاب

«آن مرد روان گردید. من نیز که نخستین بار نام مشروطه را می‌شنیدم و همچون آن مرد آرزومند دانستن معنی آن بودم، پی او را گرفتم. نخست در پیرامون مسجد صمصام خان مردم را انبوه دیدم. مسجد پر گردیده و کسانی در کوچه‌ها نیز ایستاده بودند. کسی پهلوی منبر سرپا ایستاده سخن می‌گفت. آوازش را می‌شنیدم؛ ولی گفته‌هایش را نمی‌فهمیدم. دیدم کسانی نا ایستاده در می‌گذرند. من نیز در گذشتم. در چند گامی از آنجا خانه‌ای را باز و مردم را در آن انبوه دیدم و به درون رفتم. دیدم باغچه‌ای است سبز و زیبا، و مردم سرپا ایستاده‌اند، و آخوند جوان زرد مویی با دستار سفید کوچکی دو دست به زده‌های پله‌ها تکیه داده و می‌خواهد سخن گوید.»

برای تهیه کتاب به کتابفروشی آنلاین پرستوک و سرای بامداد در تورنتو مراجعه کنید.

@parastook. Book

@bamdad_book_stor

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه‌گذاری

مشاوره رایگان
امروز تماس بگیرید!

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی
بیماری‌های خاص و...
پس‌انداز تحصیلی
برنامه‌ریزی بازنشستگی و...
بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI
Financial Security Advisor
Office:
(514) 931-4242 ext. 2567
abdollah.safavi@canadalife.com
www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



VANTAGE
همراه با شما در خرید آکاسانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

آتوسا تنگستانی فر
مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041
atosa.tfar@gmail.com

8290 Boul. Décarie # 150
Montreal, QC H4P 2P5



بهروز باباخانی
Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca
514-606-5626



سرور صدر
خدمات حسابداری و دفترداری

Accounting & Bookkeeping Services
With appointment

- ✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها
- ✓ امور دفترداری و حسابداری
- ✓ تاسیس و ثبت شرکت‌ها

(514) 777-3604 loyale.accounting@gmail.com
5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



ROYAL LEPAGE

FRAID ZADA
فرید زادا

مشاور رسمی املاک در مونترال
به همراه تیم افغان
مذاکره کننده ماهر
با بیش از ۱۲ سال سابقه فعالیت

خرید، فروش، اجاره و تامین مالی مجدد
کارشناس سرمایه گذاری برای املاک
پروانه مسکونی و تجاری
ارزیابی رایگان



514-730-5427

ROYAL LEPAGE
PROX
DIAMANT
2020-2021-2022

FRAIDZADA@GMAIL.COM

6005 GRANDE-ALLEE, BROSSARD, QC. J4Z 3G4

Agence immobilière
GROUPE IMMOBILIERE
LONDONO
REALTY GROUP INC

شهرام والقان
کارشناس املاک مسکونی

خانه شما، خانه ما

خرید، فروش، اجاره، پیش فروش و بیش خرید هوشمندانه
کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
ارزیابی رایگان ملک شما



Shahram.alamshahi
Shahram_realtor
shahram@londonogroup.com

(438) 402-9363

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

نازک سلیمانپور
مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری در استان کبک

• مشاوره رایگان برای خریداران و سرمایه گذاران
• مشاوره رایگان برای خریداران
• همکاری با تیم حرفه ای جهت اخذ وام مسکن

(438) 872-7373



Nazak Soleimanpour
Courtier Immobilier Résidentiel et Commercial
Residential and Commercial Real Estate Broker

soleimanpournazak@royallepage.ca
6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

☎ 514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

📞 +989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا



www.ravadid.ca

info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و

تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Tel & fax:

1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی

+1(514) 638-8258

ALIREZA MANSOURI

RCIC, R533715

Proxim

بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

داروخانه پروکسیم شادی کبک

در خیابان سن لوران



PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

☎ Tel: (514) 288-4864

☎ Fax: (514) 288-4682

📍 4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

✉ kabakc@groupeproxim.org

حجاب از نگاه دو زن ایرانی - کانادایی

به بهانه ۴۴مین سالگرد

قدرت‌گیری اسلام‌گرایان در ایران



درست سال‌ها پیش در چنین روزهایی بود که در ایران، «انقلابی» از نوع «اسلامی» رخ داد و تنها یک ماه بعد از آن بود که بحث اجباری بودن حجاب برای زنان مطرح شد؛ آن هم درست در زمانی که گروه‌های مختلفی از سیاسیون در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری اولین مراسم روز جهانی زن - هشتم مارس - در ایران بودند.

روزنامه کیهان در صفحه اول خود تیتری از حرف‌های روح‌الله خمینی را می‌زند با این مضمون که «در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند. زن‌ها بروند اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار کنند لیکن با حجاب شرعی باشند.» و زمزمه اینکه «هشت مارس» یک سنت غربی است و برای جامعه‌ای که انقلاب کرده تا اسلامی باشد، مورد پسند نیست از تلویزیون هم شنیده می‌شود. البته با این پیوست که «روز زن اسلامی» قرار است در تقویم گنجانده شود.

مراسم روز جهانی زن با این موضع‌گیری‌ها تبدیل به یک «تظاهرات ضدحجاب اجباری» می‌شود. افراد از طبقات مختلف اجتماعی در آن شرکت می‌کنند؛ کارمندانی که حجاب نداشتند و در معرض از دست دادن شغل‌شان بودند، فعالین اجتماعی و سیاسی و دانشجویان و دانش‌آموزان. آن‌ها از دانشکده فنی دانشگاه تهران به طرف دفتر نخست‌وزیری مهدی بازرگان می‌روند.

مخالفان حجاب اجباری شعار می‌دهند: «در طلوع آزادی / جای حق زن خالی»، «ما با استبداد مخالفیم / چادر اجباری نمی‌خواهیم» و در مقابل آن‌ها هم این شعار از سوی دیگر شنیده می‌شود: «مرگ بر ارضیه رضا کچل» و...

از آن روزها ۴۳ سال گذشته و در حالی وارد چهل و چهارمین سال خود شده است که مخالفت با حجاب و در ادامه آن مبارزه با دیکتاتوری حکومت دینی، جان بیش از ۵۰۰ زن و بچه و مرد را گرفته و بر اساس آخرین آمار - موسسه گمان - بیش از ۸۰ درصد مردم مخالفت خود را با جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند. در این روزهای پر بیم و امید، باز خوانی داشتیم از داستان دوزن - زرین محی‌الدین و مارینا نعمت - که هر دوی به خاطر این اجبار ایران را به مقصد کانادا ترک کردند.

گزارش ویژه

پگاه شریفی



اعتراض گروهی از زنان به حجاب اسلامی مقابل دفتر نخست‌وزیری در تهران - اسفند ۱۳۵۷ عکاس: کاوه کاظمی



تظاهرات ضد انقلاب در داخل یک استادیوم ورزشی در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹

جمهوری اسلامی.»
سمت چپ تصویر و در اولین ردیف از پایین؛ دو زن از میانسالانی گذشته با چادرهای رنگی؛ یکی‌شان چادر را حصار تن بلند بالای‌اش کرده و سفت و محکم آن را گرفته، دهانش را پوشانده و از پشت شیشه‌های رنگی عینک بزرگش - که می‌تواند نشان طبقه اجتماعی متمولی در آن روزها باشد - با تردید به سمتی نگاه می‌کند که از گوشه راست عکس، بیرون پریده است. کنار دستش اما زنی ریزنقش ایستاده که یک سوی چادرش را زیر بغلش زده و یک دست انگشت‌های دست‌دیگر را محکم توی خودش گرفته است. زن لب‌هایش را بهم فشرده و به روبرو نگاه می‌کند؛ با ته مایه‌ای از «خیرگی» و حواسی پرت از اتمسفری که در آن قرار گرفته است.

این سوی عکس در همین ردیف اول، سه زن هستند با پوششی متجدادانه، موهایی کوتاه و نگاه‌هایی که به یک زاویه خیره است. زنی که دستکش چرمی پوشیده، آرام‌تر است، لب‌های‌اش را باز کرده تا چیزی بگوید؛ زن دیگر که از همگی‌شان بلندقدتر است؛ خوش‌پوش‌تر و رسمی‌تر، با ساقی پاهایی برهنه که جوراب آن را نپوشانده و سیگاری خاموش در میان انگشت‌های در هم فرو رفته‌اش. زن به وضوح لب‌های‌اش را گزیده و گویا به کاری از کار گذشته فکر می‌کند؛ مانند آن زن دیگر که کنارش ایستاده و در چشم‌های‌اش و در حالت دهان نیمه بازش، تعلیقی اضطراب‌آور است.

ردیف بالاتر آمده، دو مرد هم دیده می‌شوند از دو گروه سنی که به پدر- پسرگی شبیه هستند که به تماشا آمده‌اند با اندک ذوقی برای دیدن آنچه که در انتظار رخ دادند هستند. درست در سمت متضاد آن‌ها، زنی دارد دستش را بالا می‌آورد و تنها کسی است در این جمع که خندان است. در همین ردیف یک زن رویش را از مسیر نگاه دیگران برگردانده و در میانه تصویر هم، دو زن هستند که بیشتر از همه نگاه را می‌دزدند. یکی‌شان که شالی سفید به گردن دارد و قدی بلندتر، از نگرانی دارد به گریه می‌افتد اما دیگری نه قصد گریستن و نه انتظار کشیدن دارد و خشم است که در صورتش جریان دارد. او زین محی‌الدین است.

«مامان من در عکس ۲۸ ساله است. کتی به رنگ زیتونی پوشیده است و در



زین محی‌الدین در تظاهرات ضد انقلاب در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹

مواجهه «زنی» با «خودش» بعد از ۴۰ سال: «نه» گفتن به فاجعه‌ی پیش رو

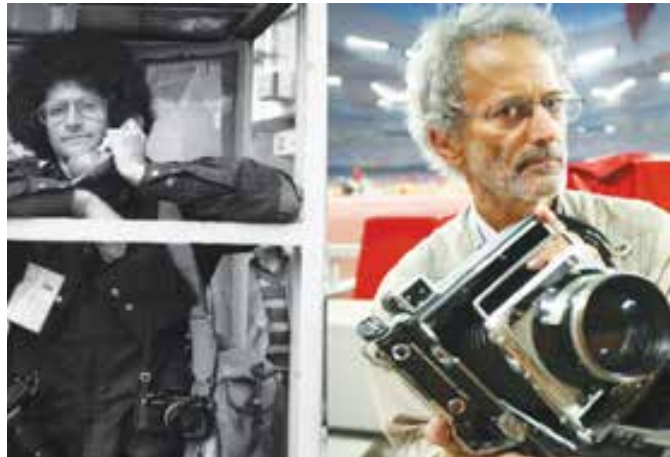
«تصور کنید کتاب یک عکاس خبری را می‌خرید. این کتاب مجموعه‌ای از عکس‌های انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ است؛ صفحاتش را ورق می‌زنید و یکدفعه عکس مادرتان را می‌بینید. می‌دانم دیوانه‌کننده است اما این دقیقاً همان چیزی است که برای من و مادرم اتفاق افتاد.»

این متن، بخشی از نوشته سمیرا محی‌الدین روزنامه‌نگار ایرانی‌تبار کانادایی برای سی‌بی‌سی در سال ۲۰۱۹ است که از روبرو شدن با «مادرش» در یک بزنگاه تاریخی می‌گوید؛ زنی در میان جمعیتی که اکثرشان زنانی هستند؛ با پوشش‌های مختلف که باورهای متفاوت‌شان را به «خ» می‌کشند، اما نه برای همدیگر بلکه برای تماشاگرانی که مقابل آن‌ها بودند در سال ۱۹۷۹ و «البته» هر کسی که تاریخ معاصر ایران را دنبال می‌کند و گذرش به دیدن این عکس می‌افتد.

عکاس این عکس، دیوید برنت است که ۴۴ روز از روزهای انقلاب را مستند کرده است. عکسی که می‌توان در تک تک چهره‌های ثبت‌شده در آن، که معترضان به حجاب اجباری بودند، برگ‌های اول تاریخی را خواند به نام «حجاب اجباری در



پاسپورت ایرانی زرین محی‌الدین با دخترانش سمیرا (چهار ساله) و سالومه (هشت ساله)



دیوید برنت در جوانی و میانسالی

باشند، خودم را لعنت می‌کردم»
حجاب اجباری، زرین را مصمم می‌کند که دو دخترش را بردارد و از ایران مهاجرت کند. موضوعی که حتی سمیرا محی‌الدین هم با وجود تمام علاقه و اطلاعاتی که در مورد تاریخ ایران داشته از آن بی‌خبر بوده، «این عکس مامان لحظه بزرگی از (گرایش) فمینیستی اوست. من فکر می‌کردم همه چیز را درباره انقلاب ایران می‌دانستم. پایان‌نامه کارشناسی ارشدم را درباره آن نوشته بودم و کتاب‌ها و روزنامه‌هایی را که درباره‌اش مطلب داشتند جمع‌آوری کرده بودم اما این عکس باعث شد متوجه شوم که چیز زیادی در مورد آنچه مادرم در آن زمان تجربه کرده است؛ نمی‌دانم. اینکه چرا او انتخاب کرد، ایران را ترک کند و به کانادا بیاید.»

زرین درست ۱۰۰ روز بعد از تاریخ ثبت این عکس از ایران می‌رود و دیگر هیچگاه به ایران باز نمی‌گردد با اینکه به گفته خودش آرزو دارد تا روزی به کشورش برگردد، کوه‌های زیبا را ببیند، قدم بزند و... او می‌گوید: «تا زمانی که این دولت هست، من به ایران باز نمی‌گردم. من حاضر نمی‌شوم روی سرم حجاب بگذارم و آن آدمی شوم که آن‌ها می‌خواهند و هیچ ارزشی ندارد.»

دیدار با عکاس: در جست و جوی چهره‌ای روایت‌گر

سمیرا و شم جستجوگر روزنامه نگارش؛ تنها به شنیدن این داستان بسنده نمی‌کند و تصمیم می‌گیرد که مادر و دیوید برنت، عکاس آن عکس را با همدیگر روبرو کند.

دیوید برنت، یکی از غول‌های فتوژورنالسم در جهان است و در نبض بسیاری از اتفاقات بزرگ جهان هم حضور داشته، از جنگ آمریکا در ویتنام گرفته تا کودتا در شیلی، قحطی در اتیوپی، سقوط دیوار برلین و... انقلاب اسلامی در ایران.

سمیرا می‌نویسد: «هم روزنامه‌نگار و هم مورخ درون من می‌خواستند از دیوانگی محض ملاقات این دو نفر برای اولین بار و در ۴۰ سال بعد لذت ببرند. (اما) دیوید برنت به نوعی یک چهره شناخته شده (پدیده) در دنیای عکاسی خبری است و من برای تماس گرفتن با او، کمی دلهره‌آور بود. تصور می‌کردم که او آن روز را

ردیفی از زنان ایستاده است. گوشه لبش را گاز می‌گیرد، عصبانی و مصمم به نظر می‌رسد.»

می‌دانستم آخوندها همه آزادی‌های ما را خواهند گرفت

سمیرا عکس را به مادرش نشان می‌دهد، مواجهه «زنی» با «خودش» بعد از ۴۰ سال، «مادرم شگفت‌زده شد! اما خاطرات به سرعت سرازیر شدند. «بله، مامانم ضد انقلاب بود، یک چیز (باور) بسیار خطرناک در زمان انقلاب. (چراکه) افرادی که حتی مشکوک به ضد انقلاب بودند اغلب مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و انقلاب که پیش رفت، کشته شدند.»
اما زرین محی‌الدین به این خطرها اهمیتی نمی‌داده، حتی ذره‌ای... او در چهار دهه پیش و در سال‌های انقلاب جز معدود کسانی بود که دورنمایی نزدیک‌تر به واقعیت را می‌توانستند ببینند. زرین به سمیرا دخترش درباره آن زمان می‌گوید «من فقط نمی‌توانستم باور کنم که مردم فکر می‌کردند با این نوع انقلاب به رهبری آخوندها به آزادی می‌رسند. من می‌دانستم که همه آزادی‌های ما را خواهند گرفت و به عنوان یک زن برای من بسیار مهم بود که از ابتدا بگویم که مخالف این انقلاب هستم.»

زرین در آن روز برای اعتراض و اعلام مخالفت با انقلاب اسلامی، چند نفر از همکارانش را هم متقاعد می‌کند که او را همراهی و در این تجمع که در استادیومی برگزار می‌شد؛ شرکت کنند. «آن روز به استادیوم رفتیم تا بتوانیم آزادانه خواسته‌مان را بیان کنیم و به فاجعه پیش رو «نه» بگوییم. کسانی که حامی خمینی و انقلاب اسلامی بودند هر روز در خیابان‌ها اعتراض می‌کردند و این (تجمع در استادیوم) شانسی برای ما بود.»

انقلاب اسلامی، مسیر زندگی بسیاری از زنان و مردان را تغییر می‌دهد که یکی از آن‌ها زرین محی‌الدین است. او که در ایران شاغل بوده وقتی با این دستور روبرو می‌شود که اگر موها و بدنش را نپوشاند، دیگر نمی‌تواند سر کارش حاضر شود؛ تصمیم به ترک ایران می‌گیرد. «ایران دیگر جایی نبود که می‌خواستم باشم. نمی‌دانستم (در آینده) چه اتفاقی برای آن می‌افتد. من دو دختر خردسال داشتم و اگر آن‌ها را در کشوری بزرگ می‌کردم که هیچ حق و حقوقی نداشته

مطرح شد و زنان و دختران بالای یک سن معین را ملزم به پوشیدن روسری در ملاء عام می‌کرد. اوایل می‌گفتند که حجاب را در ادارات دولتی بیوشی، اما بعد به مدارس و همه جا سرایت کرد. لباس زنان باید آنقدر گشاد بود تا هیچ برجستگی از تن‌شان را نشان ندهد. یادم می‌آید که مدیر مدرسه‌مان، یک پاسدار انقلابی بود. او با دستمال دم در مدرسه می‌ایستاد و اگر حتی به ذره‌ای برق لب روی لب‌هایمان مشکوک می‌شد، صورت‌مان را در یک سطل آب می‌کرد.

معلمانی داشتیم که کلاس‌های ریاضی و شیمی را به سخنرانی در مورد اجرای قوانین حجاب یا مطالعه قرآن تبدیل می‌کردند. من اما دانش‌آموزی بودم که همیشه وضعیت موجود را زیر سوال می‌بردم. جرأت می‌کردم بلند شوم و بگویم «چرا باید این‌طور لباس بیوشیم؟» یا «چرا وقتی قرار است کلاس ریاضی باشد، از دین و تبلیغات سیاسی صحبت می‌کنیم؟» یک‌بار یکی از معلم‌ها به من گفت، اگر نمی‌خواهی گوش کنی، از کلاس بیرون برو، من رفتم و تمام بچه‌های کلاس هم پشت سر من بیرون آمدند.

با اینکه عضو هیچ گروه سیاسی نبودم، اما در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردم و در روزنامه مدرسه مقالاتی در مورد اعتراضات ضد انقلابی که در خیابان‌ها شاهد بودم، می‌نوشتیم. در همان زمان بود که یک روز معلم شیمی‌مان به من گفت که نامم را در لیست دفتر مدیر دیده است و من ساعت ۲۱ همان شب دستگیر شدم.

ازدواج با عشق، قدغن

مارینا را در زمانی که زندانی بوده است، شلاق می‌زدند، او را مقابل جوخه تیراندازی می‌برند تا اعدام کنند اما با وساطت شخصی به نام علی؛ حکم او به حبس ابد تغییر می‌کند. همین شخص به مارینا می‌گوید اگر با او ازدواج کند، از زندان آزاد می‌شود، در حالی‌که او به شخص دیگری علاقه داشت؛ آندره، ارگ نواز کلیسایشان. اما در نهایت با تهدید خانواده‌اش و آندره، او مجبور به ازدواج با این شخص می‌شود. «علی جان من را نجات داده بود، اما او مرا به گونه‌ای دیگر رنج داد و من نمی‌توانم آن را فراموش کنم. چند ماه بعد از ازدواج، باردار شدم اما زمانی‌که علی در جلوی چشمم توسط جناح‌های رقیبش در تیراندازی با ماشین کشته شد، بچه‌ام سقط شد.»

مارینا پس از مرگ علی به زندان اوین بازگردانده می‌شود اما با وساطت پدر علی آزاد می‌شود. اما به او هشدار می‌دهند که نباید

با عشق قدیمش آندره ازدواج نکند، زیرا او دیگر یک زن مسلمان است. اما او تسلیم نمی‌شود و با آندره ازدواج می‌کند. آن‌ها سال ۱۹۹۱ ویزای کانادا را می‌گیرند و از ایران مهاجرت می‌کنند و زندگی‌شان را در تورنتو می‌سازند. اما مارینا که هنوز زخم خورده آن سال‌هاست، دچار بی‌خوابی می‌شود و از لحظه‌ای که به رختخواب می‌رود، خاطرات ناراحت‌کننده به ذهنش هجوم می‌آورند.

مارینا برای مقابله با این کار شروع می‌کند به نوشتن، همچنین داوطلبانه در مرکز کانادایی قربانیان شکنجه کار می‌کند و حال خوب را به خودش باز می‌گرداند؛ اما با کشته شدن مهسا، او به ۴۰ سال پیش بر می‌گردد و خاطرات زندان برایش تداعی می‌شود. مارینا می‌گوید: «وقتی امینی دستگیر شد، به خانواده‌اش گفته بودند که او برای «بازآموزی» بازداشت شده و به زودی آزاد خواهد شد. مانند آن زمان که مسئولان اوین از زندان به عنوان دانشگاه یاد می‌کردند و می‌گفتند قرار است همه ما دوباره تربیت با جمهوری اسلامی هماهنگ شویم و هنوز هم هر چیزی که با ایده «بازآموزی» ربطی دارد، من را

در میان تمام روزهای مهم تاریخی که شاهدشان بوده و مستندشان کرده؛ به خاطر نخواهد آورد. برای او ایمیل زدم و شش دقیقه بعد به آن پاسخ داد و معلوم شد من اشتباه می‌کردم، چون او آن روز را به خوبی به یاد داشت.»

برنت به سمیرا می‌گوید در این ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر بسیاری وقت‌ها را صرف این موضوع کرده که چگونه می‌تواند یکی از آن آدم‌ها را پیدا کند. او در جواب این سوال که چرا به طور خاص روی آن ردیف از زنان تمرکز کرده است؛ توضیح جالبی می‌دهد: «در آن چهره‌ها شور و اشتیاق وجود داشت و در رویدادهای بزرگ مانند این، شما همیشه به دنبال چیزی هستید که نظر خود را بیان کند. و (من هم) دنبال یک یا چند چهره بودم که قرار است داستان (آن لحظه) را بازگو کنند.»

دیوید برنت برای روایت کردن انقلاب اسلامی، چهره آن زنان کنار هم ایستاده را انتخاب می‌کند که زرین هم یکی از آن‌ها بوده است. سمیرا درباره لحظه دیدار این دو نفر می‌نویسد: «وقتی برنت و مادرم را با هم روبرو کردم، آن‌ها سریع با همدیگر جوش خوردند اما عمیق‌ترین لحظه گفت‌وگوی آن‌ها زمانی بود که مادرم به او گفت: «دیوید! عکسی که تو از من گرفتی، هویت من است.» و دیوید در پاسخ گفت: «وای!»



مارینا نعمت، نویسنده ایرانی و شهروند کانادا: شلاق خوردن برای عشق و آزادی

مارینا نعمت، نویسنده کتاب‌های «زندانی تهران» و «پس از تهران»، تنها ۱۶ سال داشت که به اتهام سخن گفتن علیه نظام جمهوری اسلامی دستگیر و به زندان اوین، افتاد. او داستان روزهای زندانی بودنش را در کتاب «زندانی تهران» نوشته است. کتابی که سال ۲۰۰۷ یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بین‌المللی شد.

مارینا بعد از کشته شدن مهسا امینی و انعکاس خبر خیزش مردم ایران و جنبش «زن، زندگی، آزادی» مورد توجه بیشتری قرار گرفته و با او مصاحبه‌های زیادی درباره تجربه‌هایش از زندگی در ایران به عنوان یک زن شده است.

مارینا نعمت در یکی از این مصاحبه‌ها با مجله ELLE ضمن مرور بخشی از خاطرات دوران زندانش، درباره اجبار به حجاب در همان سال‌های اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی می‌گوید، در حالیکه هزاران کیلومتر دورتر از ایران و در کلبه‌ای خارج از کینگستون، انتاریو است.

«من یک بیکینی سبز با خال‌های سفید داشتم و بدون هیچ مشکلی (با این پوشش) در ساحل بودم. دخترها و پسرها با هم می‌رقصیدند و ما تا دو بامداد با دنی آژمند و بی‌جیز می‌رقصیدیم. اما پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، قانون حجاب



☞ مارینا و همسرش آندره سال ۱۹۹۱ ویزای کانادا را می‌گیرند و از ایران مهاجرت می‌کنند. اما مارینا که هنوز زخم خورده آن سال هاست، دچار بی‌خوابی می‌شود و از لحظه‌ای که به رختخواب می‌رود، خاطرات ناراحت‌کننده به ذهنش هجوم می‌آورند.



☞ مارینا نعمت، نویسنده‌ی ایرانی‌کانادایی، اوایل می‌گفتند که حجاب را در ادارات دولتی بپوشی، اما بعد به مدارس و همه جا سرایت کرد. لباس زنان باید آنقدر گشاد بود تا هیچ برجستگی از تن‌شان را نشان ندهد

از آن‌ها از اعضای سپاه پاسداران بودند و وقت کلاس را صرف پخش تبلیغات حکومتی می‌کردند و سعی داشتند ما را متقاعد کنند که قوانین متعصبانه رژیم -مانند اجبار همه زنان و دختران بالای ۹ سال به حجاب- به نفع ماست. آن‌ها استدلال می‌کردند که ما باید متواضعانه لباس بپوشیم تا توجه مردان را جلب نکنیم. در آن زمان من به مدیر مدرسه‌مان گفتم که مسیحی هستم و قوانین جدید حجاب نباید شامل حال من شود اما او پاسخ داد: تو به دین نادرستی اعتقاد داری!»

مارینا شجاعت زنان سرزمین‌اش را که از زمان کشته‌شدن مهسا علیه رژیم و حجاب اجباری بپا خواستند، تحسین می‌کند. «زنان جوان در ایران امروز پس از انقلاب متولد شده‌اند، بنابراین هرگز نتوانستند آزادی‌هایی را که من داشتم تجربه کنند، مانند آزادی حق پوشش. با اینکه بسیار مدرن هستند و وقتی به مراسم خانوادگی یا مهمانی‌های شام می‌روند، جدیدترین مدها را می‌پوشند، اما در ملاء عام باید ظاهر خاصی داشته باشند. آن‌ها مجبورند زندگی دوگانه‌ای داشته باشند.»

مارینا قوانین حجاب در ایران را متغیر و وابسته به رئیس‌جمهوری وقت می‌داند و تاکید می‌کند که زنان ایرانی می‌دانند چه چیزی را از دست داده‌اند. «آن‌ها بسیار باهوش هستند و می‌بینند که در مقایسه با سایر نقاط جهان از چه حقوقی محروم شده‌اند.»

دولت تلاش می‌کند دسترسی به اینترنت را کنترل کند، اما با شکست مواجه می‌شود و به لطف ایرانیان شجاعی است که ویدئوهای اعتراضات را منتشر کرده یا ارسال می‌کنند؛ وضعیت اسفبار مردم ایران به ویژه زنان در مرکز توجه قرار می‌گیرد.

طناب دور گردنم بود

مارینا نعمت که خودش را با فعالیت‌های اجتماعی و نوشتن، بهبود بخشیده است، امروز نویسنده و استاد خاطره‌نویسی در دانشگاه تورنتو است با این حال هنوز زخم‌های تازه است. «نوشتن کتاب برای من راهی برای پردازش و مدیریت درد بود، زیرا در غیر این صورت دیوانه می‌شدم. تروما مثل طناب دور گردنم بود و هر لحظه سفت‌تر می‌شد. من هنوز از زنده بودنم شوکه هستم. بسیاری از دوستانم (همان زمان) کشته شدند. بهترین دوستم سه ماه قبل از دستگیری من اعدام شد و من روزی نیست که به او فکر نکنم.



☞ مارینا: من یک بیکینی سبز با خال‌های سفید داشتم و بدون هیچ مشکلی (با این پوشش) در ساحل بودم. دخترها و پسرها با هم می‌رقصیدند و ما تا دو بامداد با دنی آژمند و بی‌جیز می‌رقصیدیم

می‌ترسند، چون می‌دانم معنای واقعی‌اش چیست. «

زندگی دوگانه زن ایرانی

مارینا در یکی دیگر از مصاحبه‌هایش از وعده‌های دروغ رهبران انقلابی می‌گوید: «آن‌ها قول دادند که آزادی‌های اجتماعی را گسترش دهند، آزادی سیاسی به مردم بدهند و دموکراسی را پایه و بنیان بگذارند. اما در کمتر از یک سال، بسیاری از حقوق زنان از آن‌ها سلب شد. رقصیدن، آواز خواندن، گرفتن دست دوست پسرمان در انتظار عمومی و پوشیدن بیکینی... ممنوع شدند. معلمان کارکشته جای خود را به دانشجویان جوان و متعصبی دادند که بسیاری



علیجان قربانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش، سرمایه‌گذاری

به شما کمک می‌کنیم تا
به رویای خود برسید



24/7 در دسترس مشتریان

Call Me

438 525 1290

alijan.kurbani@remax-quebec.com

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و انفرادی
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca




در رجه مهاجرت

سهیل احمدی

مشاور رسمی مهاجرت به کانادا

عضو انجمن مشاورین رسمی مهاجرت کانادا



کلیه خدمات مهاجرتی و شهروندی کانادا از طریق تخصص، کار،
تحصیلی، دانش آموزی، سرمایه‌گذاری، پناهندگی و الحاق خانواده
با تعیین وقت قبلی

www.ImmigrationDoor.com

لغات مستقیم از ایران با دفتر کانادا

ImmigrationDoor

+1 (514) 232-1326 +1 (514) 748-0949

4055 Rue Saint-Catherine, Unit 165, Westmount, Montreal H3Z 3Z6



نینوس گیورگیزنیا

مشاور ارشد املاک در کانادا

عضو دائمی کانون بین‌المللی مهندسان نقت

- خرید، فروش، پیش‌فروش و اجاره
- املاک مسکونی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و بیزنس
- با ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک




Ninous Givargiznia B.Sc
Professional Real Estate Broker
(514) 816-4080
ngivargiznia@gmail.com

Amelie Wang
Real Estate Broker Residential
(514) 916-1151
hongshan.wang@century21.ca

www.Century21.ca/ninous.givargiznia
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9



سیاست
اقتصاد
جامعه

پگاه شریفی

حسین امانت: آزادی را ساختم تا بگویم ایران از دوران‌های سخت می‌گذرد

برج «شهید» تهران در گذر تاریخ معاصر ایران

یاد می‌گرفت در یک بوروکراسی پیچیده و گاه بسیار فاسد» حرکت کند. اما حمایت‌های تمام و کمالی که از او خصوصاً از سمت محمدرضا شاه شد؛ مسیر را برایش هموار کرد.

ساخت برج شهید، پنج سال زمان می‌برد و در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۲ به روی عموم مردم باز می‌شود. این اتفاق حسین امانت را به یکی از معماران شناخته شده و حرفه‌ای در سطح جهانی و یک ستاره نوظهور در صحنه معماری ایران تبدیل می‌کند.

برای مراسم افتتاحیه رسمی (۱۹۷۱) منشور اصل کوروش که بسیاری از مورخان آن را اولین منشور حقوق بشر می‌دانند، از موزه بریتانیا به امانت گرفته می‌شود تا در موزه برج نمایش داده شود.

امانت روز افتتاحیه رسمی مراسم را این گونه توصیف می‌کند: «... من در گوشه‌ای پنهان شده بودم که یکی از دوستان دوران دانشکده معماری، مرا پیدا کرد و گفت: «چرا اینجا ایستادی؟ باید بیایی جلو.» و مرا به پای طاق اصلی آورد. من تنها کسی بودم که آنجا ایستاده بودم، بقیه مردم همگی نشسته بودند. سران ممالک و میهمانان اعلیحضرت می‌آمدند. اعلیحضرت بازوی هایلند سلاسی را که آن روزها پیرمردی بود؛ گرفته بود و با او و چند نفر دیگر در اطرافش صحبت می‌کرد. وقتی مرا دید به من اشاره کرد که جلو بیایم و رو به دیگران با حالی پر از غرور گفت: «این مرد جوان این ساختمان را طراحی کرده است.»



نقشه‌هایی برای انهدام «شهید»

برج «شهید» پیش و پس از انقلاب در معرض خطر از بین رفتن و انهدام قرار گرفت که البته در هر دو زمان توسط طرفداران جمهوری اسلامی بود.

«اصلاً فکر نمی‌کردم که (برج) آزادی این طور در دل مردم ایران نفوذ کند. آزادی درست مثل بچه‌ای بود که شما به دنیا می‌آوردید و نمی‌دانید که او در آینده چگونه خواهد شد. این بچه بزرگ می‌شود و زندگی مخصوص به خودش را پیدا می‌کند که دیگر در اختیار شما نیست. آزادی هم همین‌طور شد و فکر می‌کنم به این خاطر در دل مردم جا باز کرد که خیلی ایرانی است و جوهره فرهنگ ایران را در خود دارد. من آزادی را ساختم تا بگویم ایران از دوران‌های سخت می‌گذرد و به آینده‌ای درخشان می‌رسد و در این موضوع تردیدی نیست.»

حسین امانت طراح و معمار شناخته شده ایرانی ساکن کانادا است. ساختمان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ساختمان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مرکز بهاییان در ویرجینیا آمریکا، مرکز بهاییان در تگزاس آمریکا، ساختمان مقر «بیت‌العدل اعظم»، «مشرق‌الاذکار» در ساموآ، مرکز آموزش بین‌المللی بهائیت، کتابخانه مرکزی «دانشگاه سیچوان» پکن، ساختمان مرکزی رادیو تلویزیون چین در پکن، یادمان ملی هولوکاست در کانادا و... از جمله آثار اوست.

اما این معمار شناخته شده ایرانی که در دهه هشتم زندگی‌اش است و بیش از نیمی از عمر خود را در مهاجرتی اجباری بعد از وقوع انقلاب اسلامی گذرانده، نامش بیش از همه با برج «آزادی» گره خورده است. برج سفید پای دربندی که بیش از چهار دهه است به تاریخ ایران، خصوصاً وقایع سیاسی‌اش از فاصله بسیار نزدیک چشم دوخته است اما طراح و سازنده‌اش از فرسنگ‌ها آن طرف‌تر با دل‌تنگی بسیار تنها بر خیال و خاطره آن دست کشیده با این غم که هیچ‌کدام از فرزندان‌ش تا به حال در زندگی‌شان برج آزادی را از نزدیک ندیده‌اند. در روزهای منتهی به سالگرد انقلاب سال ۱۹۷۹ نگاهی داشته‌ایم به برج «شهید/ آزادی»، داستان‌هایی که بر این سمبل ایران مدرن و سازنده‌اش در این ۴۳ سال گذشته است.

امانت چطور برای ساخت «شهید» انتخاب شد؟

حسین امانت ۲۴ سال داشت و تازه از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده بود که با آگهی مسابقه‌ای به اسم «طراحی ساختمان شهید آریامهر» روبرو شد که به دستور «فرح دیبا» برای یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی ایران در نشریات مختلف چاپ شده بود. امانت با شک و تردید در این مسابقه شرکت می‌کند اما از میان ۲۱ طرح ارائه شده، طرح او برگزیده و برنده می‌شود. او زمانی پروژه ساخت شهید را شروع کرد که فقط سی ماه تا برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی ایران باقی مانده بود و او هم تجربه‌ای درباره پیشبرد پروژه‌هایی به این حد بزرگ و حساس نداشت و به گفته خودش «باید

» زمانی که مشغول «شهید» بودم؛ دفتری در (خیابان) کاخ شمالی داشتم. یک بلوک پایین‌تر یک نفر یک کافه کوچک داشت به نام Quartier Latin که ما همیشه به آنجا می‌رفتیم. آنجا با نادر نادرپور، این شاعر بزرگ، مرد بسیار خوب و متواضع می‌نشستم و صحبت می‌کردم. طاهره مفارزاده هم یکی دیگر از دوستانی بود که به طور اتفاقی با او آشنا شدیم. شاعر بود و شخصیت بامزه و داستان‌های زیادی داشت. بعد از انقلاب معلوم شد که او کمی مسلمان سنتی (شده) است که برای من شگفت‌انگیز بود. محمد حقوقی هم بود که در تربیت معلم ادبیات تدریس می‌کرد، شاعر بود، شاعری بزرگ، حال و هوای ایران در آن روزها شگفت‌انگیز بود اما اوضاع سیاسی عالی نبود. مثلاً یک موردش رویدادی مانند افتتاحیه «شهید» بود که هیچ یک از افرادی که در مورد آن‌ها صحبت کردم؛ آنجا نبودند در حالی‌که باید دعوت می‌شدند، اما آن‌ها در لایه دیگری از جامعه بودند و فقط سیاستمداران و نزدیکان این شخص یا آن شخص دعوت شده بودند. هرچند شهبانو، همیشه این افراد را تشویق می‌کرد؛ با آن‌ها بسیار مهربان بود و تا جایی که می‌توانست با آن‌ها همکاری می‌کرد.



» آستیاز حقیقی و نامزدش امیرمحمد احمدی و ۱۰ سال زندان برای رقصیدن در میدان آزادی



محبوبیت «برج شهید» و گره خوردن به وقایع سیاسی

برج «شهید» در طول چهار دهه گذشته، با حوادث سیاسی و جنبش‌های اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف پیوندخورده است. گویا این برج همواره از ارتفاع ۵۰ متری نظاره‌گر تاریخ ایران بوده است. در زمان انقلاب ۱۹۷۹ بسیاری از تجمعات از میدان‌ها و خیابان‌ها می‌گذشت و به «شهید» می‌رسید. عکس‌های زیادی از این برج در زمان انقلاب گرفته شده که جمعیت بسیار زیادی از مردم را گرداگرد آن با پوسترهایی از خمینی و شعارهای انقلابی

حسین امانت در این باره در مصاحبه‌ای توضیح داده است: «در ایران نیروهایی علیه شاه و رژیم تلاش می‌کردند اقدامات تروریستی انجام دهند. آن‌ها با همه این مسائل، به ویژه جشن‌های بزرگ دولتی و هزینه‌هایی که صرف آن‌ها می‌شد، مخالف بودند. هرچند در مورد برخی از مخارج شاه، (حرف آن‌ها) درست است اما آن‌ها به سطوح مضحک عملکردی در این باره رسیده بودند که واقعاً ضروری نبود.

هرچند من متخصص وقایع زمان نیستم و نمی‌خواهم چیز اشتباهی بگویم اما فکر می‌کنم، «محمدعلی رجایی» که در زمان خمینی نخست‌وزیر شد، یکی از توطئه‌کنندگان برای این کار (از بین بردن برج شهید) بود و در اثر این جور عملکردها دستگیر و شکنجه شد. (درباره برج شهید) من در روزها و هفته‌های منتهی به پایان کار، بسیار مشغول بودم و بیست و چهار ساعت در محل بودم تا همه چیز را آماده کنم. خصوصاً اینکه گفته بودند چند روز قبل می‌خواستند آن را منفجر کنند و چیزهایی از این قبیل، که من هرگز به حقیقت موضوع پی نبردم، اما فکر می‌کنم یک نفر به ترانسفورماتوری رسیده بود که زیر زمین، نزدیک بنای تاریخی (کار گذاشته شده) بود، و افراد امنیتی گفتند که می‌خواستند همه چیز را منفجر کنند.

او درباره تهدیدهای بعد انقلاب هم می‌گوید: «آن‌ها (انقلابیون) مقبره پدر شاه را از بین بردند و روی آن توالی ساختند، (شیوه‌ای) که آن‌ها دنیا را می‌بینند. اما با شهید؛ این کار را نکردند، چون می‌دانستند مردم چقدر به آن احترام می‌گذارند و این نیروی ارتباط مردم با این ساختمان بود که آن‌ها را از تخریبش باز داشت. خلخال، این دیوانه اوایل انقلاب که هویدا -نخست وزیر شاه- و بسیاری از افراد دیگر را شخصاً اعدام کرد، می‌خواست شهید را خراب کند؛ فکر می‌کنم حتی در کتابش هم به این موضوع اشاره کرده است. چند سال پیش هم یکی از نویسندگان روزنامه کیهان نوشت: «بزرگ‌ترین اشتباه این بود که این ساختمان را خراب نکردند... شبی از تاریکی به خاطر اتفاقاتی که در کشور می‌افتد، بر روح من نشسته است. من واقعاً صدمه دیده‌ام و یک فرد عادی نیستم زیرا کشور من در زیر این شب، در این شب تاریک (گرفتار) است.»



دلم برای ایران بسیار تنگ شده است، خوابش را می‌بینم و بارها در تصورات و خیال‌هایم به آنجا سفر کردم. افسوس می‌خورم که قبل از ۳۰ سالگی ایران را ترک کردم در حالیکه بیشتر جاهای کشورم را ندیده بودم. می‌توان گفت که این دلتنگی تا حدی به خاطر آفتاب و معماری ایران است. امروز از هر آنچه داشتم و از محله‌مان دور هستم. سه فرزند دارم که سعی کرده‌اند زبان فارسی را یاد بگیرند، اما تسلط کافی برای خواندن اخبار روزنامه‌های فارسی‌زبان را ندارند و این موضوع مرا غمگین می‌کند - و در ضمن، هیچ‌کدام از آن‌ها تا به حال در زندگی‌شان برج آزادی را از نزدیک ندیده‌اند.

حسین امانت چند ماه قبل از وقوع انقلاب به همراه همسرش برای تولد سومین فرزندشان به انگلستان می‌رود. (نوامبر ۱۹۷۸) اما آشوب‌ها در ایران بالا می‌گیرد و او به توصیه دوستانش بیشتر از آنچه در نظر داشته، خارج از کشور می‌ماند. امانت سه سال بعد برای خرید مبلمان ساختمان محل کارش در حیفا (اسرائیل) به ونکوور می‌رود تا کاخ دادگستری و برخی از جزئیات آن و همچنین مبلمان اداری به کار رفته در آن را ببیند و در همین سفر است که عاشق ونکوور می‌شود و ماندگار این شهر و کشور.

معاصر ایران دیده اهمیت بیشتری دارد.

«شهادت مثل آغوش پدران‌های بود که همه آدم‌های در مقابل خودش را در آغوش گرفته بود. از این که میلیون‌ها نفر در سال ۲۰۰۹ به میدان شهادت آمدند و بعد کتک خوردند و بسیاری‌شان کشته شدند، عمیقاً متأثر شدم. این ماجرا بسیار غمگینم کرد. من به این دلیل که بهائی هستم، دیگران را می‌بخشم، روی بی‌عدالتی‌هایی که بر شخص من روا داشته شده است انگشت نمی‌گذارم و از آن عبور می‌کنم، اما دیدن آن حادثه برایم خیلی دشوار بود چون مردم در آن جا پناه گرفته بودند.»

برج آزادی در جنبش اخیر ایرانیان «زن-زندگی - آزادی» هم جایگاه و حیات سیاسی خودش را داشت. در همین زمان ویدیویی از یک دختر و پسر به نام‌های آستیاز و امیرمحمد منتشر شد که در حال رقصیدن در اطراف میدان آزادی بودند.

آن‌ها کمی بعد دستگیر و در دادگاهی به ریاست قاضی بدنامی به اسم «صلواتی»، متهم به «تشویق به فساد و فحشا»، «اجتماعی و تباری به قصد بر هم زدن امنیت ملی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» شدند و هر کدام ده سال حکم حبس گرفتند در حالی که تنها بیست سال داشتند. (آستیاز حقیقی متولد ۲۰۰۱ و امیرمحمد احمدی متولد ۲۰۰۰)

منابع: وبسایت bidoun، aasoo و مقاله تحلیلی بر دیدگاه‌های حسین امانت در طراحی بناها با مضمون معماری ایرانی

نشان می‌دهد.

بعد از وقوع انقلاب اسلامی نام بیشتر مکان‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها و... تغییر کرد که یکی از آن‌ها هم، برج «شهادت» بود.

این مکان به دلیل اجتماعاتی که در جریان انقلاب در دل آن برگزار می‌شد و همچنین برگزاری برنامه استقبال از روح‌الله خمینی در بازگشت از پاریس به تهران، به «آزادی» تغییر نام داد و نماد انقلابی شد که در تقابل با نظام شاهنشاهی پا گرفت.

امانت درباره این تغییر نام می‌گوید: «قبل از انقلاب نام این برج، شهادت بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ آزادی هم نام خوبی است. ولی فکر می‌کنم این بنا به نام اصلی خود، «شهادت» (در آینده) نامیده خواهد شد.»

میدان شهادت در زمان جنگ ایران و عراق و پس از آن هم محل گردهمایی بسیاری از طرفداران حکومت خصوصاً در جشن‌ها و راه پیمایی‌های موسوم به دهه فجر بوه است که پروپاگانداي رژیم ج. ا همواره سعی در نشان دادن حضور جمعیت بسیار در این میدان بود.

در جریان اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ و تقلب صورت گرفته، از میدان شهادت تصاویری منتشر شد که بازمه یادآور گردهمایی‌های بزرگ و مردمی پیش از انقلاب اسلامی بود با این تفاوت که جمعیت بسیار زیادی تحت عنوان جنبش سبز به دنبال تحقق مفهوم ملت و حقوق از دست رفته مدنی‌شان از خیابان‌های اطراف به سمت خیابان و برج آزادی آمده بودند.

این تجمع برای حسین امانت از میان تمام رویدادهای مهمی که این برج در تاریخ



» ممکن است هدف و تصور هر فرد از دوران بازنشستگی متفاوت باشد. بنابراین برنامه‌ریزی برای بازنشستگی برای هر فردی باید اختصاصی باشد.

تورم، رکود، فصل مالیات و نگرانی مردم درباره دوران بازنشستگی

قطع شود اثری مهم و جدی بر برنامه‌ریزی حساب بازنشستگی خواهد گذاشت و ممکن است -به‌عنوان مثال- زمان مورد نیاز برای رسیدن به هدف سرمایه‌گذاری از ۲۵ سال به ۳۰ سال افزایش یابد.

چطور می‌توان روند مختل شده پس‌انداز بازنشستگی را جبران کرد؟ افراد بسیاری در طول یک یا دو سال گذشته به دلایل گفته شده از واریز به حساب‌های بازنشستگی بازماندند. بنابراین می‌توانند در سال‌های آینده یا به صورت یکباره و یا در چند نوبت به حساب بازنشستگی واریز کنند. لازم نیست این کار در یک نوبت و با واریز کل مبلغ صورت گیرد، بلکه می‌توان مبلغ مورد نیاز برای جبران کسری را به صورت ماهانه یا حتی هفتگی واریز کرد و در مدت یک یا دو سال به سید سرمایه‌گذاری بازگرداند. مهم‌ترین عامل در محاسبه بهره زمان است. درست است که نمی‌توان زمان را به عقب برگرداند اما می‌توان سرمایه‌گذاری را تمرین کرد تا به شکل یک عادت درآید.

می‌توانند در کوتاه‌مدت سود نسبتاً مناسبی را تضمین کنند اما در سال گذشته وضعیت بازارهای بورس چندان مناسب نبوده است.

در این تحقیق و نظرسنجی که از طریق اینترنت به انجام رسیده حدود ۴۴ درصد از افراد معتقدند برای بازنشستگی پول کافی خواهند داشت. این مقدار نسبت به سال ۲۰۲۰ حدود ده درصد کمتر شده است. به علاوه حدود ۷۴ درصد از شرکت‌کنندگان از شرایط فعلی اقتصادی ابراز نگرانی کرده‌اند. بالاتر رفتن توقع مردم از میزان سرمایه لازم برای دوران بازنشستگی نشان‌دهنده نگرانی آن‌ها از اقتصاد آینده است.

زمانی که مردم بیشتر حقوقشان را صرف اجاره یا بازپرداخت وام مسکن کنند و هزینه‌های زندگی اعم از قیمت کالاها و خدمات نیز رو به افزایش باشد طبیعی است که بودجه کمتری برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مالی مانند پس‌انداز در حساب‌های بازنشستگی باقی خواهد ماند. به علاوه کلید اصلی رشد حساب‌های بازنشستگی استفاده از مزیت بهره مرکب در سرمایه‌گذاری است. در صورتی که روند سرمایه‌گذاری حدود یک یا دو سال با اختلال همراه شده یا به کلی

در دوران بازنشستگی برای داشتن یک زندگی آرام و بدون نگرانی‌های مالی چقدر پس‌انداز یا درآمد لازم است؟ این سؤال است که بیشتر افراد هرچه به سن بازنشستگی نزدیک‌تر می‌شوند مکررتر از خود می‌پرسند. طبق تحقیقی که به وسیله بانک مونترال به انجام رسیده، به دلیل وقوع تورمی که در دهه‌های گذشته بی‌سابقه بوده، روز به روز به افرادی که نسبت به دوران بازنشستگی و حفظ حداقل توانایی مالی در آن دوران بدبین هستند افزوده می‌شود.

بر اساس این گزارش و نظرسنجی انجام شده، کانادایی‌ها معتقدند برای داشتن یک دوران بازنشستگی راحت باید حداقل یک میلیون و هفتصد هزار دلار سرمایه اندوخت. این میزان در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۰ درصد کمتر بود. یعنی افراد معتقد بودند با یک میلیون و چهارصد هزار دلار می‌توان دوران بازنشستگی راحتی را سپری کرد. این بدین معنی است که تورم و خطر رکود باعث بدبینی افراد نسبت به آینده شده است. از سوی دیگر، عامل مهم در رشد سرمایه‌گذاری سودی است که به سبدها و حساب‌های سرمایه‌گذاری تعلق می‌گیرد. با وجود اینکه برخی از حساب‌ها



برای به حداکثر رساندن میزان بازپرداخت مالیات یا tax return می‌توان با یک حسابدار یا مشاور مالیاتی مشورت کرد.

کمی دقت در تنظیم اظهارنامه مالیاتی از مزایا و اعتبارهای مالیاتی مربوط به آن‌ها بهره‌مند شود و در نهایت آن مبلغی را که به صورت نقدی دریافت می‌شود دوباره برای حساب بازنشستگی سال بعد پس‌انداز کرد.

یکی از مواردی که می‌توان برای اعتبار و بازپرداخت مالیات به دولت اظهار کرد نگهداری از سالمندان یا کودکانی است که از مشکلات سلامتی یا روانی رنج می‌برند و نیاز به نگهداری فیزیکی دارند. در صورتی که فرد بتواند ثابت کند که یکی از اعضای خانواده خود یا همسرش، مانند پدر و مادر، فرزندان و حتی نوه‌ها نیاز به توجه و رسیدگی بهداشتی دارند می‌تواند به دولت اعلام کرده و از مزایای مالیاتی مربوط به آن برخوردار شود. مورد دیگر اظهار کار در منزل و استفاده از فضای خانه به عنوان دفتر کار است. برای این مورد نیاز نیست فرد حتماً خوداشتغال باشد و کارمندی که در طول سال به شکل دورکاری از منزل کار کرده‌اند نیز واجد این شرایط هستند. یکی دیگر از این موارد، اظهار کردن هزینه‌های مربوط به جابجایی و اثاث‌کشی است. مورد دیگر، ضرر و زیان حساب یا سبد سرمایه‌گذاری است. از آنجا که بازار سهام در سال ۲۰۲۲ در شرایطی بسیار نامساعد بود و سبدهای سرمایه‌گذاری زیادی در این مدت متحمل ضررهای سنگین شدند، اکنون زمان مناسبی است که ضرر و زیان سرمایه در اظهارنامه مالیاتی ثبت شود تا بتوان اعتبار یا بازپرداخت مالیاتی را به حداکثر رساند.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری گلوبال نیوز، سی‌تی‌وی و ژورنال دومونریال

را بین ۶۵ تا ۷۰ سال در نظر گرفته و امید به زندگی را نیز بین ۸۵ تا ۹۰ سالگی پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین فرد پس از بازنشستگی بین ۲۰ تا ۲۵ سال به زندگی ادامه خواهد داد و با توجه به اینکه در این مدت درآمدی به جز پس‌انداز و اندک کمک دولتی نخواهد داشت باید محاسبه کرد که با احتساب تورم سالانه و سود سرمایه‌گذاری، چه میزان هر سال باید به این حساب واریز کرد تا در سن بازنشستگی به میزان هدف رسید. به علاوه هزینه‌های درمانی و نگهداری سالمندان نیز باید در این برنامه‌ریزی مالی در نظر گرفته شود. با انجام این محاسبات خواهیم فهمید فرد از امروز چه میزان در سال -یا در ماه- باید پس‌انداز کند تا در سن بازنشستگی به هدف سرمایه‌گذاری نزدیک شود.

چطور می‌توان اعتبار یا بازپرداخت مالیات را به حداکثر رساند؟

حال که تورم و خطر رکود بر اقتصاد کشور و تقریباً همه اقشار جامعه سایه افکنده، بهتر است با دقت و به‌کارگیری توصیه‌های کارشناسان بتوان اظهارنامه‌های مالیاتی را به بهترین شکل تنظیم کرد و در آخر به جای پرداخت مالیات مبلغی از دولت به شکل اعتبار مالیاتی و حتی بازپرداخت نقدی دریافت کرد. یک مثال خوب از این دسته اعتبار یا کردیت مالیاتی مربوط به مالیات کالا و خدمات GST/HST است که به صورت خودکار و براساس درآمد خانواده برای همه افراد محاسبه و در صورتی که شرایط فراهم باشد به صورت نقدی به شهروندان باپرداخت می‌شود. اما به غیر از این مورد، موارد دیگری نیز هستند که فرد می‌تواند با

سررسید واریز به حساب پس‌انداز بازنشستگی تا انتهای فوریه

حساب پس‌انداز بازنشستگی RRSP که توسط دولت فدرال طراحی و برنامه‌ریزی شده است یکی از موثرترین راه‌ها برای کاهش میزان مالیات و افزایش راندمان پس‌انداز به صورت معاف از مالیات تا سن ۷۱ سالگی است. هر اندازه که در این حساب واریز شود دولت برای محاسبه مالیات به همان مقدار از درآمد همان سال کم خواهد کرد. یعنی اگر فردی ۵۶ هزار دلار در سال ۲۰۲۲ درآمد داشته و ۶ هزار دلار به این حساب واریز کرده باشد دولت برای محاسبه میزان مالیات بر درآمد سال ۲۰۲۲، آن را ۵۰ هزار دلار در نظر می‌گیرد و به عبارت ساده، فرد در آن سال مالیات کمتری پرداخت خواهد کرد. در یک حساب بازنشستگی، فرد می‌تواند شکل‌های متفاوتی از سرمایه‌گذاری -اعم از حساب تضمین شده، حساب پس‌انداز مدت‌دار، سبدهای سهام و غیره- را به صورت همزمان در اختیار داشته باشد و با توجه به برنامه‌ریزی بلندمدت مالی از سود انواع این سبدهای سرمایه‌گذاری به صورت معاف از مالیات بهره‌مند شود. سررسید واریز پول برای هر سال مالیاتی در این حساب تا انتهای ماه فوریه سال بعد است. بدین معنی که به منظور واریز پول به حساب RRSP برای سال ۲۰۲۲ تا انتهای ماه فوریه سال ۲۰۲۳ فرصت باقی است.

چه میزان سرمایه برای گذراندن دوران بازنشستگی کافی است؟

میزان سرمایه لازم برای گذراندن یک دوره بازنشستگی راحت و بی‌دغدغه ممکن است عددی بزرگ باشد. تا مدت‌ها در اذهان مردم این عدد حدود یک میلیون دلار بود ولی به مرور زمان و با تغییر متغیرهای اقتصادی مانند تورم این عدد رفته رفته بزرگ‌تر شد. اما باید به یاد داشت که این عدد برای هر فرد نسبت به انتظاراتی که از دوران بازنشستگی دارد متفاوت است. به عبارت دیگر برای هر فرد این عدد متفاوت است. ممکن است تصور یک فرد از دوران بازنشستگی تنها یک زندگی آرام و ساکت در منزلی کوچک باشد و برای فردی دیگر داشتن خانه‌های بزرگ و مسافرت‌های توریستی از شروط غیر قابل مذاکره در برنامه‌ریزی مالی باشد. بنابراین، به همین نسبت عدد نهایی حساب بازنشستگی می‌تواند بزرگ یا کوچک باشد. نحوه محاسبه ارزش سرمایه در زمان بازنشستگی برای افراد مختلف و بر اساس اهداف آن‌ها در زمان بازنشستگی متفاوت است اما یک روش کلی برای این منظور وجود دارد. در این روش سن بازنشستگی

Marche RS

MARKET



1.99\$

JUICE 1&1

EACH



4.99\$

ALMOND SLICE



4.99\$

WALNUT AVANTINA
CALIFORNIA



5.99\$

WHOLE CHICKEN



با خیال راحت خرید کنید!

در وست آیلند افتتاح شد
فروشگاه بزرگ مواد غذایی ایرانی و افغانی

تخفیف‌های ویژه به مناسبت گشایش

514-675-1499



15400 boul de Pierrefonds, Montreal, H9H 4K3



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.aufoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099

8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

رکسان صمیم

RE/MAX Platine
Agence Immobilière

Cell: 438-397-3212

مشاور املاک مسکونی

با آشنایی کامل به مونترال و حومه
خدمات کامل را برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش

Roxanne Sameem

Residential Real Estate Broker

Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6

Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 600 3691

www.riahipharma.com info@riahipharma.com

نوشتن نسخه

درمان داروهای خاص و تزریق

واکسیناسیون

تست‌های پزشکی

مشاوره درمانی

دریافت نسخه

از طریق سیستم تلفن همراه

دسترسی آنلاین

به پرونده پزشکی و سایر مدارک

انستال پرونده

مدیریت و نگهداری مدارک



جامعه

- نگاهی به زمینه‌های تاریخ زلزله‌سختی در ایران
- آیا کبک و مونترال برای مواجهه با یک زلزله بزرگ آمادگی دارند؟
کارشناسان تردیدهای جدی دارند
- کمک به مرگِ خودخواسته برای بیماران روانی به تعویق می‌افتد

سلامتی
جامعه

نگاهی به زمینه‌های تاریخ زن‌ستیزی در ایران

بخش ۱ از ۳



افرادی اعطاء می‌کند تا از آن بهره‌مند شوند مانند حق مالکیت، حق نفقه، حق حضانت، حق تحصیل، حق آزادی، حق بیمه، حق رأی و ... که اگر زنان به عنوان شهروندان عادی به رسمیت شناخته شوند باید از کلیه حقوق ذکر شده برخوردار گردند.»

چه بسا عدم قبول تساوی حقوق زن و مرد بخاطر آگاهی مردان سنت‌گرا، از این امتیازات بوده که مانع رشد و پیشرفت توانمندی‌های زنان و شرکت آنان در قبول مسئولیت‌های جامعه بوده است. خلیل خاوری در کتاب «خانواده موفق» می‌نویسد: «کاملاً مشخص است که فقدان پیشرفت و مهارت زن به سبب محرومیت او از فرصت و تربیت مساوی بوده است اگر به او این تساوی عنایت شده بود، تردیدی نیست که در قدرت و قابلیت هم‌تراز مرد می‌شد.»

با توجه به نکات بالا تلاش‌هایی از اوایل قرن بیستم برای احقاق حقوق زنان صورت گرفته بعضی کشورها در این امر پیشقدم بوده قوانینی تدوین نموده‌اند که در آن حقوق مساوی به زنان اعطا گردیده، اما بعضی دیگر در نیمه راه و اکثر کشورهای شرقی هنوز در اوایل مسیر طی طریق می‌نمایند. به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان «حقوق زن یکی از مهم‌ترین رشته‌های حقوقی بشر است و بررسی وضعیت حقوقی زنان در هر اجتماعی

زنان نباید از آن عبور کرده، با هرگونه تلاشی برای بیداری زنان مخالفت و با عناوین مختلف تلاش‌ها را سرکوب نمودند، چرا که این روند خطر تقسیم قدرت و اشتراک مسئولیت با زنان را دربرداشت. زنان پیشرو برای گرفتن حقوق نداشته خود به مبارزه پرداختند و هم‌زمان سعی در برطرف نمودن بی‌سوادی و کسب مهارت‌های علمی و اجتماعی در قشر زنان نمودند تا قابلیت‌های لازم را جهت مشارکت در امور را بدست آورند. با نگاهی به مفهوم حق می‌توان متوجه احساس این خطر در جامعه مردان شد: «اگر توجه کنیم که هر حق در عمل وظیفه و تکلیفی را مطرح می‌کند، بنابراین، توسعه هرگونه آزادی از طریق به رسمیت شناختن حق یا حقوقی، آزادی را بخاطر وظایف و تکالیف تازه محدود می‌سازد.» این تعریفی است که هوشنگ خضرائی در کتاب مقدمه‌ای بر اصول روحانی و اجتماعی.

ضیاء بشارتی در کتاب «حقوق زن در ادوار مختلف» تعریفی دیگر از حقوق را ارائه می‌دهد: «حقوق عبارت از مجموع مقرراتی است که بر افراد یک جامعه، در زمان معینی حکومت می‌کند. البته حقوق معانی و مفاهیم دیگری هم دارد و آن عبارت از مجموع حق یعنی حق‌ها است ... حق، امتیاز و توانائی خاصی است که قانون به فرد یا

زن ستیزی چیست و چرا قرن‌ها تلاش شد تا زنان در پستوی خانه‌ها بمانند؟ پاسخ این سؤال را باید در تاریخ جستجو نمود. باید به دنبال پاسخ این سوال بود که چرا زن به حاشیه رانده و در زمره دیوانگان و مجرمان به تقصیر قرار داده شد تا با تلقین و پذیرش چنین عقیده‌ای توسط خود او، حتی در ذهن نیز حقوقی برای خود مطالبه ننماید. از آن فراتر حق اعتراض نیز از وی سلب شد تا مردان آزادی بی‌حسابی خود را از دست ندهند. در طول زمان، مباحثات و مبارزات زیادی راجع به حقوق زنان انجام گرفته. قدرت گرفتن بیش‌ازپیش جامعه مردسالار، به حاشیه رانده شدن و محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی زنان را به دنبال داشت. این روند زنان را در خانه محصور و در مقابل، تصمیم‌گیری‌های کلان درباره کلیه امور اجتماعی برای آحاد جامعه را به مردان محول نمود.

با گذشت زمان زنان خود را در حصار از محدودیت‌های ناشی از چنین تقسیم کاری مشاهده نمودند و برای رهایی و بهبود موقعیت خود تلاش نموده تا با مشارکت و دخالت در امور اجتماعی، تغییری در اوضاع به وجود آورند. اما چون بنابر باورهای سنتی جامعه مردسالار آن روز، تساوی حقوق بین زن و مرد خط قرمزی بود که

بهترین شاخص برای سنجش وضعیت حقوق بشر در آن اجتماع است.»

به عبارت ساده‌تر اگر زنان در یک کشور در وضعیت مطلوب باشند این امر نشانگر این است که حکومت آن به موازین حقوق بشر پایبند است زیرا حقوق بشر هرگونه تبعیض را براساس جنسیت نفی می‌نماید.

حتی بسیاری از حقوقدانان پا را از این هم فراتر نهاده و گفته‌اند حقوق زن همان حقوق بشر است به عبارت دیگر همانطور که ضیاء بشارتی در کتاب «حقوق زن در ادوار مختلف» نوشته: «حقوق زن نمی‌تواند از حقوق بشر تفکیک پذیرد و این بدان علت است که حقوق بشر بر حقوق بنیادین انسان‌ها نظر دارد و حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی افراد را صرفنظر از جنسیت، مذهب، رنگ، نژاد، جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان مورد تاکید قرار می‌دهد.»

اما راستی چرا در طول تاریخ بشر حقوق زنان محدود و محدودتر شده است؟

اولین رید Evelyn Reed در کتاب «آیا سرنوشت زن را ساختمان بدن او تعیین می‌کند؟» می‌نویسد: «اغلب توجیه‌گران شرایط موجود، علت وجودی جایگاه فرودستی زنان را امری طبیعی و نشأت گرفته از ساختار بدن زنان می‌دانند. آنان که سعی دارند با تکیه بر علوم جدید به توجیه شرایط موجود بپردازند، حتی تئوری‌هایی هم سرهم و بعضاً جایگاه خود را در چارچوب نظام آموزشی موجود تثبیت کرده‌اند». مری آلیس واترز، Mary-Alice Waters از صاحب‌نظران شاخص و محققان برجسته محبت فمینیسم، به بررسی ریشه‌های تاریخی و اجتماعی ستم‌کشیدگی زنان می‌پردازد. نویسنده در کتاب «فمینیسم و جنبش مارکسیستی» وضعیت و جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان را در جوامع بدوی تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که «زنان در دوران مدرسالاری نقشی مرکزی در تولید و گرداندن اجتماع داشتند. سپس با پیدایش جامعه طبقاتی، مالکیت خصوصی، پیدایش خانواده و خانواده هسته‌ای به شکل کنونی آن، ساختار اجتماعی جدیدی جایگزین ساختار قدیمی شده که مبتنی بر بیرون راندن زنان از صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است.»

با این حال در طول زمان با وجود تعصبات ایدئولوژیکی و تبعیضات جنسیتی، بی‌اعتبار

ساختن زنان و کم‌اهمیت کردن علائق و تجربیات آن‌ها، چهره عوض کرده، و زنان توانسته‌اند در هر نقطه‌ای از جهان به فراخور مقتضیات محلی و یا بر اثر پافشاری‌ها، قابلیت‌های خود را در زمینه‌های علمی فرهنگی و هنری به منصفه ظهور رسانند و به موازات آن برای احقاق حقوق خود قدم پیش نهاده و مبارزه کنند. زنان در کشورهای شرقی در همین دوره، با وجود قوانین و رسم رسومات مذهبی دست‌وپاگیر استعدادات خود را نمایان ساخته حتی در امور سیاست و کشورداری و یا هنری آثاری از خود بجای گذارند. با وجود این زنان توانمند جامعه مردسالار تلاش خود را کرد تا جلوی حضور گسترده‌تر زنان را بگیرد. گوشه‌ای از این تلاش‌ها در عرصه ادبیات اتفاق افتاد. مثلاً «اهلی شیرازی» که از شاعران معروف قرن هجدهم است و درباره‌اش می‌نویسند عفت کلام را به نیکی پاس می‌داشته، در توهین به زنان چنین نوشته است: «چون زنی را رئیس ده کردی خلق ده را تمام رخصت ده.»

یا صائب تبریزی در یک بیت از یکی از غزلیات در تحقیر زن چنین سروده است:

قید عیال پست کند رأی مرد را / گهواره تخته‌بند کند پای مرد را

گاهی حتی نکات منفی درباره زنان پبچیده در ظاهر حکمت و پند ارائه شده و در لوای آن نویسنده و شاعر به قول خودش «شر زنانه» را مطرح کرده است. نمونه‌ها بی‌شمارند و خارج از گنجایش این مقاله. از زبان و قلم عالمان و شاعران قول‌های بسیاری صادر شده که مثال‌های بالا مشت نمونه‌ی خروار است. اینها بیانگر تلاشی است که صورت گرفته تا عقب نگاه‌داشته شدن زن در تاریخ توجیه شود و حتی در فرهنگ مردمان پذیرفته شود تا جایی که زنان خود نیز این فرهنگ را به عنوان باورهای خود پذیرفته‌اند. آموزش‌ها و «آموزه‌های اینچینی» به مرور زمان زمینه را برای پایمال نمودن حقوق زن، و هرگونه تجاوز و بی‌رحمی نسبت به او فراهم نموده است. در بررسی مسائل زنان ایران در قرون اخیر خانم بنفشه حجازی در اثر خود به نام «ضعیفه» مدارک متعددی ارائه کرده تا فرودست کردن زنان ایرانی را واضح‌تر نماید. او با ذکر اسناد متعدد در زمینه‌های مختلف، واقعیات اجتماعی و فرهنگی دوره مذکور را بیان کرده است. البته در همان زمان نیز زنانی، بویژه در خانواده‌های اشرافی و خانواده‌های اهل علم بودند که تحت آموزش سواد و هنر قرار گرفته در زمینه‌های علمی آن زمان و

سخنوری و هنر خطاطی و یا شعر آثار زیادی از خود بجای گذارده‌اند. حمیده رویدشتی اصفهانی، دختر مولانا محمود رویدشتی از شاگردان شیخ بهائی یکی از این زنان است. همسر شیخ بهایی، زن دانشمند و عالم و فقیه و محدث بود که از پدر او شیخ زین‌الدین منشار آملی چهار هزار کتاب ماند و به او رسید. از دیگر زنان عالم این دوره آمنه بیگم مجلسی است. او دختر محمد تقی مجلسی و خواهر ملا محمد مجلسی است. فاطمه کاشانی بدریه ملقب بهام کلثوم، ادیب بود و علوم و فلسفه را نزد پدرش ملا صدرا فرا گرفت. او سپس نزد همسرش درس خواند تا آنکه در اغلب علوم استاد شد. پریخان خانم دختر شاه تهماسب نیز جزو این دست از زنان عالم و دانشمند بوده است.

در زمینه ادبیات نیز با وجود تمام محدودیت‌ها زنانی بوده‌اند که به کار شاعری پرداخته‌اند. بیشتر این شاعران از همسران و دختران شاهان و بزرگان ایران بوده‌اند. تعدادی نیز از این زنان شاعر از افراد عادی بوده‌اند. تحقیق در این دوره نشان می‌دهد از سی تن زنان شاعر این دوره تقریباً تمامی آنها متعلق به دوران قبل از سال ۱۱۴۸ هجری قمری هستند. یکی از شاعران زن در این دوره آغا بیگم متخلص به آقایی، دختر مهتر قرایی خراسانی بود. پدرش در دربار محمدخان شیبانی از امرای خاندان شیبانی خدمت می‌کرد و خود نیز معاصر محمدخان بود. این مطلع را به نام او ثبت کرده‌اند:

ز هُشیاران عالم هر که را دیدم غمی دارد
دلا دیوانه شو دیوانگی هم عالمی دارد.

در سایر هنرها چون نقاشی و خطاطی نیز زنان نقش داشته‌اند. در همین دوران سیاه و سخت برای زنان می‌توان به چهره‌هایی برخورد کرد که حتی در جنگجویی نیز پا به عرصه میدان می‌نهادند و فرماندهی لشکر را به عهده می‌گرفتند. خانم بنفشه حجازی در اثر خود به نام «ضعیفه» تاکید می‌کند که «در همین دوران زن همچون کالا قابل معامله بود به منظور گرفتن حکومت ولایتی و یا برقراری صلحی و یا شکست در جنگ و یا سایر موارد این زنان بودند که بدون هیچ اختیاری مورد معامله قرار گرفته و یا در موارد بدتر اسیر گردیده و یک روزه تمام جاه و مقام خویش را از دست می‌دادند. بدیهی است با چنین نگاهی طبقات پائین اجتماع وضعیت بدتری داشتند.» / ادامه دارد.



آیا کبک و مونترال برای مواجهه با یک زلزله بزرگ آمادگی دارند؟ کارشناسان تردیدهای جدی دارند

تأثیر احتمالی زمین لرزه بر اقتصاد کبک
مطالعات نشان می‌دهد که یک زمین لرزه با شدت بالا اثرات بسیار مخربی بر اقتصاد کبک خواهد داشت به خصوص اگر در نزدیک یک مرکز شهری روی دهد. در واقع کبک در حال حاضر آمادگی لازم برای مقابله با یک زمین لرزه شدید را ندارد و چنین اتفاقی می‌تواند علاوه بر تلفات انسانی، خسارات مادی سنگینی هم به بار آورد. این وضعیت تا حدی ناشی از این واقعیت است که خطر وقوع چنین زمین لرزه‌ای در کبک به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود و به همین علت تدابیر مرتبط با مدیریت خطرات کافی و آن‌طور که باید کارساز نیست.

برنامه La Grande Secousse یک طرح تمرینی شهروندی است که هدف آن افزایش آگاهی عمومی در مورد خطرات زلزله و اقداماتی است که در صورت وقوع چنین رویدادی باید انجام شود. تمرین «زلزله بزرگ» به منظور تشویق سازمان‌ها و افراد برای بازنگری و به‌روزرسانی طرح واکنش اضطراری و تجهیزات حیاتی برای محدود کردن خطر مرگ و صدمات ناشی از زلزله تهیه شده است. این تمرین هر سال در ماه اکتبر برگزار می‌شود.

با مراجعه به لینک این رویداد <https://www.grandsecousse.org/> ثبت‌نام کنید و بیستم اکتبر آینده ساعت ۱۰:۲۰ به همراه هزاران نفر دیگر در کبک، با تمرین ۳ حرکت ساده (بر روی زمین بنشینید، سر خود را با دست یا بازو بپوشانید و تا پایان زلزله در همان حالت باقی بمانید) به رویداد بین‌المللی آمادگی برای زلزله بپیوندید.

منبع: پایگاه اینترنتی ژورنال دو مترو

آیا کبک و مونترال از خطر زمین لرزه مصون هستند؟

بر خلاف تصور رایج، استان کبک از خطرات زمین لرزه در امان نیست. هر ساله حدود ۴۰۰ زمین لرزه شرق کانادا را می‌لرزاند و بسیاری از آن‌ها در استان کبک و به‌ویژه در سه منطقه لرزه‌خیز اصلی استان یعنی شارلووا-کاموراسکا، غرب کبک و منطقه به-سن-لوران-کوت-نورد ثبت می‌شود.

زمین لرزه‌های بزرگ معمولاً در این مناطق اتفاق می‌افتند و پنج زمین لرزه قوی به بزرگی بیش از ۶ درجه در مقیاس ریشتر در این مناطق ثبت شدند:

۲۰۱۳: شاوویل، ۵.۲ ریشتری

۲۰۱۰: ول-ده-بوا، ۵.۰ ریشتری

۲۰۰۵: شارلووا، ۵.۴ ریشتری

۱۹۸۹: اونگواوا، ۶.۳ ریشتری

۱۹۸۸: سگنه، ۵.۹ ریشتری

به گفته کارشناسان، احتمال وقوع مجدد چنین زمین لرزه‌هایی در پنجاه سال آینده بسته به هر منطقه بین ۵ تا ۲۰ درصد است.

شانزدهم سپتامبر ۱۷۳۲ زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵.۸ در نوول فرانس یا فرانسه نو رخ داد و لرزش‌های آن در مونترال احساس شد. این زمین لرزه باعث خساراتی مانند فروریختن دودکش‌ها، شکاف در دیوارها شد و در مجموع ۳۰۰ خانه آسیب دیدند. ۱۸۵ ساختمان نیز بر اثر آتش‌سوزی‌های بعد از زلزله تخریب شدند؛ اما این زلزله تلفات جانی نداشت. این یکی از زلزله‌های بزرگی است که در ناحیه لرزه‌خیز غرب کبک رخ داده است.

هر بار که زمین لرزه‌ای مهیب و مرگبار در جهان رخ می‌دهد، در کانادا نیز مثل دیگر کشورها سوالات و نگرانی‌ها درباره وقوع زمین لرزه بزرگ و میزان آمادگی برای مقابله با چنین رویدادی مطرح می‌شود. برخی از کارشناسان معتقدند که در صورت وقوع زمین لرزه بزرگ در مونترال، نهادهای این شهر آمادگی لازم برای واکنش سریع، مقابله با پیامدهای آن و محدود کردن تلفات آن را ندارند.

دکتر جوآن لیو، استاد دانشکده جمعیت‌شناسی و بهداشت جهانی دانشگاه مک گیل که در زمینه بیماری‌های همه‌گیر و شرایط اضطراری تخصص دارد، می‌گوید: «اگر زمین لرزه‌ای شدید اتفاق بیفتد و ظرف چند ثانیه هزاران کشته و مصدوم بر جا گذارد، هیچ‌کس آمادگی مواجه شدن و واکنش نشان دادن به آن را ندارد. امیدوارم هرگز چنین اتفاقی برای مونترال نیفتد؛ زیرا به شدت همه را دچار دردسر خواهد کرد و کمبود بسیاری از تجهیزات از جمله بیل‌های مکانیکی احساس خواهد شد.»

دکتر لیو که پیش‌ازاین رئیس سازمان غیردولتی پزشکان بدون مرز بوده است، به‌دشواری و پیچیدگی سازمان‌دهی اقدامات مقدماتی و کمک‌های اولیه که باید پس از یک فاجعه بزرگ مثل زلزله اخیر سوریه و ترکیه به اجرا گذاشت، اذعان کرد.

هر ساله کمیسیون زمین‌شناسی کانادا بیش از هزار زمین لرزه را در غرب کانادا ثبت می‌کند. سواحل اقیانوس آرام زلزله‌خیزترین منطقه در کانادا است. منطقه‌ای در سواحل غربی جزیره ونکوور در ۷۰ سال گذشته بیش از ۱۰۰ زمین لرزه با بزرگی ۵ ریشتر یا بیشتر را تجربه کرده است.



کمک به مرگ خودخواسته برای بیماران روانی به تعویق می‌افتد

نخستین بار در سال ۲۰۱۶ برای کانادایی‌هایی که از آسیب‌های جسمی و بیماری رنج می‌برند به تصویب رسید. در سال ۲۰۲۱، پس از آن که دادگاه کبک این قانون را محدودکننده اعلام کرد، دولت فدرال ناچار شد تا تغییراتی را در قانون ایجاد کند. حکم دادگاه عالی کبک در سال ۲۰۱۹ اعلام داشته بود که محدود کردن MAiD به کسانی که مرگشان به طور منطقی پیش‌بینی‌پذیر است، خلاف قانون اساسی است.

در آغاز دولت هیچ برنامه‌ای برای واجد شرایط اعلام کردن کسانی که تنها بیماری زمینه‌ای آنها بیماری روانی است نداشت، ولی سنا ماده‌ای را به این قانون افزود با این استدلال که استثنا کردن افراد مبتلا به بیماری روانی حق آنها را برای رفتار برابر نقض می‌کند.

مقامات فدرال گفته‌اند تأخیر یک ساله نیاز است تا دولت بتواند استانداردها را تعیین کند و آموزش‌های پزشکان و پرستارانی که این قانون را اجرایی می‌کنند، به اتمام برساند.

کار روی این استانداردها سال گذشته آغاز شده و کانادا قصد دارد ماه آینده آنها را منتشر کند تا به نهادهای نظارتی استانی و منطقه‌ای امکان بررسی دهد تا آنها نیز تعیین کنند که چگونه این استانداردها را تفسیر و در قوانین خود می‌گنجاند. گفتنی است که اطلاعات رسمی درباره‌ی شمار کانادایی‌ها که در سال ۲۰۲۲ از قانون MAiD بهره برده‌اند هنوز منتشر نشده است، ولی مقامات فدرال پنج‌شنبه اعلام کردند که حدود ۵۰۰ نفر از کانادایی‌هایی که مرگشان پیش‌بینی‌پذیر نبود، از این کمک برخوردار شده‌اند.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری گلوبال نیوز

مرگ طبیعی‌شان نزدیک و پیش‌بینی‌پذیر است، حفاظت‌ها بسیار سختگیرانه است.

لامتی گفته است که این اطمینان را دارد که این لایحه‌ی به تعویق انداختن MAiD تصویب خواهد شد، چرا که از حمایت نومکرات‌ها و بلوک کبکوا برخوردار است. او همچنین از محافظه‌کاران و دیگر نمایندگان مجلس خواسته است که از این لایحه حمایت کنند.

این موضوع، پنج‌شنبه، بحث‌هایی را در مجلس عوام برانگیخت، به ویژه زمانی که پیر پوالیور، رهبر محافظه‌کاران، نگرانی‌اش را از افزایش شمار کانادایی‌ها که افزایش هزینه‌ها آنها را فقیرتر کرده، اعلام داشت. او گفت که این کانادایی‌ها اینک از افسردگی رنج می‌برند.

او به جنجال‌هایی اشاره کرد که از جمله‌ی آنها نگرانی‌های مدیر بانک غذای میسیساگا بود که گفته بود مردم به مرکز او می‌آیند و در مورد کمک گرفتن برای مردن از او سئوالاتی می‌پرسند.

پوالیور گفت که اکنون لیبرال‌ها می‌گویند که یک سال دیگر اقداماتی را برای پایان دادن به زندگی افسرده‌ها ارائه خواهند کرد.

او افزوده که لیبرال‌ها باید به جای پایان دادن به زندگی به درمان افسردگی بپردازند و به مردم امید به زندگی بهتر بدهند.

کارولین بنت، وزیر بهداشت روان و اعتیاد، این برداشت از MAiD را به شدت نکوهیده و آن را غیر مسئولانه و نادرست خوانده است.

بنت گفته که کسانی که در این برنامه خدمت خواهند کرد به خوبی آموزش دیده‌اند تا افرادی که قصد خودکشی دارند در این برنامه جایی نداشته باشند.

گفتنی است، گرفتن کمک پزشکی برای مردن،

دولت کانادا لایحه‌ای را ارائه کرده تا امکان اتانازی (مرگ با کمک پزشکی) را برای کسانی که مبتلا به اختلالات روانی‌اند تا سال آینده (۱۷ مارس ۲۰۲۴) به تعویق بیندازد.

وزیر دادگستری، دیوید لامتی، که این لایحه را ارائه کرده است، در دسامبر گذشته گفت که چون سیستم مراقبت‌های بهداشتی - درمانی برای چنین اقدامی آمادگی لازم را ندارد، به دنبال به تأخیر انداختن این برنامه هستیم.

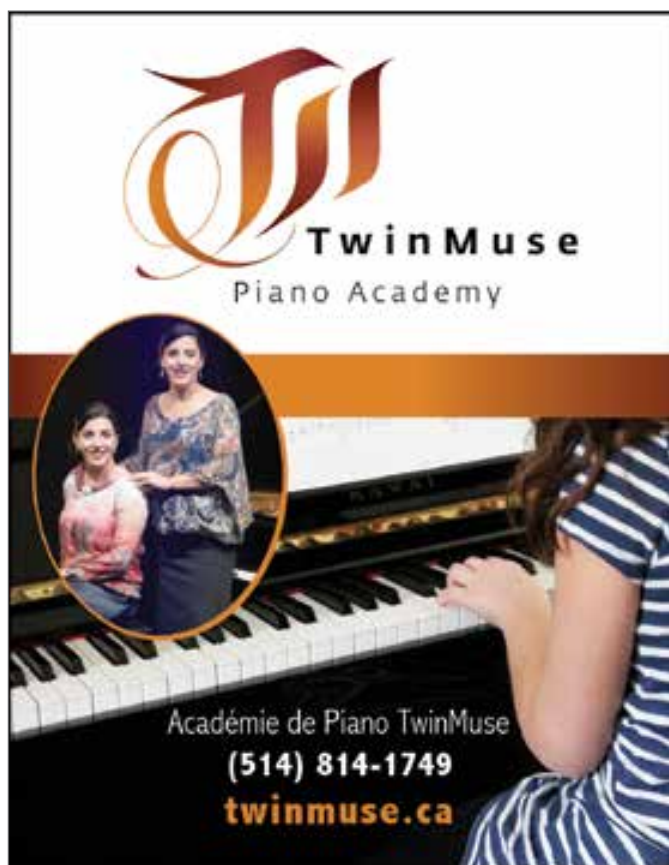
لامتی، پنج‌شنبه، اعلام داشت که زمان بیشتری برای آمادگی نیاز است و تأخیر پیشنهادی یک ساله برای اطمینان از پیشبرد این موضوع حساس و پیچیده، آن هم به روشی محتاطانه و سنجیده، ضروری است.

گفتنی است که این برنامه قرار بود که در ماه مارس اجرایی شود.

لامتی توضیح داده که افرادی که درگیر این کمک‌رسانی پزشکی بودند این آمادگی را داشتند که در ماه آینده این برنامه اجرایی شود، ولی برخی استان‌ها و نیز نهادهای نظارتی به زمان بیشتری برای آماده شدن نیاز داشتند و این تأخیرها نیز تا حدی به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ بوده است. او خاطر نشان کرده است که ایمنی کانادایی‌ها باید در اولویت باشد و از همین جهت است که ما زمان بیشتری برای آماده‌سازی نیاز داریم.

گفتنی است که اگر لایحه‌ی ارائه شده‌ی دولت تا ۱۷ مارس به تصویب نرسد این قانون که MAiD نام دارد و به مبتلایان به بیماری روانی امکان کمک پزشکی گرفتن برای مرگ را می‌دهد، اجرایی خواهد شد.

گفتنی است که MAiD برای کسانی است که مرگ آنها پیش‌بینی‌پذیر نیست، ولی برای کسانی که



توین میوز
Twin Muse
Piano Academy

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net

https://t.me/ottawaradio
@namaashoum_radio

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjallizadeh@yahoo.ca 514-549-4697



• تقویت مردسالاری پس از طالبان و افزایش خشونت بر زنان

• نگاهی به «میدانِ نبرد»، اثر ولید پوپل و زخم‌های یک سرزمین

آریانا
مقاله
گزارش



تقویت مردسالاری پس از طالبان و افزایش خشونت بر زنان گزارشی از کابل

شود. از طرفی در جوامعی که مردسالاری رایج است، زنان از قدرت بیش از حد مردان به ستوه آمده و می‌خواهند؛ با مردسالاری مبارزه کنند. آگاهی از معایب و مزایای مردسالاری به افراد کمک می‌کند تا گام مهم در جهت مقابله و یا به تعادل رساندن آن بردارند.»

خانم صدف می‌افزاید: «مردسالاری یعنی اعتقاد به برتر بودن جنس مرد نسبت به زنان و قرار گرفتن و اهمیت دادن زنان در درجه دوم است. جوامع و خانواده‌های مردسالار، اکثر توجه و امکانات خود را در اختیار جنس مذکر قرار می‌دهند و به فراخور آن توقعات بیش از توان مردان دارند. تفکر مردسالاری مرد را قدرت اصلی خانواده، مسئول تمام تصمیم‌گیری‌ها و مسئول تأمین نیازهای دیگر اعضای خانواده می‌داند.»

به نظر خانم صدف مردسالاری؛ نه تنها به زنان صدمه می‌رساند؛ بلکه به جنس مرد نیز صدمه وارد کرده و او را برای اجرای همه اوامر زندگی تحت فشار قرار می‌دهد.

قسمی که قبلاً اشاره کردیم؛ در یک جامعه مردسالار زن حق درس و کار را ندارد. در اینجا وضعیت چند زن متضرر را بیان می‌داریم:

شهری ۲۵ ساله، تا پیش از فروپاشی حکومت به دست طالبان در دو مکتب در شهر مزارشریف آموزگار بود و درآمدی خوب داشت. او می‌گوید؛ با روی

باورهای مردسالارانه یکی از موانع اصلی فراروی زنان در راه آموزش و تحصیل آنان در کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود. این باورها قوی شدن زنان را امری خطرناک و مضر تلقی می‌نماید و همه سعی خود را در ایجاد محدودیت برای زنان می‌کنند. باورهای مردسالارانه در جامعه‌ای رشد و گسترش می‌یابد که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دچار عقب‌ماندگی باشند.

در افغانستان نیز از موانع عمده فرا روی زنان منع آموزش، حضور معنادار و سهم فعال زنان در اجتماع، باورهای مردسالارانه است. با وجود این، تأسف بار است که ایجاد محدودیت علیه زنان که ریشه در نگاه مردسالارانه دارد، رنگ و بوی دینی به خود بگیرد و به نام اسلام و ارزش‌های اسلامی تبلیغ و ترویج شود.

وضع محدودیت طالبان برای زنان نه تنها بر حضور زنان در اجتماع اثر کرده؛ بلکه در یک سال و نیم گذشته سبب تقویه باورهای مردسالاری شده و تبعیض جنسیتی را افزایش داده است.

در قدم نخست بهتر است بدانیم مردسالاری چیست؟ سومن «صدف» دانشجوی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه کابل که اکنون خانه‌نشین است؛ در باره اینکه مردسالاری چیست به هفته‌چنین ابراز نظر کرد: «مردسالاری به معنای افزایش بیش از حد قدرت و مسئولیت‌های مردان در جامعه می‌باشد. این موضوع برای مردان فشار و استرس زیادی را به همراه دارد و می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات



دانسته می‌شود نیز بازار ندارد. پیمان: «در نگرهار زنان از آموزش بازداشته می‌شوند و اجازه‌ی کار در بیرون را ندارند.»

فاطمه، خبرنگار می‌گوید که هرچند اوضاع زنان اندکی بهتر است؛ اما همچنان فقر و بیکاری زنان را زمین‌گیر کرده است. «در بلخ زنان حق آموزش را داشتند؛ اما با وجود فقر فراگیر، برای زنان کار نیست.»

به گفته‌ی او و شماری دیگر، زنان اما به دلیل ترس از اجتماع تحت تسلط طالبان از انجام وظیفه بازداشته شده‌اند.

افزون به گسترش فقر در بین زنان، خشونت در اثر فقر نیز افزایش یافته است. زنان می‌گویند که به دنبال تسلط طالبان و با بدتر شدن اوضاع اقتصادی حتا در داخل خانه‌هایشان مورد خشونت قرار گرفته و می‌گیرند.

صهبا، تا پیش از فروپاشی حکومت جمهوری نرس قابله بود. اما حالا خانه‌نشین است. او می‌گوید: «در آن زمان خودم کار می‌کردم. شوهرم هم نیز کار می‌کرد. شوهرم مدیر در یکی از مکاتب شخصی بود. زندگی ما بسیار خوب بود. اما با سقوط نظام جمهوری هر دوی ما کار را از دست دادیم و از مخارج خانه قرض‌دار شدیم و به زندگی مشترک رو آوردیم. اکنون به این دلیل با انواع آزار و اذیت مواجه هستیم.»

خانم صهبا چند سال قبل با خانواده‌ی خسرش زندگی می‌کرد و زمانی که استقلالیت اقتصادی یافتند؛ زندگی مستقل را آغاز کردند. ولی با آمدن طالبان و خراب شدن اوضاع اقتصادی حالا دوباره با خشو و خسرش زندگی می‌کند، اما به گفته‌ی خودش به دلیل نبود جا با مشکل مواجه‌اند و آنجا را به مقصد خانه پدرش ترک خواهند کرد تا با والدینش یکجا زندگی کنند. این کار نیز به گفته‌ی او سبب بهتر شدن زندگی‌اش نشده است. او تأکید می‌کند که وضع موجود او را از زندگی‌اش کاملاً بیزار کرده است.

زن دیگری به اسم رعنا می‌گوید که فقر موجب تمام بدبختی‌هاست. رعنا: «کار که نبود اقتصاد هم نیست و همه چیز درهم‌وبرهم است و هر روز جنگ و دعوا در خانه رخ می‌دهد. خداوند هیچ زن و مرد را بیکار نکند خصوصاً مردان را...» زنان همچنان از بهره‌کشی و کاری اجباری توسط طالبان شاکی‌اند و می‌گویند که افزون بر دیگر مشکلات، جنگجویان طالب آنان را به کار بدون مزد وادار

می‌کنند.

زهرآ، باشنده‌ی ولایت میدان وردک به هفته می‌گوید: «طالبان با تهدید مجبور می‌کنند تا لباس‌هایشان را بشویم و برایشان سه وقت غذا تهیه کنیم.»

زهرآ با شوهرش تا پیش از فروپاشی نظام در کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی کار می‌کرد. بعد از آنکه نتوانستند از افغانستان خارج شوند، به اطراف میدان وردک پناه بردند. جنگجویان طالبان اما در بدل اختفایشان از آن‌ها غذا و باج می‌خواهند.

با آنکه موارد خشونت علیه زنان و قتل زنان در جامعه مردسالاری مانند افغانستان پیش‌از این نیز زیاد بوده است؛ اما اکنون گزارش‌ها می‌رساند که با تسلط طالبان، زن‌کشی و خودکشی زنان در این کشور شدیداً افزایش یافته است.

در کنار این موارد، روان‌شناسان و فعالان حقوق زن می‌گویند که به دنبال تسلط طالبان و وضع شدن محدودیت‌ها در برابر زنان، زنان بیشتر مبتلا به بیماری‌های گوناگون روانی شده‌اند.

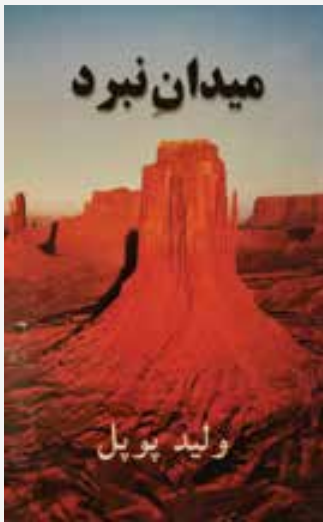
نسیمه، فعال حقوق زن می‌گوید: «وضع محدودیت‌ها در برابر زنان، بیکاری و فقر شماری زیادی از زنان را روانی کرده است.»

مدینه مددجو که به‌عنوان مأمور در حکومت اشرف غنی کار می‌کرد نیز می‌گوید که او دچار افسردگی شدید شده است؛ اما دستی نیست که کمکش کند: «من نیاز به داکتر روان‌شناس دارم، اما توان تأمین هزینه‌ی آن را ندارم.»

یاسمین، آموزگار در یکی از کورس‌های خصوصی شهر کابل است. او می‌گوید که با کم‌شدن معاشش و بیکاری شوهرش، توان تأمین نیازهای تنها فرزندش را ندارد و این مسأله او را روانی کرده است. یاسمین: «۴۰ درصد معاشم کاهش پیدا کرد. حالا نمی‌توانم نیازهای اساسی امرا تأمین کنم. بنا افسرده و روانی شده‌ام.»

روان‌شناسان تأکید می‌کنند که سلب آزادی افراد، بیکاری، فقر، ناامنی و مهاجرت سبب افزایش اختلالات روانی در بین مردم به‌ویژه زنان شده است.

نگاهی به «میدان نبرد» اثر ولید پوپل و زخم‌های یک سرزمین



درباره کتاب «میدان نبرد»

نام کتاب: میدان نبرد

نویسنده: ولید پوپل

طراحی و برگ آرایشی: پوپل

ناشر: انتشارات سعید

نوبت چاپ: چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰ خورشیدی

شماره‌گان: یک هزار نسخه

سرزمینی است به نام افغانستان! کشوری که میدان نبرد همه نیروهاست. حسرتا که آرزوها و امیدهای مردم ما برباد و کشور ویران شد. حق زنده‌گانی و تصمیم‌گیری در امور کشور از مردم افغان سلب گردید. اکنون سرنوشت ملت افغان را بیگانگان رقم می‌زنند. خاک افغانستان بازپچه جهان شده است.

جنگ در افغانستان در حقیقت نبرد قدرت‌های بزرگ است که آن جا را میدان مبارزه، زورآزمایی و آزمایشگاه سلاح‌های جنگی خویش ساخته‌اند. این که کجا ویران می‌شود، کی کشته و یا آواره می‌شود مشخص است. همین آشفته‌گی‌ها، دربه‌داری‌ها و آواره‌گی‌ها مسیر زنده‌گانی مردم مظلوم



کبرا رضایی، یکی از روان‌شناسان می‌گوید که از زمان روی کار آمدن طالبان آمار مراجعینی که دچار اختلالات روانی هستند، ۶۰ درصد افزایش یافته است: «در گذشته در هر ماه به گونه‌ی تقریبی ۱۰۰ تا ۱۵۰ مریض روانی داشتیم؛ اما در ماه‌های اخیر که بررسی کردم در هر ماه حدود ۲۶۰ تا ۳۰۰ مراجعه‌کننده نزد ما مراجعه می‌کنند.»

این در حالی است که با تحولات سیاسی، بسیاری مردم وظایفشان را از دست داده و خانه‌نشین شده‌اند و همچنان برای دختران بالاتر از صنف ششم نیز اجازه‌ی رفتن به مکتب داده نشده است.

عاقله خانمی که تحت حاکمیت طالبان زندگی می‌کند به هفته چنین می‌گوید: «تا همین چند سال پیش، عربستان سعودی از جمله معدود کشورهایی در جهان بود که قوانین سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیری را در حق زنان اعمال می‌کرد و زندگی آنان را محدود می‌ساخت و اجازه کار و فعالیت آزادانه به زنان نمی‌داد؛ اما مسوولان آن کشور بالاخره درک کردند که اجرای قوانین زن‌ستیزانه در حق زنان، بر علاوه اینکه ابروی آنها را در سطح جهان می‌برد و به شهرتش صدمه وارد می‌کند، برای بقا و پیشرفت جامعه‌شان نیز مضر است. این مساله را بخاطری یادآور شدم که اگر طالبان ممالک اسلامی را نمونه کارشان قرار می‌دهند حداقل از عربستان سعودی پند بگیرند و مانع رشد و کار و تحصیل زنان نگردند.»

خانم عاقله می‌افزاید: «در حکومت جمهوری سواد حیاتی بودم و در خانه‌ام صنف درسی داشتم و ۲۱ زن را که از داشتن دانش و سواد محروم بودند درس می‌دادم. با آمدن طالبان نه تنها مکاتب بلکه سواد حیاتی نیز به روی زنان بسته شد و من هم مانند دیگر معلم صاحب‌ها وظیفه‌ام را از دست دادم که این خود برایم مشکل اقتصادی و روانی را بار آورد. چون اغلب زنان منطقه‌ی ما به خانه‌ام می‌آیند و خواهش ایجاد صنف درسی را می‌نمایند؛ اما شوهرم از ترس اینکه مبدا اعضای امارت خبر شوند و او را به زندان بیاندازد؛ مانع فعالیت و درس‌دادم می‌گردد.»

با ابراز امتنان از خانم‌های که در این عرصه با ما حاضر به صحبت شدند. به همین منظور، ملک سلمان و پسرش بن سلمان تصمیم گرفتند تا این قوانین و مقررات را لغو کنند و برای ایجاد اصلاحات جدی در عرصه حقوق زنان، گام‌های عملی بردارند. پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک، زنان عربستان نقشی پررنگ در عرصه‌های مختلف این کشور بر عهده خواهند داشت. در این میان، موضوع عجیب این است که وقتی دستگاه سیاسی عربستان تصمیم به ایجاد اصلاحات گرفت، بسیاری از آن علمای مذهبی‌ای که در گذشته در وضع قوانین و مقررات زن‌ستیزانه نقش داشتند، اکنون که ورق برگشته در تأیید اصلاحات بن سلمان سخن می‌گویند.

افغان را تغییر و از روند پیشرفت و ترقی بدور ساخت. باز هم می‌گویند، کشور افغانستان عقب‌مانده و ... است!

با وجود این همه مشکلات و نابسامانی‌ها که دامن‌گیر مردم این سرزمین است، اما مردمش جرأت و توانایی خویش را از دست نداده در داخل و خارج از کشور بیشتر از پیش می‌کوشند تا مردم و سرزمین خویش را به جهانیان معرفی نمایند.

از کارها و فعالیت‌های ارزشمند مردمان مهاجر افغان در دیار غربت سخن می‌زنیم که همیشه دست آوردهای علمی، فرهنگی، ورزشی و ... به ارمغان دارند. یکی از رویدادهای فرهنگی را معرفی می‌کنیم که اثر جناب ولید پوپل است. این کتاب زبان گویای مردم رنج دیده، ستم کشیده و مظلوم افغان است که خاک‌شان میدان جنگ و زنده‌گی‌شان بازیچه بیگانه‌ها شده است، که نویسنده ارجمند در این کتاب با واژه‌های زیبا آن را قلم زده است.

شاعر، نویسنده، نقاش، آوازخوان، ممثل و ... هر کدام با شیوه و روش‌های منحصر به خودشان درد، رنج و مصیبت مردم افغان را بیان، مجسم، تمثیل و ابراز می‌نمایند. داستان هر افغان وطن‌پرست، جنگ‌زده و مصیبت رسیده غم‌انگیز و دردآور است، که درین اثر به نگارش آمده...

کوتاه درباره ولید پوپل

ولید پوپل در ۳۱ سرطان سال ۱۳۵۴ خورشیدی در ساحه دهبوری شهر کابل دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم نیک محمد پوپل، اهل قلم و نگارش و عضو آرشیف ملی بود.

ولید پوپل بعد از اتمام دوره ابتداییه در مکاتب محمود هوتکی و عبدالرحمان لودین وارد لیسه عالی حبیبیه شد. بعد از فراغت از لیسه مذکور شامل انستیتوت پولیتخنیک کابل رشته مهندسی گردید، که متأسفانه از اثر جنگ‌های داخلی کشور به خصوص «جنگ‌های کابل» و به قدرت رسیدن تنظیم‌ها قبل از رژیم طالبان مجبور به ترک وطن شد. بعد از مشقت زیاد به کشور پاکستان مهاجرت نمود. اولین گامی که در کشور بیگانه برداشت، شامل فاکولته علوم طبی سینا مدیکل کالج شد. بعد از دو سال قبل از فراغت تحصیل عازم کشور کانادا گردید. او فعلاً با خانم، پسرش هارون و دخترش سمر در شهر همیلتون ایالت آنتاریو کانادا به سر می‌برند.

آثار ولید پوپل:

ولید از آوان کودکی گرایش شدید به هنر و نویسندگی داشت. فقط چند سالی بیش نداشت که در برنامه‌های کودک به خواندن و به تشویق برادرش فرهاد پوپل به نوشتن داستان‌های کوتاه و وجیزه‌ها آغاز کرد. سرنوشت، نام اولین داستانش بود که به همت دوستان و هم صنفی‌های سینا مدیکل کالج شهر پیشاور پاکستان به شکل یک فلم کوتاه در سال ۱۹۹۷ به نمایش برای افغان‌ها درآمد.

میدان نبرد، دومین داستان کوتاه ولید پوپل به زبان دری در سال ۲۰۱۲ در کابل به نشر رسید. بعد در سال ۲۰۱۴ با ترجمه فصیح زبان پشتو در شهر جلال آباد به چاپ رسید. داستان کوتاه گرگ و بره سومین اثر ولید پوپل است.

معرفی کتاب میدان نبرد:

میدان نبرد اثر جالب و خواندنی‌ست که جنگ‌های داخلی و تهاجم ابر قدرت‌های جهان در افغانستان را بیان می‌کند. در شروع و بخشی ازین کتاب از نیروهای امریکایی مستقر در ولایت مشرقی افغانستان روایت شده، از جوان سیاه‌پوستی که عضو نیروهای دریایی امریکاست یاد می‌گردد که شهر جلال آباد را بسیار دوست داشت. او می‌گفت دیدن مردمان قدیفه بر شانه جلال آباد، بازارهایی که از هر گوشه آن آواز موسیقی افغانی، هندی و پیشاوری بلنداست با دکان‌های چیلی کباب‌پزی و شیرفروشی آن او را به وجد می‌آورد. بنابر دستور مقامات... برای حفظ امنیت مزارشریف در مراسم سال نو و میله نوروز با سی نفر که تجارب غنی داشتند، راهی مزار شدند، نه به عنوان یک قطعه نظامی بلکه به ظاهر کارمندان مووسسات بازسازی آن ولایت که دیوید و کرسیتینا هم جز آن گروه بود.

بخش دیگر: برگشت دوباره آن‌ها به پایگاه نظامی‌شان در منطقه غنی خیل، شهر جلال آباد - که حمله شدیدی بالای آن قرارگاه صورت گرفت و صدای رگبار پیهم ماشین‌دار و بم‌های دستی قیامتی برپا نمود.

نویسنده از زبان جنرال کلاودسن امریکایی خطاب به مردم مشرقی می‌گوید: ما القاعده و طالبان را کمک کردیم تا با در جنگ به کفر و الحاد و سیطره‌ی شوروی بر کشور شما بچنگند. حال که دشمن شما شده‌اند باید سرکوب شوند!

در ادامه آقای ولید پوپل پاسخ جنرال امریکایی را از زبان یک تن از سالمندان می‌گوید: جنرال صاحب مرض را شما آفریدید و حال از ما می‌خواهید واکسین آن را دریابیم؟ این کار برای خود شما آسان‌تر نیست؟ صدای دیگر بلند شد که می‌گفت: روس می‌رود پاکستان می‌آید، پاکستان می‌رود، ایران دست دراز می‌کند، ایران می‌رود، عرب می‌آید، القاعده می‌رود، الفایده و آمریکا می‌آید. بابا! دیوانه شدیم این مملکت است یا حمام عمومی.

دیگری گفت: می‌گویید برای آبادی افغانستان آمده‌اید پس چرا با توپ، تفنگ و طیاره؟ آیا کشور خود را نیز با همین وسایل آباد کرده‌اید؟ سی سال است که ما در راه منافع و سیاست‌های شما قربانی داده‌ایم، در سرزمین ما با شوروی جنگ دارید روز دیگر با القاعده و امروز با چین و ایران. این جنگ ملت افغانستان با کسی نیست جنگ شما با دیگران است. که ما و کشور ما پایمال آن شده‌ایم. تا کی می‌خواهید بر ما ظلم روا دارید؟

پیامی نویسنده در بخشی پایانی کتاب

جنگ با آتش می‌آغازد و با انبوهی از خاکستر پایان می‌یابد. عرصه‌ی که این تل بر آن انبوه شده است؛ سرزمینی‌ست به نام افغانستان! کشوری که میدان نبرد همه نیروهاست و در آن نمی‌توان تشخیص نمود کی با کی ست؟ کی چی می‌خواهد؟ کی باید امتیاز بدهد و کی باید امتیاز بگیرد؟ ولی آن چه معلوم است آنست که افغانستان میدان نبرد است و مردم آن باید تاوان آن را بپردازند. آرزوها خاک می‌شوند، امیدها به یأس مبدل می‌گردند، چهره‌ی فردا پیوسته به تاریکی بیشتری فرو می‌رود و جنگ هنوز هم ادامه دارد.

تدریس خصوصی Trading

• فارکس
• بورس
• ارز دیجیتال

مبتدی - حرفه‌ای
جلسه اول رایگان

سازگ (438) 220-1204

خاطره تعویلداری یکتا
مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

Spa Illusion
ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

**Artistic Men Haircut
by Sirous**

متخصص
مدل‌های هنری
برای آقایان

514-240 1493

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakshibakshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکیور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

TRUCK DRIVER

PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A
FULL-TIME JOB FOR MONTREAL.PLS. SEND YOUR
CV TO:

ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند:

ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
است.

نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی‌های متمول
دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

Hiring by: Family Care Services

Please contact Ms. Anna Lee

514-690-7005

Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

بیزنس برای فروش

خیاطی در منطقه ایرانی نورت یورک به فروش می‌رسد

416-918-9540



سرگرمی و خانواده

• حلیم گیاهی

• فال شما برای ۱۶ تا ۲۲ فوریه / ۲۷ بهمن تا ۳ اسفند

• عشق

خانواده
آشپزی
سرگرمی

				4		3		
3		6	2		5	9		
9	4			3		6		
1	5	7		8				2
			7	2	1			
8				4		7	1	6
		8		5			6	9
		4	6		3	1		7
	9		1					

▲ نرمال

7				5				2	1
3				9					
	4			1	8	7	5		
								3	
2			4	6	1				9
	9								
	3	6	1	4				8	
					5				6
1	8			7					5

▲ متوسط

			5			8			4
				2	4		8		
3				9					
9		2	3						8
	5			7					9
1					9	4			3
				2					4
		6		3	1				
	7		5				9		

▲ سخت

				3			5		
2									3
		9		7		4	6		
	4			1		2		6	
		8				9			
6		2		4				5	
	5	4		2		7			
8									5
		1			3				

▲ خیلی سخت

مهسا عباس پور



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

حلیم گیاهی



«حلیم» یکی از غذاهای قدیمی و سنتی ایرانی است که پخت آن زمان زیادی را می‌طلبد. در این شماره از آشپزی هفته پخت سریع و آسان آن را آموزش می‌دهیم. این دستور پخت برای دوستان و جترین و وگان مناسب است.

طرز تهیه:

جو دوسر پرک را شسته و داخل قابلمه بریزید. آب را به آن اضافه کنید و روی حرارت ملایم قرار دهید تا نرم شود. توجه داشته باشید اگر مقدار آب کم شد اما جو کاملاً نرم نشده بود، می‌توانید کمی دیگر آب به آن اضافه کنید. شیر را در این مرحله اضافه کنید و اجازه دهید تا جو همچنان بپزد. پس از آنکه مواد به جوش آمد و جو کاملاً نرم شده بود، مواد را به کمک گوشت‌کوب برقی میکس کنید تا به خوبی پوره شود. نمک را اضافه کرده و پس از قوام آمدن و یکدست شدن مواد شعله را خاموش کنید.

اگر مایل هستید روغن به حلیم اضافه کنید، بهتر است تا زمانیکه حلیم داغ است آن را بیفزایید. حلیم را داخل ظرف ریخته و در صورت دلخواه با کنجد، شکر و شیره انگور سرو کنید. نوش جان

مواد لازم:

۱. جو دوسر پرک
۲. شیر
۳. آب
۴. کنجد
۵. شکر
۶. شیره انگور
۷. نمک

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

فال شما برای ۱۶ تا ۲۲ فوریه / ۲۷ بهمن تا ۳ اسفند

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



این هفته برای شما زمانی عالی و از نظر مالی پرمفعت است. برخی از شما ارثیه‌ای دریافت کرده و برخی دیگر هم به طور غیرمستقیم از منابع مالی همسران بهره می‌برید. حتی شاید از طرف دولت پولی به شما پرداخت شود. مسائلی پشت پرده اتفاق می‌افتند که همه از آن بی‌خبرند اما شما مطلع هستید. بدون شک هدایایی دریافت کرده یا از اموال مشترک سود می‌برید. اکنون زمان عالی برای تقسیم اموال است و موفقیت شما همچون عطر گل رز پخش می‌شود.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



همچنان در چهار هفته آینده به خواب و استراحت بیشتر نیاز دارید. برای حفظ سلامتی خود به این نیاز احترام بگذارید. شاید این هفته از دوستی خداحافظی کنید، اما در عوض فردی مسن‌تر و با تجربه بیشتر به شما پند و نصیحت می‌کند. با گذشت زمان در این هفته هدایا و الطاف دیگران را جذب خود می‌کنید. حتی ممکن است پول نقد دریافت کنید. روابط با نفرت اصلی یا خاص در این هفته مملو از احساسات و عواطف است.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



این هفته همه چیز به آرامی انجام می‌شود و زمان پرباری را پشت سر می‌گذارید. با تلاش از انجام کارهای بسیاری برآمده و مهارت و تمرکز عالی خواهد بود. یکی از دلایل برای موفقیت شما کمک از منابع دیگر است. ممکن است از بودجه خوبی برخوردار شوید، وسیله‌ای در زمان مناسب به شما داده شود یا فردی به شما کمک کند. به هر جهت کمک صحیح در زمان مناسب را خواهید داشت که بسیار ارزشمند است. روابط با همه در این زمان عالی است!

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



این هفته برای شما دوستانه و شاد است. البته ممکن است برخی از شما در این زمان با یکی از دوستان خداحافظی کنید. در عین حال خبر خوب آن است که خورشید در موقعیت شما به رقص با ژوپیتتر خوش‌یمن مشغول بوده این شرایط شما را پرابرزی و مثبت‌اندیش می‌کند! به عبارتی جدا می‌خواهید درگیر موضوع بزرگی باشید و به همین جهت به خوبی با دیگران کار می‌کنید. نصیحتی از یکی از دوستان خواهید داشت و بهتر است آن را بپذیرید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



این هفته در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید. در حقیقت موفق‌تر و پولدارتر! البته ممکن است کمی محافظه‌کار و خویشتن‌دارتر از همیشه باشید. در نیمه هفته ونوس به خانه دوستی‌های شما آمده و انرژی شما را برای فعالیت‌های گروهی و تعامل با دوستان بالا می‌برد. در عین حال فردی مقام دار ایده‌ای هوشمندانه خواهد داشت که باعث افزایش درآمد شما می‌شود. اطرافیان شما را تشویق به انجام کاری می‌کنند. به آن‌ها گوش دهید.

متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)



این هفته پر از هیجان و تنوع است! بسیاری از شما ممکن است به سفر رفته یا کاری انجام دهید که افق‌های تان را گسترده‌تر نماید. برنامه‌ریزی برای تحصیلات عالی، فرصت‌هایی را برایتان به همراه می‌آورد. شاید برای دیدن یکی از افراد فامیل به سفر بروید و شاید هزینه سفر را خود همان فرد بپردازد. حضور ونوس در بالای موقعیت شما اکنون باعث جذابیت شما در نظر دیگران می‌شود. از این فرصت استفاده کنید.



METAFORM CONSTRUCTION INC.
GENERAL CONTRACTOR & CIVIL ENGINEER.

طراحی و ساخت خانه نو و بازسازی (مسکونی، اداری، تجاری)

ایده‌پردازی خلاقانه طراحی برنامه‌ریزی و اجرا کنترل دقیق نگرین

تولید و پخش هفت‌شنبه هافته

سرویس‌های ما:

- بازسازی آشپزخانه و سرویس بهداشتی
- بازسازی و تکمیل بیسمنت
- حذف دیوار باربر و جایگزینی آن با تیر
- تعویض متریال کف
- پلاسترینگ و نقاشی
- تقویت و برورسانی اینسولیشن اتاق زیر شیروانی
- ساخت دک و سولاریوم

Aref Khodaei
438-835-1455
info@metaformconstruction.ca
www.metaformconstruction.ca

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



این هفته هر وقت تصمیم به خرید می‌گیرید، پول در اختیار شماست و به همین جهت خوشحال هستید. به ایده‌های پول‌ساز خود اعتماد کنید، زیرا افزایش درآمد اکنون برای شما امکان‌پذیر است. ممکن است افزایش درآمد شما از طریق عضویت در گروهی خاص، ملک و املاک و یا اعضاء خانواده باشد. در این زمان ونوس به خانه مکالمات شما وارد می‌شود و این بدان معناست که در چند هفته آینده کلام‌تان دلنشین و باسیاست خواهد بود.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته برای شما زمان بسیار خوبی است، زیرا خورشید در موقعیت شما به رقص با ژوبیتر خوش‌یمن و پول‌ساز مشغول بوده و به شما اعتمادبه‌نفس بالا، خوش‌بینی و امید برای آینده می‌دهد. علیرغم این شرایط کمی مرموز عمل می‌کنید و منتظر هستید که ببینید باد از کدام جهت می‌وزد. البته این از هوشمندی شماست. در اواخر هفته به خرید اشیاء زیبا برای خود و خانواده می‌پردازید و البته پول هم جذب می‌کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در این ماه همچنان به آرامی و پشت پرده عمل می‌کنید، زیرا خورشید در موقعیت شما مخفی است. طبیعتاً باید تفریح کرده و از شرایط لذت ببرید، اما محافظه‌کار خواهید بود. شاید مدتی از وقت خود را در خانه بگذرانید. از اواخر هفته به بعد، تقریباً به مدت سه هفته، زمان خوبی برای خرید است. خوشبختانه امسال پول‌دارتر هم می‌شوید. چیزی را بخرید که واقعا دوست دارید. کائنات با شما همراه است! مثل یک برنده عمل کنید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



اکنون زمان بسیار خوبی برای گپ و گفت و تفریح در خانه است. بیشتر متولدین مهر ترجیح می‌دهند به رستوران، سینما، تئاتر رفته و با بچه‌ها تفریح کنند. عشق و محبت فضای اطراف شما را در بر گرفته و در نظر دیگران جذاب و اجتماعی خواهید بود. با گذشت زمان در طول هفته سبک و استیل خود را بهتر کرده و دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهید. می‌خواهید جهان اطراف خود را توسعه دهید و به همین دلیل دست به انجام کاری غیرمعمول می‌زنید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



امروز برای بیان احساسات خود احساس کم حرفی می‌کنید. این حس خیلی زود از بین رفته و در بقیه هفته با خلاقیت نظرات خود را بیان می‌کنید. با تغییر دکوراسیون و تعمیرات در منزل، به نوعی تفریح می‌کنید. می‌خواهید همه چیز در خانه جذاب به نظر برسد. احتمال سفرهای کاری برای بسیاری از شما زیاد است. در عین حال بحث در مورد اموال مشترک، مالیات، ارثیه و مسائل بیمه حل و فصل خواهند شد.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



این هفته همچنان برای شما زود گذر و پر از تفریح است. یکی از دلایل لذتبخش بودن این زمان آن است که از حس خوش‌بینی بسیاری برخوردارید. ذهن شما قالب مثبت‌اندیشی دارد و این همیشه تضمینی برای شادی است. در نیمه هفته ممکن است به تغییر دکوراسیون پرداخته یا حتی در دنیای املاک به جستجو مشغول شوید. در دو سال گذشته اکثر شما به جابجایی محل زندگی و تغییر شغل مشغول بوده‌اید. امسال همه چیز جا افتاده و آرام می‌شود.



Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار و انواع مواد غذایی ایرانی و خارجی در شعب

فروشگاه ایرانی بازار

BazaarFood.ca

ارسال سریع محصولات گوشتی، غذای روز و مواد غذایی با کمترین هزینه ارسال در فروشگاه آنلاین بازار

Downtown: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3 ☎ (514) 846 1617
Westmount: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8 ☎ (438) 771 8778

[bazaar.epicerie](#) [superbazaar](#) [bazaariraniansuper](#)

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی




دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف



(514) 942-9969
www.amajco.ca

طراحی، بازدید و
برآورد رایگان

شعر هفته

نقیضه (استقبال طنزآمیز) شعر خیام ۱

«چون عهده نمی‌شود کسی فردا را»
انکار مکن حوری مه سیما را
بگذار برای دگران و بگذر
در خویش نبینی اگر این معنا را
«چون نیست ز هر چه هست جز باد به دست»
حاصل چه بود ز عمر هفتاد به دست
هر زلف که داشتیم ز دستم افتاد
زان یار سر زلف نیفتاد به دست
«هی لعل مذابست و صراحی کانست»
بهرش بدهی جوهر روح ارزان است
گشتیم پی دختر رز، یافت نشد
در خانه محتسب مگر پنهان است
«افسوس که سرمایه ز کف بیرون شد»
طبعم ز فشار کار ناموزون شد
گویند چو منع والدین افزون شد
لیلی که ندید چاره‌ای مجنون شد
«این عقل که در ره سعادت پوید»
چون خار به راه عشق ما می‌روید
این دختر عشق حرف خود را بزند
ور مادر عقل هر چه خواهد گوید
«این چرخ فلک که ما در او حیرانیم»
دور سر ما گردد و سر گردانیم
گر خوش گذرد کبک بخواند چو خروس
ور بد گذرد ز دل دعا می‌خوانیم
«از تن چون برفت جان پاک من و تو»
خالی شده در کویر، پاک من و تو
مرحوم فرات گفت کودی عالی ست
از بهر درخت تاک، خاک من و تو
منبع: (دلرباعی‌ها، بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران؛
انتشارات مروارید، ۱۳۹۸. قسمتی از شعر طنز
«نقیضه شعر خیام»)

عشق

حکایت هفته

نوعی دیگر خواهی آمیخته با حالت ازدواج را گویند؛ یعنی اگر یک طرف ازدواج طوری طرف دیگر را با قلب و ایضا سایر اعضا و جوارحش بخواهد یحتمل عشق پدید آمده است. این واژه به دو زیرشاخه عاشق و معشوق تقسیم می‌شود که دست در دست هم فاجعه عشق را رقم می‌زنند!
سابق بر این عاشق کسی بود که به کس دیگری دل می‌باخت و معشوق همان بود که دل را ربوده و برده بود؛ اما چون تعریف از بیخ عوض شده این تعریف قدیمی هم از مد افتاده و عاشق کسی است که برای معشوق خرج می‌کند معشوق هم کسی است که برایش خرج می‌شود. خلاص!
قدیم‌ها افراد یک عشق یا یک تعداد عشق محدود در زندگی‌شان پیش می‌آمد. الان اول هفته را با یک عشق آغاز می‌کنند، به آخر هفته نرسیده سه تا عشق عوض شده است! یعنی با پیشرفت تکنولوژی قلب بدل به یک اتوبان هشت باند شده که مدام یک عده مشغول ورود به آن و یک عده در حال خروج از آن به سر می‌برند و عشق هم یک تعریف جدیدی پیدا کرده شبیه کاروانسرا! قلب آنهایی که پولدار نیستند مسافر خانه و دل آنهایی که وضع مالی‌شان مناسب هست، عین هتل است و تفاوت دیگری ندارد!
سابق بر این کلی بیچارگی بر سر داش آکل می‌آمد تا عاشق یک نگاه مرجان می‌شد و هی می‌نشست ختم مرجان عشق تو مرا کشت می‌گرفت و آخرش هم در تبعات این عشق می‌مرد و مرجان هم می‌چسبید به طوطی بازی و این جور غصه خوردن‌ها؛ اما الان طرف در حین کامنت گذاشتن در اینستاگرام کسی عاشقش می‌شود و در حین لایک کردن عکس یکی دیگر در فیس‌بوک ازدواجش می‌گیرد و حین مراد در تلگرام به دیگری دل می‌بازد و ... خلاصه یک ساعت پای نت باشد رسماً یک دفتر ازدواج و طلاق باید تمام وقت کارهایش را به رتق و فتق امورات عشقی ایشان اختصاص دهد!
منبع: (کتاب طنز پس‌کوچه، اسماعیل امینی. تهران؛ فرهنگ معاصر، ۱۳۹۵)

نکته هفته

آنجا که رسول یونان، اول یکی از شعرهایش نوشته بود: «اگر تو نبودی عشق نبود و همین‌طور اصراری برای ادامه زندگی...» دوست دارم بدونید چقدر حرف دل من به شماست؛ «روز عشق مبارک!»

نقل قول هفته

مولانا: نردبان این جهان ما و منیست، عاقبت این نردبان افتادنیست، لاجرم هرکس که بالاتر نشست، استخوانش سخت‌تر خواهد شکست!

ضرب‌المثل هفته

پارسی: دوست دارد یار این آشفستگی، کوشش بیهوده به از خفتگی...
عربی: عشق را نمی‌شود با پنهان کردن، پنهان کرد.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

FUN
HAFTEH

- ☺ ۱۵ بهمن روز زن، ۲۶ بهمن ولنتاین ... روز مرد هم افتاده یه روزی که سگ صاحبش رو نمی‌شناسه ... ۲۶ اسفند!
- ☺ زن از شوهر می‌پرسه: تو زن خوشگل دوست داری یا زن عاقل؟! ... شوهر میگه: هیچ‌کدوم عزیزم، من فقط تو رو دوست دارم! ... کلید اسرار! این قسمت «مرد عاقل»!
- ☺ آرزو می‌کنم پول تو کیفتون مثل ابروها و سیبیلاتون باشه ... تا برمی‌دارید فرداش دراومده باشه ... خداییش آرزوی قشنگی کردما! آمین رو بلند بگو!
- ☺ امروز رفتم مرکز خون یه کیسه خون دادم ... دو کیسه خون بهم زدن تا به هوش آمدم! ... طرف گفت دیگه این ورا پیدات نشه عوضی!
- ☺ واسه طرفتون کادو ولنتاین بفرستید در خوش ولی اسمتون رو روش ننویسید ... اگه ازتون تشکر نکرد کات کنید ... تا آموزش‌های بعدی بدرود!
- ☺ مشکل ما اینه که درآمدی به اون صورت نداریم ... ولی مخارجی به این صورت داریم!

نیازمندی‌های شما در تورنتو

سی دی-ویدئو	بیمه ویزیتوری و دانشجویی	اتومبیل (فروش)
عکاسی و فیلمبرداری	پس انداز تحصیلی	اتومبیل (تعمیرگاه)
فرش و موکت	پزشکی - روانشناسی - مشاوره	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
فروشگاه‌ها	دکتر اشکان کیتی پور ۹۰۵-۲۳۷-۸۷۵۵	ارز و صرافی
نانوایی سوپر آرینا 11108 Yonge St, Richmond Hill, L4C 0M6	ترجمه و دعوتنامه رسمی	صرافی نیاز ۴۱۶-۲۹۴-۳۰۰۳
کامپیوتر و خدمات	چاپ و کپی	صرافی آرش ۹۰۵-۹۵۵-۲۵۹۹
بابک یزدی ۴۱۶-۲۲۶-۶۹۳۹	حسابداری	آژانس مسافرتی
کتاب فروشی - کتابخانه	حمل و نقل	آموزش - مدارس و موسسات
پرستوک ۴۱۶-۲۲۷-۸۰۷۷	داروخانه	درسون ۸۷۷-۳۷۰-۳۲۷۷
پگاه ۴۱۶-۲۲۳-۰۸۵۰	Hustsmill Park Pharmacy ۴۱۶-۹۰۱-۴۷۰۰	سارنگ (Trading) ۴۳۸-۲۲۰-۱۲۰۴
سرای بامداد ۴۴۷-۶۸۰-۶۴۶۲	World Pharmacy ۹۰۵-۵۹۷-۵۱۵۰	موسسه فناوریان ۶۴۷-۳۵۵-۲۲۵۵
محضر رسمی	Richmond Hill Pharmacy ۹۰۵-۲۳۷-۷۸۷۴	آموزش - موسیقی
مراکز مذهبی	دندان پزشکی	آموزش (زبان)
مشاور مهاجرت	دندانپزشکی دانا ۹۰۵-۵۰۳-۰۳۵۹	املاک - مشاور املاک
نفیسه پرورنده ۴۱۶-۹۳۹-۹۵۵۲	رسانه‌های گروهی	سیامک شکیبی ۴۱۶-۳۰۲-۱۱۰۶
ویزا فکتوری ۴۱۶-۵۶۱-۸۷۶۵	رستوران - کیتترینگ	املاک - تعمیرات ساختمان
نان و شیرینی	بمبویچ (ساندویچ و پیتزا) ۹۰۵-۲۳۵-۸۲۲۲	املاک - بازرسی ساختمان
وکیل	سازمان‌های فرهنگی	املاک - وام مسکن
	بنیاد پریا ۹۰۵-۷۶۴-۰۲۰۲	بیمه عمر و سرمایه‌گذاری
	344 John St., Thornhill, L3T 5W6	Insufin Insurance ۹۰۵-۳۷۰-۰۰۱۱
	تیرگان ۴۱۶-۶۴۰-۲۴۱۲	بیمه (خودرو-خانه-سفر)
	7191 Yonge St #802, Thornhill, L3T 0C4	

نیازمندی‌های شما در مونتریال و اتاوا

پیش شماره‌های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند

۸۳۴-۸۰۵۳	مهرداد مرادخانی	۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی	اتومبیل (فروشی)	
	بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	۵۸۸-۰۶۰۹	مهدی انصاری	Auto Highlander	۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶
۵۵۳-۰۹۷۸	مهدی امانی	۸۱۳-۱۰۰۰	مهرک ایرانفر	www.autohighlander.com	
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکژاد	۶۵۱-۴۸۲۶	بهار ایزدی	1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست	۹۷۱-۷۴۰۷	کاظم پرتوتهرانی	اتومبیل - تعمیرگاه	
۲۹۶-۷۳۰۶	مژگان رجبی	۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر	اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی	۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	6000 saint jaque H4A 2E9	
۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶	فریبا علیزاده	۷۳۰-۵۴۲۷	فرید زادا	شمیران	۴۸۷-۶۲۶۲
	بیمه - خودرو - خانه - سفر	۶۷۷-۳۹۰۰	محمود رحیم‌زاده	آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست (بیمه سفر)	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	نازک سلیمان‌پور	رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
	مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	۷۳۰-۳۹۰۹	آرش شکور	سیروس	۲۴۰-۱۴۹۳
۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰	مهرداد ملک جمشیدی	۲۹۰-۲۲۱۰	شهره شهریان	فریبا	۴۸۷-۰۸۰۰
۸۶۶-۲۴۶۳	محمد تائبی	۶۲۵-۲۵۲۵	سحر صمدایی	مهرناز	۲۰۹-۷۳۰۴
	بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	رکسان صمیم	Spa Illusion	۶۹۴-۳۷۳۵
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست	۹۹۶-۱۰۶۵	هلیا عارفی‌دوست	ارز و صرافی	
۷۴۶-۹۳۹۹	امین طاهری	۴۳۸-۵۲۵-۱۲۹۰	علیجان قربانی	آپادانا	۷۳۱-۸۸۳۹
	پزشکی - روانشناسی - مشاوره	۵۶۱-۳۵۶۱	آرزو گتمیری	ببستی	۸۰۶-۰۰۲۰
۸۴۶-۸۸۷۲	حسین ترکپور	۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزنیا	پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	لاله رهبین	۵۵۷-۱۹۲۹	حامد ملکی	شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
۴۳۱-۲۸۲۶	الهام گرامی	۹۶۶-۹۶۸۱	الهام نیاجامی	پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
	ترجمه و دعوتنامه رسمی	۲۲۲-۲۲۹۳	مانیا نیازی	Expert FX	۸۴۴-۴۴۹۲
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی	۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳	شهرام والقان	آژانس مسافرتی	
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل‌داری یکتا	۵۷۴-۶۱۶۲	هایک هارتونیان	سلطان تراول	۴۸۴-۴۰۰۰
۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	خاطره تحویل‌داری یکتا	۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همیتیان	آموزش - مدارس و موسسات	
۶۹۱-۴۳۸۳	رضا داوودی		املاک - تعمیرات ساختمان	کالج فنی و حرفه‌ای اویریون	۷۳۹-۳۰۱۰
۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲	حمید شورکایی	۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت آماج	انجمن خوشنویسان	۴۷۶-۷۲۵۹
۸۸۴-۱۰۱۶	سارا کیانی	۴۴۱-۴۲۹۵	شرکت بن	مدرسه دهخدا	۲۵۸-۸۱۸۶
۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵	فیروزه مسیحا	۴۶۳-۳۰۱۴	لوله‌کشی پتانسیل	مدرسه فردوسی	۵۰۲-۴۳۷۸
	چاپ و کپی	۲۹۰-۲۹۵۹	Pars Constraction Group	کالج فنگی	۹۰۷-۵۰۷۳
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکچی ان دی جی		املاک - بازرسی ساختمان	مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰
	حسابداری	۹۷۱-۱۳۵۹	محمودرضا اسکندری	آموزش - موسیقی	
۵۴۹-۱۳۴۴	حجت رستمی	۵۰۸-۳۸۱۱	حسین فرهنگد	استاد پیانیست قرچه‌داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
۸۸۶-۷۴۷۱	مهدیه سلیمی		املاک - وام مسکن	پیانو / فخاریان	۹۹۶-۱۶۲۰
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیعی	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵	صبا المعی	پیانو / TwinMuse	۸۱۴-۱۷۴۹
۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر	۶۰۶-۵۶۲۶	بهرز باباخانی	سنتور / صابر جلیل‌زاده	۵۴۹-۴۶۹۷
۴۵۸-۷۵۹۹	اردشیر معین افشاری	۹۶۲-۸۸۳۰	هومن بصیر	آموزش - زبان	
۲۲۵-۳۵۰۰	Elan Accounting	۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر	دکتر رضا یاوریان	۶۵۳-۳۰۵۰
		۴۳۸-۹۲۶-۵۶۲۶	مریم رمضانلو	املاک - مشاور املاک	
		۵۷۶-۵۰۲۳	کتی کرکچی (Desjardins Bank)	محمد اجزایی	۹۲۴-۵۰۵۵

کتاب فروشی - کتابخانه	کتاب سرا - اتواتر	حمل و نقل
۴۸۵-۳۶۵۲ کتابخانه نیما	۹۳۳-۰۹۳۳ 755 Atwater Ave.	۹۳۵-۳۳۰۰ المپیک
۷۸۷-۸۸۴۰ نوروززمین	۷۶۶-۲۸۵۵ کتاب سرا - نانزآیلند	۸۸۷-۰۴۳۲ قربان
محضر رسمی	7.Place de Commerce,Porte #102 Verdun	۲۳۴-۳۳۹۹ Loadex Transport
۹۰۳-۸۵۶۰ مونا صالحی	سی دی - ویدپو	داروخانه
مراکز مذهبی	۲۲۲-۳۳۳۶ تپش	۲۸۸-۴۸۶۴ پروکسیم
۸۴۹-۰۷۵۳ انجمن بهایی	عکاسی و فیلمبرداری	۵۱۹-۳۰۶۰ گلنسیم ریاحی
۳۴۱-۲۲۳۵ موسسه خوبی	۴۸۸-۷۱۲۱ استودیو رز	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰ فارماپری لاوال
مشاور مهاجرت	۹۸۴-۸۹۴۴ استودیو فتوبوک	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷ فارماپری لاوال
۶۳۸-۸۲۵۸ روادید	۶۶۰-۸۲۶۰ عکاسی مهناز	دندانپزشک
۲۸۹-۹۰۴۴ معصومه علی محمدی	فرش و موکت	۶۳۴-۷۲۸۱ راضیه رضوی
www.GanjiCo.com گنجی	۷۳۹-۴۸۸۸ قالی شویی و رفو	۷۳۱-۱۴۴۳ شریف نائینی
۷۴۸-۰۹۴۹ سهیل ملاحمدی	فروشگاه‌ها	۹۳۳-۶۸۰۰ فریدون هرنیدیان
نان و شیرینی	۸۴۶-۱۶۱۷ بازار	رسانه‌های گروهی
۶۳۴-۶۳۶۳ سنگک آذر	۹۰۳-۹۹۹۳ دانیکا	۸۴۸-۹۵۹۹ بازار
۸۳۶-۵۵۵۳ گندم	۷۳۸-۱۳۸۴ Exo Fruits	۹۹۶-۹۶۹۲ پیوند
وکیل	۶۷۵-۱۴۹۹ Marche RS	۹۹۶-۱۶۲۰ ر-می
۹۵۳-۳۵۷۰ نیوشا ریاحی	کامپیوتر و خدمات	۸۳۴-۷۲۵۴ هفته
	بیژن جلالی	۲۵۸-۸۱۸۶ رستوران - کیتترینگ
		پوشاپ (هندی)
		۷۳۷-۴۵۲۷



www.hafteh.ca
info@hafteh.ca

محل‌های پخش

هفته در اتاوا هفته در تورنتو

Caspian supermarket 2052 Sheppard Ave E	Super Tehran 7327 Yonge St	Shiva exchange 10997 Yonge St	Arya Food Market 508 Gladstone Ave, K1R 5P1
Kurosh supermarket 740 Sheppard Ave E # 2	Super Parsian 8129 Yonge St	Sabzineh 10145 Yonge St	Shiraz Store 725 Somerset St W . K1R 6P7
Restaurant Shamshiri 280 Sheppard Ave E	Shirini Hel-va-Golab 8147 Yonge St	Khaki Restaurant 10210 Yonge St	Kabul Store 355 Montreal Rd, K1L 6B1
Ava food market 193 Sheppard Ave E	Restaurant Khansalar 9325 Yonge St	Arina super bakery 11108 Yonge St	Donerma Reataurant 129a Bank St. K1P 5N7
Pegah bookstore 5513 Yonge St	Day Meet 9555 Yonge St Unit 23	Daryani Bakery 10670 Yonge St	Afghan Kebab Express 249 Bank St. K2P 1X2
Hafteh Media Group 6012A Yonge St	Garni Bakery 9555 Yonge St, Unit ...	Super Haftseen 26 Levendale Rd	Ravadiid - Immigration Office 310 Miwate Privet, #311, K1R 0E2
Ladan pastry 7073 Yonge St	Oranous Pastry 9625 Yonge St Unit C2	Sahar bread 12 Levendale Rd	
Hyper Fresh 118 Doncaster Ave	Taftan Kabab 9625 Yonge St	Heeva food 10454 Yonge St	
Parya 344 John St	Super Talaei 10670 Yonge St	Daei Reza Bakery 9580 Yonge St Unit 105	
World Pharmacy 7163 Yonge St, # 128	Apadana Drugstore 9625 Yonge St	I.D.A. Pharmacy 9206 Yonge St	
Restaurant Yasman 7181 Yonge St # 127	Ramand bakery 9631 Yonge St	Baran Bakery 8950 Yonge St	
Saraye Bamdad 7181 Yonge St # 127	Toranj supermarket 9737 Yonge St # 214	Chef Burger 8910 Yonge St	
Shops on Yonge 7181 Yonge St	Arash Exchange 9993 Yonge St	Pantea Pastry 8910 Yonge St Unit 6	

16. Histoire de couverture

**Reportage : Le meeting du 10 février à Washington,
un premier pas dans la convergence des partis d'opposition ?**

Opinion : La réunion de l'Université "Georgetown" ; leçon apprise?

■ Arash Mohebi



Cover
NO.717

13 Report: Mahdis Mokhtari
**Le grand rassemblement du 11 février et la
division des manifestants**

25 Immigration: M Alimohammadi
**L'embauche de travailleurs étrangers par les
employeurs québécois facilitée**

42 Rapport special: Pegah Sharifi
**Hijab du point de vue de deux femmes irano-
canadiennes**
sous prétexte du 44e anniversaire de la révolution
islamique en Iran

52 Économie: Armin Aryanpour
**Inflation, récession, saison des impôts et
inquiétudes concernant la retraite**

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
Un rapport de Kaboul:
**Renforcement du patriarcat après les talibans et
augmentation de la violence contre les femmes**



Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Sirous Yahyaabadi

Littérature: Farzaneh Safaei

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine:

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi

Un magazine hebdomadaire
pour la communauté Afghane/
iranienne a Canada

A weekly Magazine for the
Afghan/Iranian Community in
Canada

16 fev 2023, numéro 717

HafteH will not be published on
the following dates during 2022:

January 5th

March 23rd

July 6th

October 12th

Bureau de Toronto
6012A Yonge Street
North York, ON M2M 3V9
(416) 548-5671

Bureau de Montréal
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8
(514) 834-7254

• www.hafteH.ca
• info@hafteH.ca
• news@hafteH.ca
• ad@hafteH.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada





ساختمان جدید پریا

با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی و مردمی در حال ساخت می‌باشد



Parya Construction Site - September 2022



بنیاد پریا
Parya Trillium
Foundation

بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer
به admin@parya.org و یا به ایمیل

[www.canadahelps.org/en/charities/
parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد
برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید

www.parya.org



Your \$2000 gift will be recognized
as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000
will be permanently recognized
on the **Recognition Wall**
at the building entrance.



2010



2011



2023

صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)



SAMI FRUITS

میوه تره بار سامی

کیفیت خوب قیمت ها غیر قابل رقابت

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

D.D.O. (514) 421-6333
 3000 Rue du Marche, H9B 2Y3
 چهارشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 پنجشنبه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 جمعه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 شنبه و یکشنبه تا ۱۹:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 (دوشنبه و سهشنبه تعطیل)

Head Office
 1505 rue Legendre Ouest
 Montreal, QC H4N 1H6
 (514) 858-6363

Nord-est (514) 593-1333
 8200 19E Avenue, H1Z 4J8
 دو و چهارشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 پنجشنبه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - جمعه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 شنبه و یکشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ - سهشنبه تعطیل

St. Laurent (514) 856-1333
 1320 boul. Jules-poitras, H4N
 چهارشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ - پنجشنبه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 جمعه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - شنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 یکشنبه تا ۱۹:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - دو و سهشنبه تعطیل

Laval (450) 978-1333
 1550 Blvd Daniel.Johnson
 دوشنبه و چهارشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 پنجشنبه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - شنبه و یکشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 جمعه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - سهشنبه تعطیل

Lasalle (514) 368-1333
 400 ave Lafleu, H8R 3H6
 چهارشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
 پنجشنبه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰ - جمعه تا ۲۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰
 شنبه و یکشنبه تا ۱۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ - دو و سهشنبه تعطیل

سامی، جایی که می توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید،

اما کیف پولتان را خالی نکنید.



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارهایی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible




روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- Soutien Informatique

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری
- پشتیبانی کامپیوتر

دوره های آنلاین

- Dessin industriel

امتحانات: حضوری یا آنلاین (بزرگسالان)

- طراحی صنعتی



5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010



\$438.000 | CENTRES: 20668583
200 BOUL MARCEL LAUREN, SAINT-LAURENT

برای فروش



\$436.000 | CENTRES: 15004269
200 AVENUE DU GOLF, APT. 426, LA PRAIRIE

برای فروش

#1

برترین تیم مشاورین املاک در

LONDONO REALTY GROUP INC

2018 à 2022

CORPORATION DE LAURENT

آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما



514 739 3909